

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در قرآن

ترجمه کتاب شریف «فاطمة الزهراء علیها السلام فی القرآن»

حضرت آیت الله العظمی
سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)

ترجمه و تحقیق:

طه طرزی



فهرست مطالب

۹	مقدمه محقق
۱۳	مدخل
۱۵	مقدمه
۱۷	ملاحظات
۱۹	سوره ی فاتحه
۲۳	سوره ی بقره
۳۷	سوره ی آل عمران
۵۱	سوره ی نساء
۵۷	سوره ی مائده
۶۱	سوره ی انعام
۶۹	سوره ی اعراف
۸۳	سوره ی انفال
۹۱	سوره ی توبه
۹۷	سوره ی هود
۱۰۳	سوره ی یوسف
۱۰۷	سوره ی رعد

۱۱۱	سوره ی ابراهیم علیه السلام
۱۱۵	سوره ی حجر
۱۲۱	سوره ی نحل
۱۲۷	سوره ی اسراء
۱۳۵	سوره ی کهف
۱۴۱	سوره ی مریم علیها السلام
۱۴۵	سوره ی طه علیه السلام
۱۵۱	سوره ی انبیاء علیهم السلام
۱۵۵	سوره ی حج
۱۶۱	سوره ی مؤمنون
۱۶۷	سوره ی نور
۱۷۳	سوره ی فرقان
۱۷۷	سوره ی شعراء
۱۸۱	سوره ی نمل
۱۸۵	سوره ی قصص
۱۹۱	سوره ی عنکبوت
۱۹۷	سوره ی روم
۲۰۱	سوره ی احزاب
۲۰۹	سوره ی سبأ
۲۱۳	سوره ی فاطر
۲۱۷	سوره ی صافات
۲۲۳	سوره ی زمر
۲۲۷	سوره ی غافر (مؤمن)
۲۳۱	سوره ی فصلت
۲۳۵	سوره ی شوری
۲۴۳	سوره ی زخرف

۲۴۷	سوره ی دخان
۲۵۱	سوره ی جائیه
۲۵۵	سوره ی محمد ﷺ
۲۶۵	سوره ی فتح
۲۶۹	سوره ی ق
۲۷۳	سوره ی ذاریات
۲۷۷	سوره ی طور
۲۸۳	سوره ی قمر
۲۸۷	سوره ی رحمن
۲۹۱	سوره ی واقعہ
۲۹۷	سوره ی حدید
۳۰۱	سوره ی حشر
۳۰۷	سوره ی جمعہ
۳۱۱	سوره ی تغابن
۳۱۵	سوره ی تحریم
۳۱۹	سوره ی مزمل
۳۲۳	سوره ی مدثر
۳۲۷	سوره ی دھر (انسان)
۳۳۷	سوره ی مرسلات
۳۴۱	سوره ی مطفین
۳۴۵	سوره ی بروج
۳۴۹	سوره ی بلد
۳۵۳	سوره ی شمس
۳۵۷	سوره ی ضحی
۳۶۱	سوره ی انشراح
۳۶۵	سوره ی تین

سوره ی بینه.....	۳۶۹
سوره ی تکاثر.....	۳۷۳
سوره ی عصر.....	۳۷۷
سوره ی کوثر.....	۳۸۱

کتابشناسی پُرکاربردترین منابع / ۳۸۵

الأمالی (شیخ طوسی).....	۳۸۵
بحار الأنوار (مجلسی ثانی).....	۳۸۷
تأویل الآیات الظاهرة (سید شرف الدین، علی حسینی استرآبادی).....	۳۸۹
تفسیر فرات کوفی (ابراهیم بن فرات کوفی).....	۳۹۱
غایة المرام (سید هاشم بحرانی).....	۳۹۲
الکافی (شیخ کلینی).....	۳۹۵
وسائل الشیعه (شیخ حرّ عاملی).....	۳۹۸
الدر المنثور (سیوطی).....	۴۰۲
روح المعانی (آلوسی).....	۴۰۳
شواهد التنزیل (حسکانی).....	۴۰۴
فرائد السمطین (حموینی).....	۴۰۶
الکشف و البیان (ثعلبی).....	۴۰۸
ینایع المودة (قندوزی).....	۴۰۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه محقق

بررسی فضائل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و به ویژه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام به عنوان تنها مصداق ندای شریف: «لولا فاطمة لما خلقتكما»^۱، از جمله معارفی است که شیعیان و دیگر دوستداران خاندان رسالت در طول تاریخ اهتمام ویژه‌ای به آن داشته‌اند.

نگارش مجموعه‌های ارزشمند، با نگاهی برون مذهبی و مورد اتفاق تمامی فرق اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار بوده و دارای اثر تبلیغی فوق‌العاده‌ای می‌باشند. کتاب شریف «فاطمة الزهراء علیها السلام فی القرآن» اثر مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی حفظه الله کوششی موفق در این زمینه می‌باشد.

اکنون که توفیق، رفیق راه گردیده و به ترجمه و تحقیق این اثر ارزشمند مشغول هستیم، تذکر نکاتی را لازم می‌دانیم. باشد که مورد عنایت بانوی نمونه اسلام واقع شده و توفیق ادامه این مسیر را برای ما از خدای متعال مسئلت دارند.

۱. مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۱۶۹.

۱- مجموعه حاضر نخستین ترجمه و دومین تحقیق کتاب می باشد. از آنجا که نگارش کتاب به سال های دور برمی گردد لذا بازنگری در برخی منابع آن امری ضروری بود. با آنکه سعی نویسنده محترم بر آن بوده است تا روایات از منابع معتبر عامه استخراج شود، با این حال گاه به روایاتی از مصادر شیعی نیز برمی خوریم.

به منظور تصحیح این امر در مواردی که احادیث، از منابعی همچون غایة المرام علامه بحرانی اخذ شده بودند - علاوه بر آنچه در تحقیق اول صورت گرفته بود - دوباره بازنگری و از منابع عامه استخراج شدند.

۲- به منظور اتقان بیشتر، منابع عامه بررسی و آدرس های جدید به موارد قبلی افزوده شد.

۳- اتفاق فریقین (شیعه و سنی) موضوعی می باشد که تحقیق جدید به آن نظر داشته است. بنابراین افزون بر آدرس های قبلی، آدرس های روایات از مصادر معتبر شیعه نیز استخراج گردیده است.

۴- در مواردی هم، توضیحاتی در پاورقی اضافه گردیده است.

۵- در پایان کتاب، به منظور آشنایی خواننده ی گرامی با پرکاربردترین کتاب ها و صاحبان آنها، از دو گروه شیعه و عامه، بخشی به عنوان کتابشناسی و شخصیت شناسی سیزده اثر اختصاص یافته است.

در خاتمه از حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصر باقری بیدهندی که به کنترل ترجمه و ویرایش کتاب همت گماشتند تشکر می نمایم و از برای ایشان توفیق روز افزون از خداوند مَنّان خواهانم.

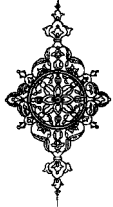
در اینجا، برای همه دست اندرکاران چاپ این مجموعه سلامت و توفیق روز افزون آرزو می کنم و از خداوند متعال برای مؤلف، طول عمر و برای خود و همه ی مردم توفیق شناخت درست و کامل معصومان (علیهم السلام) را مسئلت می نمایم.

امید است این ترجمه، مقبول درگاه ملکوتی حضرت زهرا علیها السلام قرار گیرد و نویسنده و مترجم و ویراستار را در شمار لبیک گویان ندای «أین الفاطمیین» در روز محشر بپذیرد.

به محشر از فراز چرخ گردون ندا خیزد که «أین الفاطمیین؟»

۱۲/جمادی الاولی/۱۴۳۱ ه. ق

شب شهادت حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه زهرا علیها السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدخل

رسول اکرم ﷺ (در حدیثی متواتر)^۱ فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لِرَضَى فَاطِمَةَ وَيَغْضَبُ لِعُضْبِهَا؛

خداوند بر خشنودی فاطمه، خشنود می‌شود و از غضب او خشمگین می‌گردد».

۱. این حدیث را بزرگان حدیث و حافظان و مفسران و مورخان نقل کرده‌اند که از آن جمله‌اند: حاکم نیشابوری در مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۳؛ ابن اثیر جزری در اسد الغایة، ج ۵، ص ۵۲۲؛ حافظ ذهبی در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۷۲ و ده‌ها نفر دیگر که در احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۱۶ تا ۱۲۲ و ج ۱۹، ص ۵۴ تا ۵۶ از آنها یاد شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

سپاس مخصوص خدای جهانیان است و سلام و صلوات بر بهترین تمام خلق، محمد مصطفی ﷺ و دخت پاکش انسیهی حوراء، فاطمه‌ی زهرا، سرور زنان عالم، همسر وصی کَرّار و مادر ائمه اطهار ﷺ؛ آنان که در کتاب عزیز به «اهل بیت» که خداوند رجس را از ایشان برداشته و آنان را پاک نموده است، نامیده شده‌اند.

کتابی که در دست دارید مشتمل بر آیاتی روشن از قرآن کریم است که در حق سرور و مولای ما فاطمه زهرا ﷺ چه به صورت تنزیل یا تفسیر یا تأویل و یا تطبیق وارد شده است. آنها را از کتاب‌های غیر شیعه به‌گزین کرده‌ام و تنها آنچه را علمای شیعه بیان داشته‌اند ذکر نمی‌کنم تا قوی‌ترین حجت و واضح‌ترین دلیل باشد.

همه نیت من در انجام آن، تقرّب به رسول خدا و اهل بیتشان ﷺ، به ویژه شفیعه محشر، فاطمه زهرا ﷺ است. تا به وسیله آن در روزی که نه مالی سود بخشد و نه فرزندی، کامیاب گردم. و از کسانی باشم که حدیث شریف و متواتر پیامبر اکرم ﷺ بر او منطبق باشد:

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَسَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَى؛

مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است هر که بر آن سوار شود، نجات یابد».^۱

۱. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۳، ص ۳۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۰۸.

و تا هدایت و مشعلی باشد برای آنکه حق را اراده می کند و نمی یابد، یا آنکه می جوید و به آن نمی رسد. همچنین مشمول حدیث شریف منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله باشم که می فرمایند:

«یا علیُّ لئن یهدی اللهُ بكَ رجلاً واحداً خیرٌ لكَ ممّا طلعت علیه الشمسُ؛ ای علی! اگر خداوند به دست تو تنها یک نفر را هدایت کند برای تو از آنچه خورشید بر آن تابیده برتر است»^۱.

آنچه در نوشتار پیش رو آمده، تنها بخشی از آیات قرآن کریم در منابع عامه، درباره حضرت زهرا علیها السلام است که موفق به جمع آوری آن شده ام، احتمال دارد آیات فراوان دیگری باشد که آنها را ثبت نکرده ام. و شاید در آینده توفیق الهی شامل کسی گردد و آنها را جمع نموده و به عنوان تکمله و اتمامی برای آن به این کتاب، ضمیمه نماید.

والله هو ولی الهدایة والتوفیق

صادق حسینی شیرازی

۱۷ / رجب المرجب / ۱۴۰۸ ه. ق

قم مشرفه - مؤمن آباد

۱. التحریر و التنویر، ج ۲، ص ۴۸۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۴۴۷.

ملاحظات

۱- در این کتاب، آیاتی از قرآن را که در شأن بزرگ بانوی جهانیان از اولین و آخرین، فاطمه زهرا علیها السلام، چه به صورت اختصاصی و چه به طور عموم، و نیز پدر، همسر و فرزندان علیهم السلام وارد شده است، گردآوری نموده‌ام.

۲- در این اثر آیاتی که در احادیث شریف به «اهل بیت» تفسیر شده، و یا در حق ایشان نازل گردیده است و زبان به مدح و ثناء آن حضرات گشوده و به آنان تأویل شده‌اند ذکر نمودم. احادیث متواتری که از عموم مذاهب مسلمانان همچون کتاب‌های تفسیر، حدیث و تاریخ از رسول خدا صلی الله علیه و آله به این حقیقت اشاره دارند که: فاطمه زهرا علیها السلام در زمره‌ی اهل بیت می‌باشد؛ بلکه ایشان و پدر و همسرش، بزرگان اهل بیت و ائمه اطهار علیهم السلام^۱ می‌باشند. نیز در احادیث مستفیضه - یا متواتره - آمده است که سرور ما حضرت زهرا علیها السلام محبوب‌ترین اهل بیت در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده‌اند. آنگونه که در صحیح ترمذی آمده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: کدامیک از خاندانت نزد شما محبوب‌ترند؟ فرمود: دخترم فاطمه.^۲

۱. بخشی از این احادیث در ذیل این آیه از سوره احزاب خواهد آمد: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾.

۲. صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۱۹ چاپ صاوی مصر و نیز برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: مسند حافظ ←

۳- به منظور اختصار، اسناد احادیث را حذف کردم چرا که هدفم در این کتاب اشاره به کثرت آیات وارده درباره اهل بیت و فاطمه زهرا (علیها السلام) بوده است. ولی منابع را در پایان هر صفحه ذکر کرده‌ام تا هر کس به بررسی اسناد تمایل داشت به آنها رجوع کند.

۴- چه بسیار احادیثی که در تفسیر آیه‌ای وارد شده است ولی به منظور اختصار و رعایت ایجاز و اشاره به گستردگی این باب از تفصیل آن خود داری کرده و تنها به برخی موارد اشاره نموده‌ام. امید است که توفیق، رفیق راه دیگری گردد و به این مهم همت گمارد ان شاء الله.

← طبالسی، ص ۸۸؛ تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۶۳؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری؛ حافظ ابن کثیر در تفسیرش، ج ۸، ص ۸۵؛ حافظ ابن عساکر در التاریخ الکبیر، ج ۲، ص ۳۹۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۲، ص ۳۵۴ و دهها منبع دیگر که در إحقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۷۶-۱۸۲ ذکر شده‌اند.

سورهی فاطمه

در این سوره مبارکه دو آیه مدّ نظر است:

۱. ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾.

۲. ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾.

﴿ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾؛

(خدایا) ما را به راه راست هدایت فرما.^۱

حافظ کبیر حاکم حسکانی معروف به ابن حذاء حنفی نیشابوری - از بزرگان قرن پنجم هجری - در کتابش «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت» می‌گوید: حاکم پدر ابو محمد عبدالله بن احمد با اسناد خود از ابی بریده درباره این فرمایش خدای متعال: ﴿ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ به ما خبر داد که گفت: منظور از صراط مستقیم راه محمد و آل اوست.^۲

باز همو روایت کند که: عقیل بن حسین بن قیده فسوی با اسناد خود از سفیان ثوری از اسباط و مجاهد از ابن عباس در تفسیر آیه ﴿ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ روایت نمود که گفت: ای بندگان خدا! بگویید ما را به دوستی پیامبر و اهل بیتش هدایت نما.^۳ مؤلف گوید: محور آل محمد ﷺ و اهل بیتش، صدیقه کبری فاطمه زهراء ﷺ می‌باشد و اگر ایشان نبودند برای علی ﷺ همسری نبود تا شایستگی به دنیا آوردن

۱. سوره فاتحه، آیه ۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۵؛ و از منابع شیعه نگریسته شود به: بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶؛ المناقب ج ۳، ص ۷۳.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۸؛ و از منابع شیعه نگریسته شود به: بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶؛ المناقب، ج ۳، ص ۷۳.

ائمه اطهار (علیهم السلام) را داشته باشد. و در حدیث شریف کساء آمده است:

«هُم فاطمةُ وأبوها وبعلُها وبنوها؛

آنها فاطمه‌اند و پدرش و شوهرش و فرزندان».^۱

می‌بینیم که آن حضرت حتی در حدیث قدسی نیز به عنوان محور و نقطه‌ی اتصال اهل بیت (علیهم السلام) معرفی شده است.

﴿ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴾؛

راه آنان که به آنها نعمت عطا فرمودی.^۲

علامه‌ی مذهب شافعی ابوبکر خضرمی در کتابش «رشقة الصادي» درباره آیات ﴿ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴿ گوید: ابوالعالیه گفت: مراد از ﴿ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴾ آل رسول خدا (علیهم السلام) هستند.^۳

مؤلف گوید: از آنجا که سرور و مولای ما فاطمه زهرا (علیها السلام) از آل پیامبر خدا (علیهم السلام) می‌باشند - آنگونه که بارها با دلایل بسیار تذکر خواهیم داد - صحیح است که این آیه شریفه را از جمله آیاتی بدانیم که در شأن ایشان نازل شده است.

۱. در خصوص حدیث شریف کساء رجوع شود به: «من فقه الزهراء»، ج ۶، تألیف بزرگ مرجع جهان تشیع مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی (رحمه الله) و نیز «الجامع الكبير» کتاب «آیه التطهير فی أحادیث الفريقین» تألیف سید علی موحد ابطحی اصفهانی.

۲. سوره فاتحه، آیه ۷.

۳. رشقة الصادي، ص ۲۵؛ از منابع شیعه بنگرید به: معانی الأخبار، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۳.

سورهی بقره

شامل یازده آیه که عبارتند از:

۱. ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...﴾
۲. ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ﴾
۳. ﴿وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾
۴. ﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ﴾
۵. ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ﴾
۶. ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾
۷. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾
۸. ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾
۹. ﴿فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ﴾
۱۰. ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ...﴾
۱۱. ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛

به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که باغ‌هایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش روان است. هرگاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود، می‌گویند: این همان است که قبلاً روزی داده شده بودیم و مانند آن برایشان آورده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند.^۱

علامه حنفی حافظ عبیدالله، معروف به حاکم حسکانی به سند خود از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: از جمله آیات قرآن که به طور خاص در حق رسول خدا و علی و اهل بیت کرامش از سوره بقره نازل شده است، آیه ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ می‌باشد.^۲ مؤلف گوید: فاطمه زهرا علیها السلام به اجماع تمام مسلمانان جزء اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، از این رو این آیه کریمه بر ایشان منطبق است.

۱. سوره بقره، آیه ۲۵.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۴؛ از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۲۹.

و «اختصاص» در اینجا به معنای کامل ترین افراد، یا اولین افراد است و با شمول آیه نسبت به بقیه مسلمانان نیز منافات ندارد.

﴿فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾؛

سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود (و آن کلمات را وسیله قبول توبه‌ی خویش قرار داد) و خداوند توبه او را پذیرفت آری، او توبه‌پذیر مهربان است.^۱

علامه حافظ ابن مغازلی شافعی^۲ در مناقبش با اسناد خود از سعید بن جبیر و او از عبدالله بن عباس روایت می‌کند که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی کلماتی که [حضرت] آدم از پروردگارش دریافت نمود و خداوند بدان وسیله توبه‌ی او را پذیرفت، سؤال کردم؟ فرمودند: [حضرت آدم] از خداوند به حق «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین» درخواست نمود که توبه او را [از ترک اولائی که نموده بود] بپذیرد؛ خداوند هم پذیرفت.^۳ مانند آن را علامه شافعیان، سیوطی نیز در تفسیرش^۴ و همچنین دیگران نقل نموده‌اند.^۵

﴿وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾؛

و بر ما ستم نکردند؛ بلکه بر خویش ستم روا می‌داشتند.^۶

حافظ سلیمان قندوزی حنفی به سند خود از ابی جعفر باقر رضی الله عنه در تفسیر

۱. سوره بقره، آیه ۳۷.

۲. نامبرده ابوالحسن علی بن محمد بن طیب از عالمان اوائل قرن پنجم هجری است.

۳. مناقب علی بن ابی طالب، ص ۶۳.

۴. الدر المنثور، ج ۱، ص ۶۰.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۰۱؛ ینابیع المودة، ج ۱، ص ۲۸۸؛ و از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۸۳؛ إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۰.

۶. سوره بقره، آیه ۵۷.

آیه: ﴿وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ روایت می کند که فرمود: خداوند بلند مرتبه که سلطنتش بزرگ و کبریائیش مستدام باد، عزیزتر و برتر و پاک تر از آن است که به او ظلمی شود، ولی او ذات اقدس خود را در میان ما اهل بیت قرار داده و ظلم بر ما را ظلم بر خود حساب نمود، لذا فرمود: «و بر ما ستم نکردند؛ بلکه بر خویش ستم روا می داشتند»^۱ مؤلف گوید: مفهوم این حدیث شریف این است که: کسانی که به فاطمه زهرا (علیها السلام) ظلم کردند گویی که به خداوند سبحان ستم روا داشته اند.

﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾

و یاد آورید زمانی را که گفتیم: «به این سرزمین وارد شوید! و از هر کجای آن تمایل داشتید، فراوان بخورید! و سجده کنان از در وارد گردید! و بگویید: «گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشاییم؛ و به نیکوکاران پاداش فزون تری خواهیم داد»^۲.

فقیه شافعی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی در تفسیر خود ذیل آیه: ﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا، وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا، وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ﴾ آورده است: ابن ابی شیبہ از علی نقل می کند که فرمود: «مَثَل ما (اهل بیت) در این امت همچون کشتی نوح و «باب حطّه» (در میان بنی اسرائیل) می باشد»^۳.

۱. ینابیع المودة، ص ۳۵۸؛ و از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۴،

ص ۲۲۲؛ المناقب، ج ۴، ص ۲۸۴.

۲. سوره بقره، آیه ۵۸.

۳. الدر المنثور، ج ۱، ص ۷۲؛ و از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۳۹۰؛ الأمالی، ص ۱۴۵؛

تفسیر فرات کوفی، ص ۱۹۰.

نزدیک به همین مضمون را طبری (شیعی) نیز در «المسترشد» ضمن خطبه‌ای از علی (علیه السلام) نقل کرده است.^۱

و همچنین نعمانی از مخالف و موافق آن را نقل نموده است.^۲
 مؤلف گوید: در این حدیث شریف جمله «مَثَلُ ما» یعنی: اهل بیت (علیهم السلام)، که به اجماع عموم مذاهب مسلمانان، شامل حضرت زهرا (علیها السلام) می‌گردد.

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾؛

و هنگامی که خداوند، ابراهیم را با کلماتی بیازمود و او همه آنها را به انجام رسانید.^۳
 حافظ قندوزی حنفی با اسناد خود از مفضل [بن عمر] روایت می‌کند که گفت: از جعفر صادق رضی الله عنه معنی آیه شریفه ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ...﴾ را پرسیدم که مقصود خدای متعال از این کلمات چیست؟ فرمودند: این کلمات همان کلماتی بودند که آدم از پروردگارش دریافت نمود؛ او عرض کرد: «يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا تُبَيِّنَ عَلَيَّ» «خداوندا! از تو می‌خواهم که به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین توبه مرا بپذیری» پس خداوند او را بیامرزید

← امام سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی می‌گوید: وجه تشبیه امامان (علیهم السلام) به «کشتی نوح» آن است که هر کس در امور دین خود به ایشان پناه برد و اصول و فروع آن را از ایشان بیاموزد از آتش دوزخ نجات خواهد یافت. و هر کس از آن روی گرداند مانند کسی است که در روز طوفان نوح به کوه پناه برد تا از خواسته و فرمان خداوند در امان ماند، با این تفاوت که او در آب غرق شد و این یک نیز به خدا پناه می‌بریم - طعمه دوزخ است. اما وجه تشبیه ائمه به باب «حطه» آن است که خداوند آن در را نمودار و سمبلی از تواضع برای خدا و فروتنی در پیشگاه عظمت الهی قرار داده بود به همین جهت گذر از آن یعنی اظهار فروتنی. (المراجعات، ص ۷۷ و ۷۸).
 ۱. المسترشد، ص ۴۰۷.

۲. الغیبه، ص ۴۴. به نقل از خطبه مشهور امام امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) آمده است: «إِنْ مَثَلْنَا فِيكُمْ كَمَثَلِ الْكَهْفِ لِأَصْحَابِ الْكَهْفِ وَ كَبَابِ حَطَّةٍ وَ هُوَ بَابُ السَّلَامِ فَادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» «مَثَلُ ما در میان شما مَثَلِ غار برای اصحاب کَهِف و بَابِ حَطَّة، یعنی همان درِ صلح، است پس همگی در صلح و آشتی درآیید».
 ۳. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

که او توبه پذیر رحیم است.

به ایشان گفتم: ای پسر رسول خدا معنای «فَاتَمَّهْن» در این آیه چیست؟
فرمود: یعنی آنها را تا مهدی قائم، دوازده امام که نه نفر آنها از فرزندان حسین
هستند تکمیل کرد.^۱

مؤلف گوید: معنی این حدیث شریف - و ده ها روایت امثال آن که در بسیاری از
منابع آمده است - آنست که فاطمه زهرا (علیها السلام) یکی از آن کلماتی است که قرآن کریم در
این آیه مبارکه به آن عنایت داشته است و پیامبر بزرگ خدا ابراهیم خلیل (علیه السلام) را به
وسیله آنها مورد امتحان قرار داده است.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾؛

و این چنین قرار دادیم شما را امتی میانه، تا بر مردمان گواه باشید.^۲

حافظ حسکانی حنفی گوید: محمد بن عبدالله بن احمد صوفی با اسناد خود از
سلیم بن قیس از علی کرم الله وجهه به ما خبر داد که فرمود: خداوند تبارک و تعالی از
آیه ﴿لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ تنها ما را قصد فرمود. پس رسول خدا گواه بر ماست
و ما اهل بیت، شاهد بر مردم و حجت او در زمینش و ما کسانی هستیم که خداوند
- جل اسمه فرمود: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾.^۳

۱. ینابیع المودة، ص ۲۵؛ و از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۷۷؛ إرشاد القلوب، ج ۲،
ص ۴۲۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۸.

۲. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۹۲. و از منابع شیعه نگاه شود به: ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۱۷؛ بحار الأنوار،
ج ۲۳، ص ۳۳۴؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۸۶؛ المناقب، ج ۳، ص ۸۷.

اشاره: تمام امت اسلام ممکن نیست که «امت وسط» و شاهد بر مردم باشند به دلیل مذمتی که در آیات بسیاری
از قرآن مجید در حق اکثر ایشان وارد شده است. گاهی می فرماید: «لا یعقلون» و گاهی: «لا یعلمون»،

مؤلف گوید: اینکه حضرت فرمودند: «تنها ما» یعنی ما اهل بیت آنگونه که نظائر بسیار آن در کتاب‌های مختلف و کتاب‌های حدیث بر آن دلالت دارد و از جمله‌ی اهل بیت (علیهم السلام) سرور ما صدیقه‌ی طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌باشند. مخفی نماند که تقدیم ﴿لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ با اینکه در قرآن متأخر ذکر شده است شاید از طرف برخی راویان یا کاتبان نقل کننده از ایشان باشد. و امکان دارد که حدیث، در اصل همینگونه بوده است اما جهات بلاغی، تشویش یا ترتیب لف و نشر^۱ که مانند آن در احادیث بسیار می‌باشد و هر جوینده‌ای آن را در موسوعه‌های حدیثی می‌یابد موجب این تقدیم و تأخیر شده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید.^۲

اصفهانی (یعنی ابوالفرج اصفهانی) اموی در معنی آیه از طرق متعدد تا علی (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمودند: [معنای سلیم] «ولایت ما اهل بیت» است.^۳ مؤلف گوید: ضمیر «نا» به اهل بیت (علیهم السلام) برمی‌گردد آنها که با دلایل چهارگانه [قرآن، سنت، اجماع و عقل] وجوب ولایتشان ثابت شده است و به واسطه آن ولایت است که اعمال پذیرفته و افعال پاک می‌شود و حضرت زهرا (علیها السلام) از جمله

← گاهی: «لا یشکرون» و زمانی «لا یؤمنون»... حال که اینگونه است چطور می‌توانند متصف به خوبی و عدل و شهادت بر مردم باشند؟! امیرالمؤمنین (علیه السلام) اولین شاهد بر امت پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که آنچه از جمهور مفسران و محدثان روایت شده مؤید آن است. (التحقیق فی الإمامة و شؤونها، ص ۱۱۴-۱۰۹).

۱. لف و نشر آنست که دو کلمه یا بیشتر بیایند و در تفسیر آنها با رعایت ترتیب و یا بدون رعایت آن، کلمه یا جمله‌ای ذکر شود. (ر.ک: نه‌ایة الأرب فی فنون الأدب، ج ۷، ص ۱۲۹).

۲. سوره بقره، آیه ۲۰۸.

۳. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۹۶. و از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۷؛ کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۰۲؛ بناء المقالة الفاطمية، ص ۲۶۲.

اهل بیت علیهم السلام می باشند پس این آیه از مواردی است که در شأن ایشان و سایر اعضا خاندانشان می باشد.

بنابراین: صلح و سلمی که خدای سبحان، مردم را به وارد شدن در آن امر نموده است اعتراف به ولایت علی و زهرا و یازده فرزندشان، ائمه اطهار علیهم السلام می باشد. و شاید تفسیر «سلم» به ایشان به آن جهت است که آن بزرگواران تنها دلیل سلامت و امنیت در دنیا و آخرت هستند.

﴿ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ
دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ
اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا
فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ
مَا يُرِيدُ ۖ ﴾

بعضی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم، با برخی از آنها، خدا سخن می گفت و بعضی را درجاتی برتر داد و به عیسی بن مریم، نشانه هایی آشکار دادیم و او را با «روح القدس» تأیید کردیم و اگر خدا می خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه ی نشانه های روشن که برای آنها آمد، کشتار نمی کردند ولی (امتها بودند که) با هم اختلاف کردند، بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند، و اگر خدا می خواست، با هم پیکار نمی کردند ولی خداوند، آنچه را می خواهد، انجام می دهد.^۱

علامه ی بحرانی از ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه^۲ با اسناد خود از اصبع بن نُبّاته روایت می کند که گفت: مردی نزد علی علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! این گروهی که دعوت و پیامبر و حج ما یکی است و با آنها پیکار می کنیم، چه بنامیم؟

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۳.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۲۵۸.

فرمودند: به همان نامی که خدا در کتابش نامیده.

گفت: با همه قرآن آشنا نیستم.

فرمودند: آیا نشنیده‌ای که خدای متعال می‌فرماید: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ، مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ﴾ تا آنجا که فرمود: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ، مَا أَقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ، وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا، فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ﴾. پس آنگاه که اختلاف در این امت به وجود آمد ما به خدا و کتاب و پیامبر (علیهم السلام) و حق سزاوارتریم. پس ما کسانی هستیم که ایمان داریم و آنها کسانی هستند که کافر شدند و خدا خواست که آنها را بکشد و ما به مشیت الهی و اراده او با آنها می‌جنگیم.^۱

مؤلف گوید: این آیه و حدیث را در این کتاب بیان کردیم؛ چرا که ظاهر قول حضرت (علیها السلام) که: «ما هستیم»؛ از آنجا که اهل بیت و عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌باشند شامل بقیه اهل بیت نیز می‌باشد که در طلیعه‌ی آنها فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌باشند.

پس همان حکم، در مورد غضب و سخط حضرت زهرا (علیها السلام) - به عنوان جنگ سرد - می‌باشد؛ چرا که نبرد از زنان برداشته شده است. و این بر کسی که حق ایشان را غضب نمود و فدک را با نیرنگ از او گرفت و در خانه‌اش را بر حضرتش سوزاند و با ضربه‌ی در، پهلویش را بین در و دیوار شکست و جنینش مُحَسِّن را سقط نمود، جاری می‌باشد.

پس حضرت زهرا (علیها السلام) و او که ولایت او را بپذیرد کسانی هستند که ایمان آورده‌اند. و او که حقش را غضب و محسنش را سقط نمود و پهلویش را شکست و این امر به شهادتش در عنفوان جوانی منجر گردید، کسانی هستند که کافر شدند.

﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؛

۱. غایة المرام، ص ۴۲۹ و ۴۳۰؛ الأمالی (طوسی)، ص ۱۹۷؛ الأمالی (مفید)، ص ۱۰۱؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۰۱.

پس، هر کس به طاغوت کفر ورزد ولی به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است و خداوند، شنوا و داناست.^۱

علامه بحرانی از ابی الحسن فقیه محمد بن علی بن شاذان در «المناقب المائة»^۲ از طریق عامه با حذف اسناد از ابن عباس روایت کند که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند: «ای گروه مردم! بدانید که خدای متعال دری دارد که هر که به آن داخل شود از آتش و فزع بزرگ ایمن گردد». پس ابوسعید خدری به سمت حضرت رفت و گفت: یا رسول الله! ما را بدان در راهنمایی فرما تا آن را بشناسیم.

فرمود: او علی بن ابی طالب، سید اوصیاء، و امیر مؤمنان، و برادر رسول پروردگار جهانیان، و خلیفه خدا بر تمام مردم است.

ای گروه مردم! هر کس دوست دارد به دستاویز محکمی که هرگز گسستنی نیست، بیاویزد به ولایت علی بن ابی طالب چنگ بزند؛ پس ولایت او ولایت من و اطاعت او اطاعت من است.

ای مردم! هر کس دوست دارد که حجت بعد از من را بشناسد، پس علی بن ابی طالب را بشناسد.

ای مردم! هر که شادمان است که به من اقتدا کند، پس باید ولایت علی بن ابی طالب و ائمه از ذریه من را پذیرا باشد که ایشان خزانه دار علم من هستند.^۳

مؤلف گوید: از آنجا که فاطمه زهرا علیها السلام محبوبترین اهل بیت و ذریه در نزد پیامبر ﷺ می باشند و هم او امام ائمه علیهم السلام است بنابراین ولایت ایشان ولایت ائمه و ولایت رسول اکرم و تمسک به دستگیره استوار می باشد، از این رو این آیه از جمله آیاتی است که به فضیلت حضرتش اشاره داشته و در حق ایشان علیهم السلام نازل شده است.

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۲. مئة منقبة، ص ۷۱.

۳. غایة المرام، ص ۲۴۴؛ الیقین، ص ۲۴۴؛ التحصین، ص ۵۷۰.

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛

به هر کس بخواهد حکمت می دهد، و به هر کس حکمت داده شود، خیری فراوان داده شده است.^۱

حافظ سلیمان قندوزی حنفی گفته است: در مسند احمد (پیشوای حنابله) به سند خود از حمید بن عبدالله آمده است که گفت: در حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) از یکی از قضاوت های علی بن ابی طالب صحبت به میان آمد. حضرت با شگفتی فرمودند: «الحمد لله الذي جعل الحكمة فينا أهل البيت» «ستایش مخصوص خدایی است که حکمت را در میان ما اهل بیت قرار داد».^۲

مؤلف گوید: از آنجا که در حدیث شریف، عبارت «اهل بیت» به صورت مطلق آمده است، شامل فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز می شود و اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را بر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تطبیق نموده اند، منافاتی با آن ندارد؛ زیرا قابل انطباق بر تک تک اهل بیت می باشد.

﴿أَمَّا الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾؛

پیامبر، به آن چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. و مؤمنان، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده اند. ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا! آمرزش تو را (خواستاریم) و فرجام به سوی تو است».^۳

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۲. ینابیع المودة، ص ۷۵. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۷۵؛ المناقب، ج ۲، ص ۳۵۵.

۳. سوره بقره، آیه ۲۸۵.

دانشمند شافعی محمد بن ابراهیم حموی با اسانید متعدد خود از ابی سلمی (چوپان شتر پیامبر خدا ﷺ) روایت کرده که گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمودند: شب معراج مرا به آسمان بردند خداوند جلیل جلّ جلاله به من فرمود: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ «پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است».

من گفتم: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ «و مؤمنان».

خداوند فرمود: ای محمد! راست گفتی چه کسی را در امتت جانشین قرار دادی؟ گفتم: برترین آنها را.

فرمود: علی بن ابی طالب را؟

گفتم: آری ای پروردگار.

فرمود: ای محمد من بر زمین نظر نمودم و تو را برگزیدم و برای تو اسمی از اسامی خود مشتق کردم. پس جایی یاد نمی شوم مگر اینکه تو نیز با من یاد می شوی. پس من «محمود» هستم و تو «محمد».

سپس بار دیگر [بر زمین] نگاه کردم و از آن میان علی را برگزیدم و برای او اسمی از اسامی خود مشتق کردم. من «أَعْلَى» هستم و او «علی».

ای محمد! من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از فرزندان او را از شَبَّح نور خود خلق نمودم و ولایت شما را بر اهل آسمانها و اهل زمین عرضه داشتم پس آنکه آن (ولایت) را بپذیرد در نزد من از مؤمنان است و هر کسی انکار کند در نزد من از کافران است.

ای محمد! هرگاه بنده ای از بندگانم آنقدر مرا بندگی کند که اعضایش از هم بگسلد و یا مانند مشکی خشکیده و کهنه گردد، سپس به نزد من آید در حالی که ولایت شما را انکار کند او را نمی آمرزم تا اینکه به ولایت شما اقرار نماید.

ای محمد! آیا دوست دارای ایشان را ببینی؟

عرض کردم: آری.

آن گاه به من فرمود: به سمت راست عرش نظر کن!

پس نظر کردم ناگهان «علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی» را در محلی نورانی در حال نماز دیدم و او - یعنی مهدی - در وسط ایشان مانند ستاره‌ای درخشان بود.

فرمود: ای محمد! ایشان حجت‌های (من) هستند و او (مهدی) خونخواه عترت توست. به عزت و جلالم سوگند او حجت واجب بر اولیاء من و انتقام گیرنده از دشمنانم است.^۱

و همین روایت را بسیاری از بزرگان با اختلاف اندک در بعضی الفاظ آن، روایت کرده‌اند؛ از جمله است پیشوا و برجسته‌ترین خطباء خوارزم، موفق بن احمد حنفی در کتاب المقتل.^۲

و حافظ حنفی سلیمان قندوزی در ینابیع المودة^۳ و غیر این دو.^۴

مؤلف گوید: حدیث شریف صراحت دارد در اینکه: علی و فاطمه و ائمه از فرزندان ایشان علیهم السلام در صدر فهرستی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده می‌باشند و حضرتش بدانچه از سوی پروردگارش نازل شده ایمان آورده است. بنابراین آیه کریمه شامل ربیبه‌ی وحی و رسالت، فاطمه زهرا علیها السلام نیز می‌باشد.

۱. فرائد السمطين، ج ۲، انتهای مجلد.

۲. مقتل الحسين علیه السلام خوارزمی، ج ۱، ص ۹۵.

۳. ینابیع المودة، چاپ یک جلدی، ص ۴۸۶.

۴. از میان منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۱۶؛ مئة منقبة، ص ۳۷.

سورهی آل عمران

شامل هشت آیه:

۱. ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾.
۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا﴾.
۳. ﴿ذُرِّيَّةَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.
۴. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.
۵. ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ﴾.
۶. ﴿وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾.
۷. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾.
۸. ﴿لَتَبْلُؤَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ﴾.

﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾؛

در حالی که تأویل (قرآن) را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. آنان می گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود».^۱

حافظ سلیمان قندوزی حنفی از علی بن ابی طالب روایت می کند که در خطبه ای فرمودند: «کجایند کسانی که - به دروغ و از روی ستم - گمان کردند آنان که قدم در دانش استوار کردند، غیر از ما هستند؛ چرا که خداوند ما را سربلند کرده و ایشان را پائین آورده و به ما عطا و آنها را محروم فرموده و ما را داخل و ایشان را خارج نموده. بوسیله ما هدایت پرتو افکنده و نابینائی رخت بر بسته است».^۲

باز همو از [امام] جعفر صادق رضی الله عنه روایت کرده که: حضرتش این آیه را قرائت فرمود: ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ پس فرمود: و راسخان در علم ما هستیم.^۳

۱. سوره آل عمران، آیه ۷.

۲. ینابیع المودة، ص ۷۵؛ و از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۰۵؛ نهج البلاغه، ص ۲۰۱.

۳. ینابیع المودة، ص ۱۳۹. و از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۲۱۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۴،

ص ۱۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۹۹.

مؤلف گوید: کسی که در موسوعه‌های احادیث شریف جستجو کند به طور واضح خواهد دانست که مراد از این ضمیرهای منفصل یعنی «نحن و انا» تمامی اهل بیت (علیهم السلام) هستند نه خصوص امامان دوازده گانه؛ پس دلالت آیه کریمه در شأن فاطمه زهرا (علیها السلام) در ضمن اهل بیت (علیهم السلام) تام می‌باشد.

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾؛

به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است.^۱

از ثعلبی، ابی‌اسحاق أحمد بن محمد بن ابراهیم نیشابوری در تفسیرش با اسناد خود از ابی‌وائل - در تفسیر این آیه - روایت شده است که گفت: در مصحف عبدالله بن مسعود (از قاریان معروف عصر پیامبر) این گونه خواندم: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾.^۲

مؤلف گوید: اینکه در مصحف عبدالله بن مسعود عبارت «آل محمد» آمده است، بدین معنی نیست که آن جزء قرآن بوده و حذف گردیده است؛ نه هرگز دست تحریف و تغییر و زیادت و نقصان به قرآن نرسیده است. لکن هر گاه وحی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل می‌گردید آن را برای اصحاب می‌خواندند و سپس تنزیل و تفسیر و تأویل آن را برایشان بیان می‌داشتند و اصحاب پیامبر اکرم نیز قرآن و تنزیل و تفسیر و تأویل آن را ثبت می‌کردند؛ لذا عبارت «آل محمد» [در مصحف عبدالله بن مسعود] جزء تنزیل یا تفسیر یا تأویل می‌باشد و نه از اصل قرآن. و شواهد بر این مطلب نیز بسیار است. و «آل محمد»، بدون اشکال شامل شفیعه‌ی امت، فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌گردد. بنابراین

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۳.

۲. العمده، ص ۵۵، ح ۵۵؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۱۶۵. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۱.

آیه شریفه از جمله آیاتی است که در قرآن کریم در شأن ایشان نازل گردیده است.

﴿ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾؛

فرزندانی که بعضی از آنان از بعضی دیگرند، و خداوند شنوا و داناست.^۱

ابو عبدالله محمد بن حسن بن محمد بن علی بن ابراهیم کاتب از ابی القاسم یحیی بن سعد بن یحیی بن بوش از ابی سهل محمد بن ابراهیم محمد بن سعدویه از ابی عبدالرحمن بن احمد بن حسن بن بندار از ابی القاسم جعفر بن عبدالله بن یعقوب بن فناکی از ابوبکر محمد بن هارون رویانی از یحیی بن محمد بصری از عبدالرحمن بن حماد بن شعیب بصری از ابو عبدالرحمن مدنی از محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب از پدرش زین العابدین روایت کند که در حدیثی فرمودند: پیامبر ﷺ به دخترشان فاطمه زهرا علیها السلام خادمه‌ای اهداء و سفارش آن جلیله را به آن خادمه کردند؛ تا آنجا که حضرت سجاد علیه السلام فرمودند: آن گاه فاطمه عرضه داشت: ای رسول خدا! یک روز من کارهای منزل را انجام می‌دهم و یک روز هم او.

پس چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله لبریز از اشک گردید و فرمود: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾^۲ «خداوند بهتر می‌داند که رسالتش را کجا قرار دهد» ﴿ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.^۳

مؤلف گوید: این روایت را از کتابی حاوی سه رساله، که نخستین آنها عبارت است از: «تزویج فاطمه بنت الرسول، - للإمام الباقر علیه السلام -» نقل کردم. و اصل آن، نسخه‌ای خطی در کتابخانه ظاهریه دمشق به شماره (۱۲۹ تصوف) است که ضمیمه‌ی شانزده

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۴.

۲. سوره انعام، آیه ۱۲۴.

۳. کتاب تزویج فاطمه بنت الرسول، ص ۵۸. (کتاب تزویج فاطمه بنت الرسول علیها السلام منسوب للإمام الباقر محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام. بعناية: صلاح الدين المنجد. بيروت، دار الكتاب الجديد).

رساله خطی است که تاریخ نسخ آنها نامعلوم است لکن - همانطور که از چاپ موجود آن به دست می آید - خط آن دلالت دارد بر اینکه در قرن شش هجری نگاشته شده است. و ما در نقل این روایت برخلاف منهج این کتاب سند آن را به جهت نادر بودن کتاب ذکر کردیم.^۱

﴿إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾؛

خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می دهد.^۲

علامه سیوطی از ابی یعلی از جابر - در تفسیر این آیه - روایت کند: چند روز بود که پیامبر (ص) غذایی نخورده بودند، تا اینکه این مسأله برای ایشان پر مشقت گردید. پس به منزل همسرانش سر زد و در نزد هیچکدام از آنها نیز چیزی نیافتند. سرانجام به سراغ فاطمه (علیها السلام) آمدند و فرمودند: دخترم! آیا چیزی داری تا تناول کنم زیرا گرسنه ام. فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: نه، به خدا سوگند!

وقتی رسول خدا (ص) از نزد فاطمه (علیها السلام) خارج شدند، زنی از همسایگان فاطمه (علیها السلام) دو قرص نان و قطعه ای گوشت، برای (فاطمه) هدیه آورد. حضرت آن را گرفتند و در کاسه سفالینشان نهادند و فرمودند: به خدا سوگند! پیامبر خدا (ص) را بر خودم و فرزندانم، ترجیح خواهم داد و این در حالی بود که همگی به یک خوراک غذا محتاج بودند. پس حسن یا حسین (علیهم السلام) را سراغ پیامبر (ص) فرستاد و از او دعوت کرد. پیامبر به خانه فاطمه بازگشتند، فاطمه به ایشان عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت خداوند متعال به ما چیزی داده است که من آن را برای شما نگاه داشته ام.

۱. در بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۹، ضمن روایتی به این مطلب اشاره مستقیم شده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ إِلَىٰ قَوْلِهِ ذُرِّيَّةَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَفَاطِمَةُ وَذُرِّيَّتُهَا مِنْ جُمْلَتِهِمْ». (به یقین، خداوند، آدم را بر جهانیان برتری داده است تا آنجا که: فرزندی که بعضی از آنان از بعضی دیگرند و فاطمه و ذریه اش از جمله ایشانند).

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۷.

پیامبر فرمودند: دخترم! آن کاسه سفالین را بیاور.

فاطمه سر ظرف را برداشت و آن را پر از نان و گوشت یافت و تا به آن نگاه کرد در تعجب فرو رفت و فهمید که این نعمت، برکتی از طرف خداوند است پس حمد و ثنای خدای متعال را بجا آورد و غذا را نزد پیامبر ﷺ گذارد. رسول خدا فرمودند: دخترم! این را از کجا آورده‌ای؟

فاطمه عرض کرد: پدر جان، از سوی پروردگار است و «خداوند به هر کس که بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد».

آنگاه پیامبر شکر خداوند متعال را بجای آوردند و این جمله را فرمودند: ستایش مخصوص خدایی است که تو را شبیه سرور بانوان بنی اسرائیل (مریم) قرار داد چرا که هرگاه خدای متعال روزی نصیب وی می‌کرد و از آن از او می‌پرسیدند: می‌گفت: از طرف پروردگار است که خدا به هر کسی که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.^۱

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا
وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ
اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾؛

هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، کسانی با تو محاجه کنند، بگو: بیایید فراخوانیم پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما نفوسمان و شما هم نفس‌های خود را؛ سپس می‌باهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغ زنان قرار دهیم.^۲

علامه‌ی بحرانی از صحیح مسلم از جزء چهارم از سومین جزوه از اول آن در باب

۱. الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۰؛ از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۸؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۲۸، غایة المرام، ج ۳۰۳، ص ۳۰۱، ح ۱۱، ۱۳ و ۱۷.
۲. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

فضائل علی بن ابی طالب با اسناد خود از عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش روایت کند که گفت: معاویه بن ابی سفیان به سعد امر کرد و گفت: چه چیز تو را مانع می شود که ابوتراب^۱ را سب کنی؟

سعد گفت: سه فضیلت بزرگ را به یاد دارم که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) درباره او گفته است که با وجود آنها، نمی توانم او را دشنام دهم، و اگر یکی از آنها برای من بود محبوب تر از گله ای چارپا بودند، شنیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زمانی که او را در یکی از غزواتشان جانشین خود کرده بود و علی به پیامبر عرض کرده بود: آیا مرا با زنان و کودکان رها می کنی؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمودند: «آیا راضی نیستی که نسبت به من، به منزلت مقام هارون نسبت به موسی باشی؟ جز اینکه نبوت با من پایان می پذیرد!؟».

و نیز شنیدم که در روز جنگ خیبر می فرمود: «پرچم را به مردی خواهم سپرد، که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند» ما گردن می کشیدیم که ببینیم آن شخص کیست. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: علی را برای من فراخوانید، علی آمد در حالی که مبتلا به چشم درد بود و پیامبر از آب دهان خود به چشم او زد و پرچم را به او سپرد و خداوند به وسیله او [قلعه خیبر را] فتح کرد.

و نیز هنگامی که این آیه نازل شد: ﴿قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ﴾ پیامبر، علی و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و چون جمع شدند، عرض کرد: خدایا اینان اهل بیت من هستند.^۲

در تفسیر جلالین در تفسیر این آیه آمده است که گفت: و فراخواند (یعنی رسول خدا) گروه نجران را برای مباحله آنگاه که در آن با او محاجه کردند پس گفتند: نظری در کار خود بیفکنیم سپس می آییم.

سپس صاحب رای [بزرگ] آنها گفت: شما از نبوت او آگاه شدید. هیچ پیامبری با

۱. ابوتراب (پدر خاک) یکی از القاب امام علی (علیه السلام) می باشد که برگرفته از روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد

(ر.ک: الغدير، ج ۶، ص ۳۳۴).

۲. غایة المرام، ص ۳۰۰.

گروهی مباحله نمی کند مگر اینکه آن قوم هلاک شدند. پس با او وداع نمودند و رفتند. سپس به نزد او آمدند و پیامبر ﷺ خارج شده بودند و همراه او حسن و حسین و فاطمه و علی بودند و به ایشان فرمودند: هرگاه دعا نمودم آمین بگویید. مسیحیان - چون چنین دیدند - راضی به مباحله نشدند و با پرداخت جزیه سالانه راضی به مصالحه شدند.

مؤلف گوید این روایت را ابن نعیم روایت کرده است.^۱ و آن را گروه بسیاری - با مضامین مختلف در الفاظ و اسناد و راویان و تفصیل و اجمال، لکن متفق در معنی و قصه - روایت کرده اند که ما به آنها و کتاب هایی که در آنها آمده است به اختصار اشاره می کنیم. تا گشایشی باشد برای آنکه می طلبد، و سهولتی باشد برای او که می خواهد. از آن جمله اند:

- ۱- مسلم در صحیحش^۲
- ۲- بیضاوی در تفسیر خود^۳
- ۳- فخر رازی در تفسیرش^۴
- ۴- آلوسی در تفسیرش^۵
- ۵- ترمذی در صحیح خود^۶
- ۶- بیهقی در سنن خود^۷
- ۷- پیشوای حنابله، احمد بن حنبل در مُسندش^۸

۱. تفسیر الجلالین ذیل تفسیر سوره آل عمران، ص ۶۰.

۲. صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه.

۳. تفسیر بیضاوی، ص ۷۶.

۴. تفسیر فخر رازی، ج ۲، ص ۶۹۹.

۵. روح البیان، ج ۱، ص ۴۵.

۶. صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۷. سنن البیهقی، ج ۷، ص ۶۳.

۸. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۵.

۸- بغوی در مصابیح^۱

۹- علامه ذهبی در سیر^۲

۱۰- زمخشری در کشاف^۳

و بسیاری افراد دیگر.^۴

مؤلف گوید: منظور از کلمه ﴿وَنِسَاءَنَا﴾ «زنان ما» در این آیه مبارکه، تنها و تنها سرور زنان عالم، فاطمه زهرا (علیها السلام) می باشد، پس این آیه شریفه از جمله آیاتی است که در شأن و فضیلت حضرتش نازل شده است.

﴿وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛

و هر کس به خدا تمسک جوید، به طور حتم به راه راست هدایت شده است.^۵

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابوجعفر با اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری به ما خبر داد که گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند علی و همسر و پسرانش را حجت های خود بر خلقش قرار داد. و ایشان درهای علم در امت من هستند. و هر کس به وسیله آنها هدایت شود، «به راه راست هدایت شده است».^۶

همچنین حافظ سلیمان قندوزی حنفی این معنا را با عبارتی دیگر در کتاب

۱. مصابیح السنه، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۳.

۳. الکشاف، ج ۱، ص ۴۹.

۴. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۸، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۵۰؛ الاختصاص، ص ۵۶؛

الإرشاد، ج ۱، ص ۱۶۷؛ إقبال الأعمال، ص ۴۶۶؛ الأمالی (صدوق)، ص ۵۲۵؛ الأمالی (طوسی)، ص ۵۶۳؛

بشارة المصطفى، ص ۲۲۹.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۸. از منابع شیعه نگاه شود به: الأمالی (صدوق)، ص ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۷،

ص ۱۹۸؛ معانی الأخبار، ص ۳۵.

«ینابیع المودة» آورده است، با این تفاوت که: «کسی که به آنها اقتدا کند»، که البته معنای هر دو یکی است.^۱

مؤلف گوید: ظاهر این حدیث این است که اقتدا به اهل بیت و هدایت یافتن به وسیله آنها از شرایط تمسک جستن به خداوند است کما اینکه از شرایط آن - قبل از این شرط - اعتراف به نبوت می باشد و از آنجا که سرور ما فاطمه زهرا علیها السلام از جمله اهل بیت می باشند؛ بنابراین این آیه مبارکه از آیاتی می باشد که در حق ایشان نازل شده است.

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾؛

و همگی به ریسمان خدا، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!^۲

علامه شافعیان، ابوبکر حضرمی در کتابش به نام «رشفه الصادی» با اسناد خود... از جعفر بن محمد رضی الله عنهما روایت کند که فرمودند: ما آن ریسمان محکمی هستیم که بندگان مأمور به اعتصام آن شده اند.

سپس فرمود: خداوند فرموده است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾.^۳ و آن را بسیاری از بزرگان همچون شبلینجی شافعی^۴ و صبان حنفی^۵ و دیگران

۱. ینابیع المودة، ص ۶۳: «أخرج الحموي في فرائد السمطين: بسنده عن أبي بصير عن خيثمة الجعفی قال: سمعت أبا جعفر محمد الباقر رضی الله عنه يقول: نحن جنب الله وصفوته، و [نحن] خيرته، ... و [نحن] السراج لمن استضاء بنا، ونحن السبيل لمن اقتدى بنا».

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳. رشفة الصادی، ص ۷۰؛ الكشف والبيان عن تفسير القرآن، ج ۳، ص ۱۶۳؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۱۶۹. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسير فرات الكوفي، ص ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۸۳؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۸۶؛ العمدة، ص ۲۸۸.

۴. نور الابصار، ص ۱۱۲. مؤمن بن حسن مؤمن شبلینجی (۱۲۵۲ - بعد از ۱۳۰۸ ه. ق.): اهل شبلینج (از روستاهای مصر) در الازهر علم آموخت و در همانجا مسکن گزید و گوشه نشینی را برگزید. از آثار اوست: «نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار»، «فتح المنان فی تفسیر غریب القرآن و مختصر الجبرتی».

۵. اسعاف الراغبین، ص ۱۰۹. أبو العرفان محمد بن علی صبان (۱۲۰۶ - ۱۲۰۰ ه. ق.): در قاهره مصر به دنیا ←

نیز روایت کرده‌اند.

علامه شیخ عباس قمی از دانشمند معتزلی، جاداش خوارزمی روایت می‌کند که او با اسناد خود از رسول خدا ﷺ روایت کرد که فرمودند: «فاطمه مهجه قلب^۱ من و پسرانش میوه دلم و شوهرش نور چشمان من است. و امامان از فرزندان او امینان خدای من و ریسمان کشیده میان او و خلقتش هستند؛ هر که به آنها چنگ زند رهایی یابد و هر که ایشان را فرو نهد، فرو افتد»^۲.

مؤلف گوید: از آنجا که کلمه «ما» در حدیث شریف اول به اهل بیت برمی‌گردد. و همچنین تصریح پیامبر ﷺ در حدیث دوم به نام «فاطمه» بنابراین، آیه کریمه از جمله آیاتی می‌باشد که در فضیلت حضرتش - که درود خداوند بر او باد - نازل شده است.

﴿لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا﴾؛

قطعاً در مالها و جانهایتان آزموده خواهید شد! و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب داده شده، و از مشرکان، آزار بسیاری خواهید شنید.^۳

حافظ حاکم حسکانی حنفی از ابو محمد حسن بن علی جوهری با اسناد خود از ابن عباس پیرامون آیه: ﴿وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ﴾ روایت می‌کند که گفت: «در خصوص رسول خدا و اهل بیت ایشان نازل شده است»^۴.

← آمد و همانجا نیز از دنیا رفت. از آثار اوست: «إتحاف أهل الإسلام بما يتعلق بالمصطفى وأهل بيته الكرام» و «إسعاف الراغبين» پیرامون سیره نبوی و آثار دیگری در ادبیات عرب.

۱. مهجه: خون قلب و روح است لذا وقتی می‌گویند: مهجه‌اش خارج شد. یعنی روحش خارج شد. و گفته شده است که «مهجه» تنها همان خون قلب است. (مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۳۱).

۲. سفینة البحار، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۸۶.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۴. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات الکوفی، ص ۹۹: «و قوله ←

مؤلف گوید: منظور از آیه کریمه، رسول خدا و اهل بیت ایشان علیهم السلام است نسبت به ناسزا و تهمت و گستاخی هایی که از نصاری و یهود و مشرکان دیدند.

و از آن روی که فاطمه زهرا علیها السلام از جمله اهل بیت می باشند، از کسانی هستند که این آیه شریفه در حق و فضل ایشان نازل شده است.

و شاید این تفسیر از باب مصداق اتم و فردا کمل باشد به دلیل روایات متواتری که بیان می کنند که عموم آیات قرآن برای هر زمانی و مکانی مانند خورشید است یا شاید نازل شدن آن درباره پیامبر و اهل بیتشان علیهم السلام بوده و عمومیت آن نسبت به بقیه مصادیق منطبق در هر زمان و مکانی باشد.

« وَكُنْتُمْ مِّنَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا » [قال:] نزلت فی رسول الله صلی الله علیه و آله خاصة و فی اهل بیه [خاصة] .

سورہی نساء

شامل پنج آیہ :

۱. ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾ .

۲. ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ .

۳. ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ .

۴. ﴿وَلَهْدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ .

۵. ﴿ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا﴾ .

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ أَنْ اللَّهُ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾؛

و از خدایی پروا دارید که هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید و (نیز از) خویشاوندان! زیرا که خداوند همواره بر شما نگهبان است.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابو محمد حسن بن علی جوهری با اسناد خود از ابن عباس پیرامون آیه ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾ به ما خبر داد که گفت: درباره پیامبر ﷺ و خویشاوندانش نازل شده است؛ چرا که در قیامت هر سبب و نسبی قطع می‌شود مگر آنچه مربوط به سبب و نسب آن حضرت باشد.

﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ «رقیب»، یعنی نگهدارنده.^۲

مؤلف گوید: از آنجا که سرور ما فاطمه علیها السلام جزء اهل بیت می‌باشند آیه شریفه شامل ایشان نیز می‌شود.

۱. سوره نساء، آیه ۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۵؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵، ص ۱۵؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۷۷. از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۸؛ سعد السعود، ص ۲۵۶؛ عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۳۰۲.

﴿ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴾ ؛

و خودکشی نکنید! زیرا خدا همواره با شما مهربان است.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: از قاضی ابوالحسن محمد بن عثمان نصیبی با اسناد خود از ابن عباس به ما خبر داده‌اند که درباره این آیه: ﴿ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ﴾ گفت: مراد از این آیه این است: اهل بیت پیامبرتان را نکشید؛ و اهل بیت (علیهم السلام) طبق آیه: ﴿ ... تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ﴾ مشخص شده‌اند که منظور از ﴿ أَبْنَاءَنَا ﴾ حسن و حسین و ﴿ نِسَاءَنَا ﴾ فاطمه و ﴿ أَنْفُسَنَا ﴾ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی می‌باشند.^۲

مؤلف گوید: فاطمه زهرا (علیها السلام) از اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشند لذا این آیه کریمه از آیاتی است که در شأن و فضیلت آن حضرت نازل شده است. و این در حالی است که امت با این نهی الهی مخالفت کردند و فاطمه زهرا (علیها السلام) را به شهادت رساندند. امام صادق (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: این معنی و مانند این، از تأویلاتی است که ابن عباس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخته است.

«و علّت وفات ایشان آن بود که قُنفذ، غلام آن مرد^۳ به امر او با سر غلاف شمشیر به سینه‌اش ضربه زد لذا مُحْسِن او سقط شد و از آن مرضی سخت پیدا نمود...»^۴.

﴿ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴾ ؛

۱. سوره نساء، آیه ۲۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۲.

۳. و در برخی مصادر به اسم او تصریح شده است، مانند العوالم، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

۴. دلائل الامامه طبری، ص ۱۳۴.

اشاره: نعل السیف (سر غلاف شمشیر): چیزی است از آهن یا نقره که در انتهای نیام شمشیر قرار گرفته است. لکز: ضربه خاصی است که یا با دست گره کرده و یا به وسیله چیزی دیگر به سینه وارد می‌شود (العین، ج ۵، ص ۳۲۱).

یا اینکه نسبت به مردم، بر آنچه خدا از فضل خویش برایشان عطا فرموده، رشک می‌ورزند؟! ما به آل ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم.^۱

دانشمند حنفی محمد صبان مصری در کتاب «اسعاف الراغبین» گوید: برخی از باقر رضی الله عنه درباره این آیه روایت می‌کنند که فرمودند: منظور از «ناس» (مردم) در آیه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» اهل بیت می‌باشند.^۲ و مانند آن را علامه شافعیان سید شبلینجی در «نور الابصار» روایت کرده است.^۳ مؤلف گوید: از آنجا که فاطمه زهرا علیها السلام بانوی اهل بیت می‌باشند، این آیه شریفه از آیاتی است که در فضل ایشان نازل شده است.

﴿وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾؛

و قطعاً آنها را به راه راست، هدایت می‌کردیم.^۴

علامه بحرانی از عالم شافعی محمد بن ابراهیم حموی با اسناد خود از خیمه جعفری از ابی جعفر باقر علیه السلام روایت می‌کند که ایشان در حدیثی فرمودند: «ما رایت برافراشته برای آفریدگانیم، هر کس به دامان ما چنگ زند بیپوندد و هر کس از ما دوری کند غرق شود، و ما جلوداران سفید چهرگان و برگزیدگان خدا، و راه روشن

۱. سوره نساء، آیه ۵۴.

۲. اسعاف الراغبین، ص ۱۰۹؛ در برخی منابع اهل سنت از ابن عباس روایت شده است که مراد از ناس، ما می‌باشیم (تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۲، ص ۲۹۶؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۱۷۳). و در برخی منابع دیگر آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله تفسیر نموده‌اند (التحریر و التنویر، ج ۳، ص ۲۸۵).

۳. نور الابصار، ص ۱۱۲. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۲۰۵؛ بصائر الدرجات، ص ۳۵: «از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: ای اباصباح! ما خاندانی هستیم که مورد حسادت واقع شدیم (و با دست به سینه شریف اشاره فرمودند).

۴. سوره نساء، آیه ۶۸.

و مستقیم به سوی خدای با عزت و جلال می‌باشیم».^۱
 مؤلف گوید: از آنجا که مراد از ضمائر منفصل «ما، و ما» اهل بیت می‌باشند - و این معنی برای هر کس که با احادیث شریف سر و کار داشته باشد آشکار و روشن است - و فاطمه زهرا (علیها السلام) از اهل بیت هستند، این آیه شریفه نیز از آیاتی است که در شأن و فضیلت آن بانو نازل شده است.

﴿ ذَلِكُ الْفَضْلِ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيماً ﴾

این موهبتی از جانب خداست. و کافی است که او، آگاه است.^۲

حافظ عبیدالله حسکانی حنفی گوید: عقیل بن حسین با اسناد خود از عبدالله بن عباس درباره این آیه شریفه: ﴿ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ ... ذَلِكُ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيماً ﴾ گفت: منزلت علی و فاطمه و حسن و حسین و منزلت و مقام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بهشت، همسان است.^۳

مؤلف گوید: این حدیث شریف دلالت دارد بر اینکه تفسیر ﴿ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ ﴾ در این آیه کریمه، منزلت پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) است که مقامی واحد است.

۱. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۵۳، ب ۴۱، ح ۵۲۳. از منابع شیعه نگاه شود به: إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۱۸؛ بصائر الدرجات، ص ۶۲؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۵.
 ۲. سوره نساء، آیه ۷۰.
 ۳. شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۱۹۶ و ۳۹۸. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۴۸؛ المناقب، ج ۳، ص ۲۳۴.

سورہی مائدہ

شامل یک آیه:

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ﴾.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ ﴾ ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر الهی را حلال ندانید.^۱

حافظ قندوزی حنفی با اسناد خود از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه روایت کند که در خطبه‌ای فرمودند: «ما شعائر و اصحاب و گنجوران و درها هستیم».^۲
مؤلف گوید: منظور از کلمه «ما»، اهل بیت علیهم السلام هستند؛ همان کسانی که خداوند پلیدی را از آنان دور نمود و پاکشان کرد، و آن بزرگوار آقا و ابتدا و رهبرشان می‌باشد؛ همانطور که فاطمه زهرا علیها السلام به نص احادیث بسیاری - که برخی از آنها گذشت و بعضی دیگر خواهد آمد - بانو و محورشان است؛ بنابراین این آیه نیز به حق آن بانو تاویل می‌شود.

و منافاتی ندارد که مراد از «شعائر» در آیه کریمه هم اهل بیت باشند و هم از جهت سیاق، بیان احکام حج؛ چرا که مورد اول تأویل و دومی تفسیر می‌باشد و همچنین اولی به مثابه باطن و دومی ظاهر می‌باشد.

و احادیث متواتری در عموم کتاب‌های حدیث و تفسیر مذاهب مسلمانان روایت

۱. سوره مائده، آیه ۲.

۲. ینابیع المودة، ص ۲۱۳. از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۶،

ص ۲۶۶؛ نهج البلاغة، ص ۲۱۵.

شده است بر این معنا که قرآن دارای ظاهر و باطن است و برای بطن آن بطنی و برای بطن بطن آن نیز بطنی است تا هفت بطن و تا هفتاد بطن، اشاره دارند. و به این مطلب امام فخر رازی خاطر نشان کرده است، در آنجا که می‌گوید: «چه بسا که اعجاز منحصر در این معنا [مضمون روایات دال بر دارا بودن بطون متعدد برای قرآن] باشد که ابداء در کلام بشر یافت نمی‌شود».^۱

۱. التفسیر الکبیر فخر رازی که اشارات بسیاری به معنی شده است.

سورہی انعام

شامل پنج آیہ :

۱. ﴿ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ ﴾ .
 ۲. ﴿ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾ .
 ۳. ﴿ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ﴾ .
 ۴. ﴿ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ﴾ .
 ۵. ﴿ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ﴾ .
-



﴿ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا
وَنَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾؛

وای کاش هنگامی که در برابر آتش ایستاده‌اند، می‌دیدید که می‌گویند:
«کاش بازگردانده می‌شدیم و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی‌کردیم و از
مؤمنان می‌بودیم».^۱

شیرازی در کتابش از ابی معاویه ضریر، از اعشی، از مسلم بطنین، از سعید بن
جبیر، از ابن عباس روایت می‌کند که گفت: «آنگاه که قیامت برپا شود خدای متعال
«مالک» را امر کند که آتش‌های هفتگانه را بر افروزد و به «رضوان» امر کند که
بهشت‌های هشتگانه را بیاراید و می‌گوید ای میکائیل! صراط را بر روی جهنم برکش
و به جبرئیل می‌گوید: میزان عدالت را زیر عرش نصب کن، و ندا می‌دهد ای محمد!
امت را برای حساب جلو بیاور. سپس خدای متعال امر می‌کند که بر صراط هفت پل
قرار داده شود که طول هر پلی هفده هزار فرسخ می‌باشد و بر هر پلی هفتاد هزار ملک
ایستاده؛ پس، از زنان و مردان امت در پل اول از ولایت امیرالمؤمنین و دوستی
اهل بیت محمد ﷺ می‌پرسند، آنکه جواب گوید از پل اول مانند برق جهنده
می‌گذرد و کسی که اهل بیت پیامبرش را دوست نداشته با سر به قعر جهنم سقوط

۱. سوره انعام، آیه ۲۷.



می‌کند و لو اینکه عمل خیر هفتاد صدیق را انجام داده باشد.^۱
 مؤلف گوید: از آن روی که فاطمه زهرا (علیها السلام) بانوی اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله) است پس کسی از بندگان نیست مگر اینکه درباره محبت و دوستی او سؤال می‌شود؛ بنابراین، این آیه در فضل ایشان و بقیه اهل بیتشان (علیهم السلام) می‌باشد.

﴿وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛

و آنها را به راه راست هدایت نمودیم.^۲

حافظ حاکم حسکانی حنفی گوید: علی بن موسی بن اسحاق با اسناد خود از سعد، از اباجعفر برای من حدیث نمود که فرمود: «آل محمد، همان راهی هستند که خداوند بر آن راهنمایی نموده».^۳

مؤلف گوید: از آنجا که سرور زنان، فاطمه زهرا (علیها السلام) از آل محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد، این آیه کریمه در فضل و منقبت ایشان می‌باشد. و این با اینکه صدر آیه شریفه درباره انبیاء و رسولان است به دو جهت منافات ندارد:

اول: اگر راهی که خداوند به آن راهنمایی نموده - به دلالت «ال» داخل بر خبر، که مفید حصر است - آل محمد باشد مورد آیه از مصادیق آن می‌باشد.

دوم: احادیث وارده مبنی بر اینکه خداوند متعال از انبیاء، ولایت محمد و اهل بیت ایشان را پیمان گرفت و بر آنها محبتشان را واجب نمود - که مجال بیان آن در این مختصر نیست.^۴

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳ و ۴؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۸۳؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. سوره انعام، آیه ۸۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۶۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۳؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۱۲۱: «وَلَمْ يَتَّبِعِ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا إِلَّا وَأَخَذَ عَلَيْهِ الْمِيثَاقَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ بِالنُّبُوَّةِ وَلِعَلَى ﷺ بِالْإِمَامَةِ» (خدای متعال هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر اینکه از او برای نبوت محمد (صلی الله علیه و آله) و امامت علی (علیه السلام) تعهد گرفت).

﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾؛

خداوند آگاه‌تر است که رسالتش را کجا قرار دهد.^۱

در کتاب «ترویج فاطمه بنت الرسول ﷺ» للامام الباقر (ع) با سند او از ابی عبدالرحمن مدنی از محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، از پدرش زین العابدین در حدیثی طولانی آمده است:

پیامبر ﷺ خادمه‌ای را به دخترشان فاطمه زهرا (ع) هدیه نمودند و در مورد ایشان به او سفارش کردند. تا اینکه فرمودند:

فاطمه عرض کرد: ای رسول خدا! یک روز کارهای منزل را من انجام می‌دهم و یک روز هم او؛ پس دیدگان رسول خدا ﷺ گریان شد و فرمودند: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ «خدا آگاه‌تر است که رسالتش را کجا قرار دهد» و فرمودند: ﴿ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ «فرزندانی که بعضی از آنان از بعضی دیگرند، و خداوند شنوا و داناست».^۲
مؤلف گوید: مصدر این حدیث شریف و سند متصل آن را قبلاً در سوره آل عمران، آیه ۳۴ بیان کردیم لذا اینجا آن را تکرار نمی‌کنیم.

﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾؛

بگو: برهان رسا برای خداست.^۳

روایات متعددی از پیامبر اعظم ﷺ در تأکید بر اینکه برهان رسای پس از او، اهل بیتشان یعنی امیرالمؤمنین و فاطمه زهراء و فرزندان‌شان هستند وارد شده است که از آن جمله است:

علی بن محمد بن شاذان - در کتابی که در آن صد منقبت از مناقب اهل بیت (ع) از

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۴.

۲. ترویج فاطمه بنت الرسول، ص ۵۸.

۳. سوره انعام، آیه ۱۴۹.

طریق عامه را جمع نموده - به سند خود از ابی سلیمان چوپان رسول خدا (علیه السلام) در داستان معراج روایت می‌کند که رسول خدا (علیه السلام) فرمودند: ... پس خدای متعال به من فرمود: به سمت راست عرش بنگر، پس نگاه کردم و ناگهان علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد باقر و جعفر صادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را در فضایی از نور دیدم که ایستاده و نماز می‌خوانند ...

پس خدای تبارک و تعالی فرمود: ای محمد! اینان همان حجت [ها] هستند.^۱

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾؛

و این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌هایی که شما را از طریق وی پراکنده می‌سازد پیروی نکنید! این چیزی است که خداوند، شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!^۲

علامه حنفیان شیخ سلیمان بلخی قندوزی در ینابیع المودة می‌گوید: در «مناقب» از محمد باقر و جعفر صادق رضی الله عنهما روایت شده که فرمودند:

الصراط المستقیم: امام است.

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ﴾: یعنی [راه] غیر امام.

﴿فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾: و ما راه اویم.^۳

مؤلف گوید: از آنجا که با احادیث بسیار ثابت شده است که کلام یکی از امامان که

۱. المناقب المائة، منقبت ۳۲، ص ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۲۴۱؛ الطرائف، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. سوره انعام، آیه ۱۵۳.

۳. ینابیع المودة، ص ۱۱۱. در بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۰۸ درباره آیه شریفه ﴿وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ﴾ از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) آمده است: «بلد امین پیامبر (علیه السلام) است و ما راه آن هستیم. خدای بزرگ مردم را در راه آنها از عذاب آتش در امان قرار داده در صورتی که او را اطاعت نمایند».

بفرماید «ما» «مَنْ» و مانند آن، مراد اهل بیت علیهم‌السلام است و بدان جهت که فاطمه زهرا علیها‌السلام جزء اهل بیت می‌باشند پس این آیه شریفه از آیاتی است که بر ایشان تطبیق می‌شود و از فضیلت و عصمت ایشان سخن می‌گوید.



سورہی اعراف

شامل شش آیه :

۱. ﴿ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴾ .
۲. ﴿ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍ ﴾ .
۳. ﴿ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ ﴾ .
۴. ﴿ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴾ .
۵. ﴿ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا ﴾ .
۶. ﴿ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ ﴾ .

﴿ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴾ ؛

پس، به یقین از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند خواهیم پرسید، و قطعاً از فرستادگان خواهیم پرسید.^۱

علامه بحرانی از دانشمند حنفی ابی الموید موفق بن احمد خوارزمی در کتاب «فضائل علی» با اسناد خود از ابی برزه روایت کند که گفت: روزی در محضر رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که حضرت فرمودند: قسم به او که جانم در دست اوست بنده در قیامت قدمی بر نمی‌دارد مگر اینکه خدای تبارک و تعالی از چهار چیز از او سؤال می‌کند:

از عمرش که در چه چیزی صرف نمود؟

از جسدش که در چه چیزی کهنه ساخت؟

از مالش که از چه راهی به دست آورد و در چه چیزی هزینه نمود؟

و از محبت ما اهل بیت؟^۲

مؤلف گوید: مقتضای این حدیث و همچنین احادیث دیگر این است که از انبیاء و امت‌های سابق درباره دوستی اهل بیت ﷺ نیز سؤال می‌شود.

و شکی نیست که فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت می‌باشند لذا سؤال، دوستی ایشان را

۱. سوره اعراف، آیه ۶.

۲. المناقب، ص ۷۶، ح ۵۹؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۸؛ عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۹۹؛ فضائل الشیعة، ص ۷ و ۸.

نیز دربر می گیرد بنابراین آیه در فضل ایشان می باشد.

﴿ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنَ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾^۱

و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند. و از زیر (قصرهای) شان نهرها جریان دارد، و می گویند: «ستایش مخصوص خدایی است که ما را به این (همه نعمت) رهنمون شد، و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود ما (به اینها) راه نمی یافتیم. مسلماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند» و (در این هنگام) به آنان ندا داده می شود که: این همان بهشتی است که آن را به آنچه انجام می دادید ارث بردید.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابوسعید سعدی با اسناد خود از حسن بن علی بن ابی طالب روایت کند که فرمودند: به خدا سوگند! ﴿ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ ﴾^۲ در شأن ما اهل بیت نازل شده است.

مؤلف گوید: تاکنون چند بار گفته ایم منظور از ضمائری مانند «نا» و «نحن» در امثال این موارد، اهل بیت (علیهم السلام) است که شامل سرور زنان عالم، بتول عذراء، زهرا (علیها السلام) نیز می شود و این آیه نظیر آیه ی: ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾^۳ «خداوند فقط اراده نموده که پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور سازد و به طور کامل شما را پاک سازد» است.^۳

یعنی: خدای متعال در دنیا و آخرت کینه را از سینه اهل بیت (علیهم السلام) زدوده است. پس

۱. سوره اعراف، آیه ۴۳.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۲۰۰ و ۲۰۱؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۵، ص ۱۴۷۸. از منابع شیعه نگاه شود به: المناقب، ج ۴، ص ۳۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۵۷.

۳. سوره احزاب، آیه ۳۳.

سینه‌هایشان طاهر و مطهر از هر عیب و نقص - که کینه نیز از آنها می‌باشد - است.

﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾؛

و بر اعراف، مردانی هستند که هر یک (از آن دو دسته) را از سیمایشان می‌شناسند.^۱

علامه شیخ سلیمان قندوزی از حاکم، به سند خود از أصبغ بن نُباته روایت کند که گفت: نزد علی رضی الله عنه بودم، ابن کَوَّاء [عبدالله بن کَوَّاء] نزد ایشان آمد و از معنای این آیه پرسید. علی علیه السلام فرمودند: وای بر تو ای پسر کواء! ما روز قیامت بین بهشت و آتش می‌ایستیم پس کسی که ما را دوست داشته و یاری کرده ما او را به چهره‌اش می‌شناسیم و او را وارد بهشت می‌کنیم و کسی که عداوت و دشمنی ما را داشته است به سیمایش می‌شناسیم و داخل آتش می‌کنیم.^۲

مؤلف گوید: مقصود از «ما» در اینجا اهل بیت و اصحاب کساء یعنی رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می‌باشد آنطور که روایات متعددی در صحاح و مسانید به آن اشاره دارند.

﴿وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾؛

و به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می‌نمودند.^۳

حافظ حنفی سلیمان قندوزی در ینابیع المودة به سند خود از ابی جعفر باقر علیه السلام در

۱. سوره اعراف، آیه ۴۶.

۲. ینابیع المودة، ص ۱۰۲؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۲۶۳؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۳۶. از منابع شیعه نگاه شود به: الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۹۵. در بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۲۴ آمده است: «اعراف، جایگاه بلندی است بر روی صراط که بر بلندی آن عباس، حمزه، علی بن ابی طالب و جعفر طیار قرار دارند. دوستانشان را با سفیدی صورت و دشمنانشان را با سیاهی آن می‌شناسند».

۳. سوره اعراف، آیه ۱۶۰.

تفسیر آیه ی: ﴿وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ روایت کند که فرمودند: خدای متعال - جلّ شأنه و عظم سلطانه - عزیزتر و برتر و پاک تر از آن است که ظلمی بر او عارض شود؛ لکن ذات اقدسش را در بین ما اهل بیت داخل نمود و ظلم ما را ستم بر خود حساب نمود لذا فرمود: «و به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می نمودند».^۱

مؤلف گوید: از آنجا که اهل بیت شامل فاطمه زهرا (علیها السلام) می شود آیه کریمه از آیاتی است که در فضیلت ایشان وارد شده است.

ملاحظه: این آیه به همین صورت دو بار در قرآن تکرار شده است: یک بار در سوره بقره و بار دیگر در سوره اعراف.

در سوره بقره به آن اشاره داشتیم؛ ولی از جایی که آنها دو آیه از قرآن هستند پس آمدن آنها در قرآن به این تفسیر مبین آن است که آنها دو آیه مجزا درباره اهل بیت (علیهم السلام) باشند نه یک آیه؛ لذا ما نیز آن را در هر دو سوره ذکر نمودیم که دلایل این امر به قرار زیر است:

اول: چون این دو، آیاتی هستند که هر کدام درباره اهل بیت - از جمله حضرت زهرا (علیها السلام) - می باشند، معنایش این است که دو آیه در مورد اهل بیت نازل شده است.

دوم: شاید کسی وجود آن را فقط در یکی از دو مورد بداند.

سوم: به جهت آنکه در تکرار قرآن ابداع و بلاغت خارق العاده ای وجود دارد که دانشمندان «علوم قرآن» آن را بیان داشته و برخی جوانب عظمت آن را توضیح داده اند. پس هر گاه شخص «در قرآن تدبر کند» آنگونه که خود قرآن بدان امر نموده، این حقیقت را خواهد دید که در قرآن، تکرار وجود ندارد.

۱. ینابیع المودة، ص ۳۵۸.

اشاره: این روایت با اختلافی در الفاظ در منابع شیعه ذکر شده است به عنوان نمونه نگاه شود به: المناقب، ج ۴، ص ۲۸۴؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۴۶: «بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ مُوسَى بْنِ قَادِمٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ، عَنْ زُرَّازَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْظَمُ وَأَعَزُّ وَأَجَلُّ وَأَمْنَعُ مِنْ أَنْ يُظْلَمَ وَلَكِنَّهُ خَلَطَنَا بِنَفْسِهِ فَجَعَلَ ظَلَمَنَا ظُلْمَهُ وَوَلَا يَتَنَا وَلَا يَتَهُ حَيْثُ يَقُولُ: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» يَغْنِي الْأَيِّمَةَ مِنَّا ثُمَّ قَالَ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ: «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» ثُمَّ ذَكَرَ مِثْلَهُ».

استاد عفیفی گوید: استحکام قرآن به اندازه‌ای است که ضمانت می‌کند هر گاه به کلمه‌ای از قرآن احتیاج داشتیم، آن را در جایگاه خود بیابیم. مانند یک حرف که در یک کلمه‌ی واحد تکرار شده، اما هر حرفی در جایگاه خاص خودش غیر از دیگری است و تکراری نمی‌باشد و تمام حروف با هم ارتباط کامل دارند.^۱

در این رابطه امام غزالی نیز در کتاب احیاء العلوم می‌گوید: برخی قرآن شناسان می‌گویند: قرآن حاوی هفتصد و هفتاد هزار و دویست علم می‌باشد، زیرا هر کلمه‌ای علم است. بنابراین تکرار این آیه در اینجا و در سوره بقره تنها تکرار لفظی است و الا در هر سوره‌ای دارای معنایی ابداعی و معجزه گونه است.

در این زمینه کتاب‌های ویژه‌ای به رشته تحریر درآمده است که در اینجا تنها به ذکر بعضی از آنچه بزرگان این فن ذکر کرده‌اند می‌پردازیم:

علمای علوم قرآنی می‌گویند: تکرار لفظی در قرآن وجود دارد؛ اما تکرار حقیقی و معنوی وجود ندارد. و آن به جهت آن است که مقصود از هر کلمه که لفظ آن در قرآن تکرار شده غیر از همان کلمه در مکانی دیگر می‌باشد. پس اگر لفظی در قرآن دو بار تکرار شود، لفظ یکی است لکن معنا و مقصود دو تاست. و اگر لفظی یا آیه‌ای از قرآن پنج بار تکرار شود، لفظ یکی است اما معنا و مقصود پنج تاست و که در اصطلاح به آن «علم احکام و تفصیل» می‌گویند.^۲

بی‌مناسبت نیست که در اینجا عبارت برخی کتاب‌هایی که در این موضوع مهم نوشته شده است را بیاوریم:

نویسنده معاصر، استاد عفیفی در کتابش «القرآن، القول الفصل» درباره تکرار لفظی و عدم تکرار معنوی در قرآن می‌گوید:

«اگر آیه یا جمله‌ای کمتر از یک آیه و یا یک کلمه و یا حتی یک حرف^۳ در قرآن در

۱. القرآن القول الفصل، ص ۵۵.

۲. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۵۲۳.

۳. کلمه، مانند تکرار کلمه «علیهم» در سوره فاتحه ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾

جاهای مختلف تکرار شود، هرکدام در جای خود دارای معنای مستقل و غیر از معنا و اثر آن در جای دیگر است، به طوری که هرگاه انسانی در هر زمان و مکانی به آن مورد تکرار شده توجه کند حساب جداگانه‌ای از نظایر آن برایش باز خواهد کرد و درمی یابد برای هر کلمه‌ای عملی جدید در جایگاه جدید است، و این خود معجزه‌ای است که هر کلمه یا حتی حرفی در جایگاهی که در آن قرار دارد معنا می‌شود و به جمله مرتبط می‌گردد. مانند آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ که در سوره «الرحمن» چندین بار تکرار شده است و یا تکرار این جمله ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ در سوره «نحل» آیه ۴۳ و سوره «انبیاء» آیه ۷ که کمتر از یک آیه است. چرا که بشر از (تعمیم) عاجز است تا بتواند اندازه مطلوب از کلام را بدون زیادت و نقصان تثبیت کند.^۱

خطیب اسکافی در کتاب خود «درة التنزیل و غرة التأویل» در بیان مثالی برای اختصاص هر لفظ قرآن به علم و معنایی جدید گوید:

«فرمایش الهی در سوره نبا: ﴿كَلَّا سَيَعْلَمُونَ، ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ «چنین نیست، به زودی می‌فهمند! باز هم چنین نیست و به زودی می‌فهمند»^۲.

بر اختصاص آیه چهارم از سوره نبا به علم در دنیا سپس اختصاص آیه پنجم از این سوره به علم در آخرت دلالت دارد؛ که این تکرار نیست و آنچه را از دومی اراده نموده غیر از آن چیزی است که از اولی اراده کرده است»^۳.

تاج القراء کرمانی در کتاب «اسرار التکرار فی القرآن» هنگام بیان مثالی دیگر برای عدم تکرار معنوی در قرآن گوید:

«عبارت «علیهم» در سوره فاتحه و در دو موضع این آیه یعنی: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

← و حرف، مانند «واو» عطف تکراری در سوره فاتحه، در دو آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ و ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ و مانند آن.

۱. القرآن القول الفصل، ص ۱۶.

۲. سوره نبا، آیات ۴ و ۵.

۳. دره التنزیل و غرة التأویل، ص ۵۱۶.

عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»^۱ «راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان» تکراری نیست؛ چرا که منظور از مورد اول انعام است و در مورد دوم اراده معنای غضب است»^۲.

علامه زرکشی در کتاب «البيان في علوم القرآن» هنگام توضیح اصطلاح معروف «احکام قرآن و تفصیل آن» می‌گوید:

«احکام قرآن و تفصیل آن علمی است که ضمانت می‌کند هر گاه به کلمه‌ای از قرآن احتیاج داشتیم، آن را در جایگاه خود بیابیم. مانند یک حرف تکراری در یک کلمه. پس هر حرفی در جایگاه خاص خودش غیر از دیگری است و تکراری نمی‌باشد و اجمالاً یعنی اینکه همه حروف با هم ارتباط کامل دارند و کلام بشری اینگونه نیست. بشری که می‌دانیم برای او جمله‌ای نمی‌شناسیم. آنگونه که از قاضی ابوبکر بن عربی نقل شده است، آنجا که می‌گوید: «ارتباط آیات قرآن با یکدیگر تا اینکه مانند یک کلمه واحد شوند، علمی بزرگ است که خداوند آن را تنها به ما داده است و ما کسی را شایسته دریافت آن نمی‌دانیم؛ چرا که ما خلق را با اوصاف آدم‌های بیکار و نالایق یافتیم. لذا بر آن مهر افکندیم و تنها بین خود و خدا قرارش دادیم و باز به سوی او باز می‌گردانیم»^۳. ابن قیم ابو عبدالله محمد بن ابی بکر در کتابش «أعلام الموقعين عن رب العالمين» به نقل از بعضی صحابه گوید:

هنگامی که از «کلاله» از ایشان سؤال می‌شد. از اظهار نظر خودداری می‌نمود تا اینکه به دو کلمه «کلاله» و «الکلاله» که در دو جای قرآن آمده است مراجعه نمود:

اول: ﴿وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ﴾^۴ «و اگر مردی باشد که کلاله از او ارث می‌برد، یا

۱. سوره فاتحه، آیه ۷.

۲. اسرار التکرار فی القرآن، ص ۲۱.

۳. البيان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۶.

۴. سوره نساء، آیه ۱۲.

زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام از آن دو، یک ششم است؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند».

دوم: ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ امْرَأَ هَكَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ﴾^۱ «از تو سؤال می‌کنند، بگو: «خداوند، حکم کلاله را برای شما بیان می‌کند: اگر مردی از دنیا برود و فرزندی نداشته باشد، و برای او خواهری باشد، نصف میراث از آن اوست و او تمام مال را از آن خواهر به ارث می‌برد، در صورتی که (میت) فرزند نداشته باشد».

سپس عقیقی در ادامه می‌گوید:

ما پس از نگریستن به جایگاه مخصوص دو کلمه «الکلاله» و «کلاله» به هدفی جدید از اهداف قرآن دست می‌یابیم. که این امری همیشگی در ارتباط با هر خواننده‌ی قرآن در مواجهه با هر کلام قرآنی است.^۲

ابوبکر باقلانی در کتاب خود «إعجاز القرآن» پس از بیان تفصیلی قول اشاعره و معتزله در مسائل مرتبط به این موضوع و مسأله خلقت ذاتی قرآن گوید:

خداوند مخالفان را با هر کدام از سوره‌های قرآن به تحدی طلبیده است و مخصوص به سوره‌ای خاص نکرده است تا دانسته شود که همه آن معجزه است.^۳

و دلیل آن این است که: کلماتی که لفظاً تکرار شده‌اند دارای معانی جدیدی در جایگاه خود هستند.

سید رشید رضا در کتاب «الوحي المحمدي» می‌گوید:

اگر عقائد اسلام که در قرآن آمده است مانند ایمان به خدا، صفات او، ملائکه، کتاب‌های آسمانی، پیامبران، روز واپسین و فروعات آن مانند حساب و جزاء و سرای ثواب و عقاب، به صورت مرتب در سه سوره یا چهار یا پنج سوره جمع شوند مانند کتاب‌های عقائدی؛

۱. سوره نساء، آیه ۱۷۶.

۲. القرآن القول الفصل، ص ۲۱۴.

۳. إعجاز القرآن - که در حاشیه اتقان سیوطی آمده است - ج ۲، ص ۱۵۲.

و اگر عبادات آن مانند طهارت، نماز، زکات، روزه، حج، دعا و اذکار هر کدام در تعدادی سوره تبویب شوند و دارای فصل‌هایی باشند مانند کتاب‌های فقهی؛... و اگر قواعد قانونی و احکام خصوصی و سیاسی و آزادی و مالی و مدنی و حدود و مجازات‌های تعزیری آن، در تعدادی سوره خاص جمع شوند مانند قوانین وضعی؛ و آنگاه اگر داستان انبیا و رسولان و عبرت‌ها و نصایح و سنت‌های الهی که در آنهاست در سوره‌هایی جمع شوند مانند کتاب‌های تاریخ؛

اگر همه مقاصد قرآن که خداوند به وسیله آنها اصلاح امور بشر را اراده نموده است، هر کدام به ترتیب تاریخی اسفار تورات که هیچ کس نظم دهنده آن را نمی‌داند، و یا کتاب‌های علمی و فقهی و قوانین بشری، مرتب شوند، قرآن بزرگترین مزیت هدایتش از تشریع و حکمت تنزیل که تعبد به آن و استفاده هر حافظی - چه حافظ کم و چه بسیار - از سوره‌های آن حتی سوره‌ای کوچک و بسیاری از مسائل ایمان و فضائل و احکام و حکمت‌های درس آموز در همه سوره‌ها را از دست می‌دهد. چرا که یک سوره در این ترتیب فرضی جز یک هدف از آن اهداف را شامل نیست که شاید «احکام طلاق» یا «حیض» باشد. پس کسی که تنها یک سوره بلند در یک جایگاه را حفظ می‌کند و تنها به همان متعبد است، شکی نیست که این برایش ملال‌آور است.

اما سوره‌ای که با این روش غریب و نظم عجیب نازل شده است، پس در یک آیه طولانی و یک سوره کوتاه دارای چند نوع هدایت است اگر چه که در جایگاه واحدی باشد.^۱ علامه مصطفی صادق رافعی در کتاب خود «اعجاز القرآن و البلاغة النبویة» پس از بحثی طولانی پیرامون نص کلمات قرآن که دربردارنده اعجاز می‌باشند، گوید:

آنها حروف و کلمات و جملات می‌باشند.^۲

۱. الوحي المحمدي، ص ۱۴۲.

۲. اعجاز القرآن و البلاغة النبویة، ص ۲۱۱.

همو در ابتدای کتابش می‌گوید:

قرآن کریم با این زبان، به روشی است که کم و زیاد آن را کسی نمی‌تواند بیاورد. پس شبیه‌ترین چیز به نور می‌باشد؛ چرا که نور مجموعه‌ای واحد است و اگر به اعتباری تجزیه شود باز از طبیعتش خارج نمی‌شود.^۱

شیخ محمد عبدالله دراز در کتاب خود «دستور الأخلاق فی القرآن» پس از بیان تفصیل برخی جوانب اعجاز قرآن به طور خلاصه گوید:

شریعت قرآن توانسته است به کمالی مضاعف دست یابد که امکان ندارد کسی توافق بین دو شق آن ایجاد کند. لطافت در عین استواری، پیشرفت در عین ثبات و تنوع در عین وحدت.^۲

برای توسعه بیشتر در این موضوع می‌توان از دو کتاب مهم دانشمندان گذشته و دو کتاب جدید از متأخران استفاده نمود:

۱- أحکام القرآن، تألیف ابوبکر احمد بن علی رازی (جصاص) که رهبر مذهب حنفیه در زمان خود بوده است.

۲- الإیتقان فی علوم القرآن، تألیف عبدالرحمن بن ابوبکر (سیوطی) که او نیز امام مذهب شافعی در عصر خود بوده است.

۳- إعجاز القرآن و البلاغة النبویة، اثر استاد مصطفی صادق رافعی.

۴- القرآن القول الفصل، تألیف استاد محمد عقیفی.

مؤلف گوید: این مختصر، از این بحث عمیق و گسترده را آورديم تا روشن شود که هر یک از آیات قرآن یا کلمات تکراری که در قرآن آمده است در واقع تکرار نمی‌باشد.

﴿وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ

۱. همان، ص ۴۷.

۲. دستور الأخلاق فی القرآن، ص ۱۱.

وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ ۖ

و هنگامی را که به آنها گفته شد: «در این شهر سکونت گزینید، و از هر جا خواستید، بخورید! و بگویید: گناهان ما را فرو ریز! و از دروازه سجده کنان وارد شوید! تا گناهان شما را ببخشیم».^۱

حافظ هیثمی شافعی در کتاب «مجمع الزوائد» از ابوسعید خدری روایت می‌کند که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «مثل اهل بیت من در بین شما مثل باب حطه در بنی اسرائیل است کسی که وارد آن شود بخشید شده است».^۲
مؤلف گوید: یعنی کسی که به اهل بیت من تمسک جوید و آنها را دوست بدارد، بخشیده می‌شود.

و سرور بانوان فاطمه زهرا (علیها السلام) از اهل بیت می‌باشند بنابراین این آیه در شأن و حق ایشان می‌باشد.

﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾

و از میان کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داور می‌نمایند.^۳

حافظ حسکانی حنفی گوید: در کتاب «فهم القرآن» از جعفر صادق رضی الله عنه در معنای این فرمایش الهی است که فرمودند: این آیه برای آل محمد ﷺ می‌باشد.^۴

۱. سوره اعراف، آیه ۱۶۱.

۲. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۷۱؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۳۶۰. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۸، ص ۳۰؛ سعد السعود، ص ۱۰۷؛ الغیبة للنعمانی، ص ۴۴.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۸۱.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۴. در منابع متعدد فریقین (شیعه و سنی) به نجات یک فرقه از هفتاد و چند فرقه

مؤلف گوید: سرور و مولای ما فاطمه زهرا علیها السلام به نص رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایات متواتر، از آل محمد می باشند.

← امت اسلام اشاره شده است. سیوطی گوید: ابن ابی حاتم از ربیع روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: از امت من تنها یک قوم بر حق هستند، تا اینکه عیسی بن مریم فرود آید. (الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۳، ص ۱۴۹). از منابع بسیار شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۴؛ إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۵۸؛ بصائر الدرجات، ص ۳۶؛ نهج الحق، ص ۲۰۲.

سورہی انفال

شامل چہار آیہ:

۱. ﴿ لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ ﴾ .
 ۲. ﴿ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ ﴾ .
 ۳. ﴿ إِنْ أُولِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُنَافِقُونَ ﴾ .
 ۴. ﴿ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى ﴾ .
-

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾ ؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر (او) خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت نورزید، در حالی که می دانید!^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: در کتاب تفسیر عتیق از یونس بن بکار از پدرش و پدر او از ابی جعفر محمد بن علی درباره این فرمایش الهی آمده است: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ - فِي آلِ مُحَمَّدٍ - وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾^۲.
مؤلف گوید: یعنی مراد از ﴿ أَمَانَاتِكُمْ ﴾ آل محمد ﷺ می باشند، پس ایشان امانت هایی در دست امت هستند و خداوند متعال از خیانت به آنها، با ظلم، یا ترک ایشان نهی کرده است.

۱. سوره انفال، آیه ۲۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۵. اگر چه این آیه شریفه به صورت عام درباره ابی لبابه و قصه ی معروف او وارد شده است اما به صورت خاص پیرامون اهل بیت ﷺ نازل شده است. در بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۲۰۱ آمده است: عثمان بن حنیف گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدیم که می فرمودند: اهل بیت من ستارگان زمینند. از آنها پیش نیفتید و آنها را مقدم بدارید. ایشان والیان پس از من هستند. مردی برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! کدامیک از اهل بیتتان؟ فرمودند: علی و فرزندان پاکش و آن را تبیین نمودند. پس ای ابوبکر تو اولین کافر به او نباش و « لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ».

بارها گفته‌ایم که فاطمه زهرا (علیها السلام) از آل محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشند لذا این آیه در فضیلت ایشان می‌باشد.

ملاحظه می‌شود که عبارت «فی آل محمد» از قرآن نیست بلکه تفسیر یا تأویل می‌باشد. کسانی که داناترین مردم به آن دو می‌باشند همان‌هایی که قرآن در خانه ایشان (علیها السلام) نازل شده است.

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾؛

و تا تو در میان آنان هستی، خداوند آنها را عذاب نخواهد کرد.^۱

علامه میر محمد صالح کشفی ترمذی در کتاب «مناقب مرتضوی» می‌گوید: در روایتی دیگر از احمد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است:

«چون ستارگان از میان بروند اهل آسمان نابود می‌شوند. و اگر اهل بیت من از میان بروند اهل زمین نابود شوند»^۲. سپس گفت: به این معنی این کلام الهی اشاره دارد: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾ اهل بیت ایشان جایگزین او در امان هستند؛ چرا که ایشان از اویند و او از ایشان، آنگونه که در برخی طرق وارد شده است.^۳

مؤلف گوید: معنای حدیث نبوی که این دانشور حنفی بدان اشاره نمود «اهل بیت من از من هستند و من از ایشان» این است که: من و ایشان حقیقتی واحد و روحی واحدیم، و نوری واحد در قالب‌های متعدد و اشخاصی متغایر هستیم. پس این آیه کریمه به نص پیامبر (صلی الله علیه و آله) شامل اهل بیت ایشان (علیها السلام) که از جمله آنها فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز می‌باشد، می‌گردد.

۱. سوره انفال، آیه ۳۳.

۲. در منابع متعدد فریقین در ذیل آیه شریفه «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» به این معنا اشاره شده است که مراد از ستاره، رسول خدا، و علامات، اهل بیت (علیهم السلام) هستند. به عنوان نمونه نگاه شود به: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۰۶.

۳. مناقب مرتضوی، ص ۴۵. از منابع شیعه نگاه شود به: الأمالی (طوسی)، ص ۳۷۹؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۸.

﴿ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا
الْمُتَّقُونَ ﴾؛

با اینکه آنان از مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند، در حالی که سرپرست آن
نیستند؛ چرا که سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند.^۱

حاکم حسکانی حنفی گوید: منصور بن حسین با اسناد خود از انس بن مالک از
پیامبر ﷺ روایت کند که فرمودند: «أَلْ مُحَمَّدٌ كُلُّ تَقِيٍّ» «آل محمد همگی از متقین هستند»^۲.
مؤلف گوید: در عبارت «كُلُّ تَقِيٍّ» کلمه «كُلُّ» یا با تنوین خوانده می‌شود که در این
صورت «تقی» صفت آن می‌باشد و معنای آن این است که هر کدام از ایشان پرهیزکار
است و یا به صورت اضافه «كُلُّ» به «تقی» خوانده می‌شود که بنابراین معنای آن این است:
آل محمد، هر شخص پرهیزکاری است که در معنای این صورت، دو احتمال وجود دارد:
اول: شاید منظور خارج کردن فرزندان غیر متقی ائمه طاهرين باشد تا اینکه از
شمول «آل محمد» در صلوات‌ها و سلام‌ها و مانند آن بیرون باشند.

دوم: شاید مقصود داخل کردن پرهیزکاران دیگری که منتسب به رسول خدا ﷺ
نیستند به صورت ادخال تنزیلی باشد؛ مانند این فرمایش حضرت ﷺ: «سلمان از ما
اهل بیت است» و فرمایش دیگرشان به ابوذر: «ای ابوذر! تو از ما اهل بیت هستی»
و مانند آن.

و اظهر، معنای اول است.

در هر حال شکی نیست که سرور بانوان عالم فاطمه زهرا علیها السلام جزء آل محمد علیهم السلام
می‌باشند.

۱. سوره انفال، آیه ۳۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۷. در تفسیر روایی بحرالعلوم از منابع اهل سنت، ج ۱، ص ۵۱ آمده
است: «روی عن رسول الله ﷺ أنه قيل له: من آلک؟ قال: «آلی کلّ تقی إلى يوم القيامة». (از رسول خدا ﷺ
روایت شده که به ایشان عرض شد: آل شما چه کسانی هستند؟ فرمودند: آل من همگی پارسایند تا روز
قیامت). از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۶۲.

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾؛

و بدانید که هرگونه غنیمتی به دست آورید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و
برای خویشاوندان (او) و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابو عبدالله شیرازی با اسناد خود از علی بن ابی طالب
کرم الله وجهه درباره این آیه فرمودند: مخصوص ما اهل بیت است و (خداوند برای
اکرام ما) صدقات را برای ما اهل بیت قرار نداد. این کرامتی است که خداوند، پیامبر خود
و خاندان او را با آن گرامی داشته، و ما را از چرک های مال مسلمانان برتری داده است.^۲
باز روایت کند: ابراهیم بن اسحاق با اسناد خود از مجاهد درباره ی این فرمایش
الهی: ﴿وَلِذِي الْقُرْبَىٰ﴾ گفت: ایشان اقارب و نزدیکان پیامبر هستند، که گرفتن صدقه
برای آن بزرگواران حلال نیست.^۳

و باز همو روایت کند: یوسف با اسناد خود از مجاهد روایت کند که گفت: صدقه
برای پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان حلال و مباح نیست و خداوند برای آن گرامیان
خمس را قرار داد.^۴
امام غزالی گوید: پیامبر ﷺ فرمودند: صدقه برای آل محمد حلال نیست؛ چرا که
آن چرک دستان مردم می باشد.^۵

و علامه محمد جمال الدین قاسمی در تفسیر خود به هنگام بیان آیه گوید: «علما

۱. سوره انفال، آیه ۴۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۲۱۸ و ۲۲۱؛ البحر المحیط فی التفسیر، ج ۵، ص ۳۲۴. از منابع شیعه نگاه شود
به: الکافی، ج ۴، ص ۵۸.

۳. همان.

۴. همان. در الجداول فی إعراب القرآن، ج ۱۰، ص ۲۲۹ گوید: ولذی القربی یعنی سهمی از خمس برای ذوی
القربی است. و ایشان خویشان پیامبر ﷺ هستند. و آنها - بنابر قول امام شافعی با استناد به حدیثی در صحیح
بخاری - بنی هاشم و بنی عبدالمطلب هستند.

۵. احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۴۱۰.

اجماع دارند که مراد از «ذی القربی»، نزدیکان پیامبر ﷺ می‌باشند.^۱

امام، شیخ محمد طاهر بن عاشور در تفسیرش «التحریر و التنویر» گفته است: «ال» در «القربی» عوض مضاف الیه می‌باشد... و مراد در اینجا رسول اکرم که قبلاً ذکر شده، می‌باشد؛ یعنی «و لذی قربی الرسول». و آن اکرامی از سوی خداوند نسبت به پیامبر ﷺ است و برای نزدیکان ایشان بهره‌ای در مال خدا قرار داده است؛ چرا که خداوند گرفتن صدقات و زکات را بر ایشان حرام کرده است پس گناهی نیست که او آنان را از مال خداوند غنی نموده است لذا حق ایشان در خمس به وصف قرابت ثابت می‌باشد.^۲

سید محمد رشید رضا در تفسیرش هنگام ذکر این آیه گوید: ایشان غیر تمندترین مردم در اسلام هستند؛ زیرا غیرت دینی و غیرت نسبی در ایشان جمع شده است. پس افتخاری جز بالا بردن دین محمد ﷺ نداشتند. چون در آن از اهل بیت پیامبر ﷺ تمجید نموده است و آن مصلحتی است که به دین برمی‌گردد. اگر عظمت علما و قاریان به واسطه دین باشد، واجب است که تعظیم ذوی القربی به طریق اولی اینگونه باشد. سپس گوید: از زین العابدین علی بن حسین روایت شده که فرمودند: خمس از آن ماست. گفته شد: خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ﴾ فرمودند: یتیمان ما، مسکینان ما و در راه ماندگان ما.^۳

امام حنبله احمد بن حنبل در مسندش روایت کند: نجدة الحروری از ابن عباس از سهم «ذی القربی» پرسید. گفت: آن برای ماست. برای نزدیکان رسول خدا ﷺ که حضرت برای آنان تقسیم نمود.^۴

۱. تفسیر القاسمی، ج ۸، ص ۳۰۱.

۲. التحریر و التنویر، ج ۱۰، ص ۹.

۳. تفسیر المنار، ج ۱۰، صص ۱۴ و ۱۵؛ الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۶۱. از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۱۸ و ج ۱۵، ص ۱۱۳.

۴. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۲۰. از منابع شیعه نگاه شود به: تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۲۶.

زمخشری در تفسیرش آورده است: از ابن عباس است که، آن - یعنی خمس - شش سهم است: دو سهم از آن خدا و رسولش و یک سهم برای نزدیکان آن حضرت و به این شکل بود تا اینکه حضرت از دنیا رفتند.^۱

و شکی نیست که حوراء انسیه فاطمه زهرا علیها السلام از کسانی است که به مقتضای روایات متواتر، این آیه کریمه درباره ایشان نازل شده است.

۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۲.

سورہی توبہ

شامل دو آیہ:

۱. ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ﴾ .
۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ .

﴿ يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴾ ؛

می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید.^۱

عالم حنفی حافظ سلیمان قندوزی در کتاب «ینایع المودة» از فقیه شافعی، حموینی با سند خود از سلیم بن قیس هلالی روایت کند که گفت: در زمان خلافت عثمان، علی را در مسجد مدینه دیدم و جماعت مهاجر و انصار فضائل خود را یاد می کردند و علی ساکت بود. پس گفتند: ای ابوالحسن! سخن بگو. فرمود: ای قریش و انصار! از شما از کسی که خداوند این فضل را به او عطا نموده می پرسیم که آیا به واسطه خودتان است یا به واسطه غیرتان؟

گفتند: خداوند به واسطه محمد ﷺ بر ما منت نهاد و به ما عطا نمود.

فرمود: آیا نمی دانستید که رسول خدا ﷺ فرمودند: من و اهل بیت من نوری بودیم که در پیشگاه خداوند متعال چهارده هزار سال قبل از اینکه خدای عزّ وجلّ آدم را بیافریند حضور داشتیم. پس آنگاه که خداوند آدم ﷺ را خلق نمود آن نور را در صلب

او قرار داد و او را به سوی زمین هبوط داد سپس آن را در صلب نوح (علیه السلام) سوار بر کشتی نمود سپس آن را در صلب ابراهیم (علیه السلام) در آتش وارد نمود، سپس خدای با عزت و جلال مدام ما را از اصلاب کریمه به ارحام طاهره از پدران و مادران منتقل نمود و احدی از ما هرگز بر سفاح (زنا) نبوده است.

پس آنها که در اسلام سابقه داشتند و اهل بدر و احد بودند عرض کردند بله آن را شنیده ایم.^۱

مؤلف گوید: شکی نیست که فاطمه زهرا (علیها السلام) جزء اهل بیت رسول (صلی الله علیه و آله) و شعاعی از آن نور می باشد پس آیه به ایشان و بقیه اهل بیت (علیهم السلام) تفسیر می شود.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا پروا کنید، و با صادقان باشید!^۲

از ابن شهر آشوب - از طریق عامه - از تفسیر ابی یوسف یعقوب بن سفیان روایت کند که گوید: مالک بن انس از نافع از ابن عمر روایت کرد که گفت: خداوند متعال می فرماید: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾ خداوند صحابه را امر نمود که از او بترسند سپس فرمود: ﴿ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾ یعنی محمد و اهل بیت او.^۳ مؤلف گوید: بدون اشکال و اختلاف فاطمه زهرا (علیها السلام) از جمله اهل بیت می باشد بنابراین این آیه کریمه شامل ایشان می شود.

۱. ینابیع المودة، ص ۱۱۴. از منابع شیعه نگاه شود به: کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲. سوره توبه، آیه ۱۱۹.

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۸۸؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱؛ بصائر الدرجات، ص ۳۱. در الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۳، ص ۲۹۰ (از منابع مهم اهل سنت) در دو روایت از ابن عباس و ابی جعفر باقر (علیه السلام) آورده است: منظور از همراه بودن با صادقان، همراهی با علی بن ابی طالب است.

باید دانست که راوی این حدیث یعنی نافع از سخت‌ترین دشمنان اهل بیت می‌باشد؛ لکن خداوند در موارد متعدد حق را بر زبان او جاری نموده که: ﴿لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ﴾ «تا حق را ثابت کند، و باطل را از میان بردارد».^۱

اکنون نمونه‌ای از آنچه حاکی از بغض و دشمنی او نسبت به اهل بیت می‌باشد را ذکر می‌کنیم: حافظ حسکانی با اسناد خود از ابی‌هارون عبدی روایت می‌کند: با ابن عمر نشسته بودم ناگهان نافع بن ازرق آمد و گفت: به خدا قسم من علی را دشمن می‌دارم. ابن عمر چنین گفت: خدا با تو دشمن باشد با مردی دشمنی می‌کنی که سابقه‌ای از سوابقش برتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد.^۲

و مناقب شهد العدو بفضلها والفضل ما شهدت به الاعداء

«منقبت آن است که دشمنان به آن گواهی دهند و برتری آن است که دشمنان گواه آن باشند».

۱. انفال آیه ۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰.

سورہی ہود علیہ السلام

شامل شش آیہ:

- ۱-۴. ﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ ... عَطَاءَ غَيْرٍ مَجْذُوذٍ﴾ .
۵. ﴿وَإِنَّا لَمُوفُوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ﴾ .
۶. ﴿فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ﴾ .

﴿ يَوْمَ يَأْت لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا
فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ
وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي
الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ
غَيْرَ مَجْدُوذٍ ﴿

روزی که فرا رسد هیچ کس جز به اذن او سخن نگوید. گروهی بدبختند و
گروهی خوشبخت! * اما کسانی که بد بخت شده‌اند، در آتشند، و برای آنان
در آنجا، «زفیر» و «شهیق» است * تا آسمانها و زمین برجاست، در آن
ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد، زیرا پروردگارت هر
چه را بخواهد انجام می‌دهد! * و اما کسانی که خوشبخت شده‌اند، تا آسمانها
و زمین برجاست، در بهشت جاودانند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد.
بخششی است قطع نشدنی!

علامه‌ی بحرانی از فقیه حنفی، موفق بن احمد خوارزمی با اسناد خود از یزید بن
تبیع روایت می‌کند که گفت: از ابوبکر رضی الله عنه شنیدم که می‌گفت: روزی رسول خدا را
دیدم که خیمه‌ای برپا کرده بود و خود به کمانی عربی تکیه زده بود و علی و فاطمه

و حسن و حسین رضی الله عنهم در خیمه بودند، سپس حضرت فرمودند: ای گروه مسلمانان! من با کسی که با این سرپرده نشینان صلح و دوستی داشته باشد، صلح و دوستی دارم. و با هر کسی که با ایشان نبرد کند، در نبردم. و دوستم با هر کسی که آنان را دوست بدارد و دشمنم با آنکه ایشان را دشمن بدارد. آنان را دوست نمی دارد مگر آن کسی که نیای او از نیکبختی برخوردار و نطفه اش از آلودگی پاک باشد و دشمن نمی دارد مگر آنکه نیای او شقی بوده و نطفه اش ناپاک باشد.

پس مردی گفت: ای یزید تو را به خدا قسم که تو خود این سخن را از ابوبکر شنیدی؟
گفت: آری به خدای کعبه قسم.^۱

مؤلف گوید: قرآن کریم مردم را به سعید و شقی تقسیم می کند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به نص این روایت و نقل ابوبکر، سعیدان را با ادات حصر «ما» و «الا» به دوستان فاطمه زهرا (علیها السلام) و پدرشان و همسرشان و فرزندانشان حصر نموده است.
و همچنین حصر اشقیا با ادات حصر «ما» و «الا» درباره کسانی که فاطمه زهرا (علیها السلام) و پدر و همسر و فرزندانشان را دشمن بدارد؛ لذا آیه شریفه تنها بر ایشان (علیهم السلام) مطابق است.

﴿وَإِنَّا لَمُؤْفِقُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ﴾؛

و ما بهره ی آنان را تمام و ناکاسته خواهیم داد!^۲

حاکم حسکانی حنفی گوید: فرات بن ابراهیم با اسناد خود از ابن عباس در توضیح این کلام الهی روایت کند که گفت: منظور از آیه شریفه بنی هاشم اند، که ملکشان را که خداوند برای ایشان واجب نموده بی کم و کاست تحویل خواهیم داد.^۳

۱. مناقب الخوارزمی، ص ۲۹۷؛ الرياض النضرة، ج ۲، ص ۱۵۴. از منابع شیعه نگاه شود به: بناء المقالة الفاطمية، ص ۲۳۳.

۲. سوره هود، آیه ۱۰۹.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۸۳. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۹۳.

مؤلف گوید: مقصود از بنی هاشم به قرینه‌ی سیاق و مورد و غیر آن، اهل بیت علیهم‌السلام هستند که فاطمه زهرا علیها‌السلام نیز جزء ایشان می‌باشد.

و منافاتی ندارد که ظاهر آیه بازگشت دو ضمیر جمع به صدر آیه و همچنین بازگشت آنها به حکم روایت به بنی هاشم باشد؛ چرا که اولی تفسیر بوده و دومی تأویل می‌باشد. و «التفات» باب گسترده‌ای در بلاغت و همچنین در قرآن که «قله‌ی بلاغت» است می‌باشد آنطور که بر اهل آن پوشیده نیست.

برای توضیح بیشتر در این موضوع رجوع شود به:

۱. کتاب «احکام القرآن» تألیف امام حنفیان در عصر خود، ابوبکر احمد بن علی رازی جصاص.^۱
۲. کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» اثر پیشوای شافعیان در عصر خود جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی^۲ و دیگران.

﴿ فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ ﴾؛

پس چرا از نسل‌های قبل از شما، خردمندانی نبودند که (مردم را) از فساد در زمین جلوگیری کنند؟^۳

حاکم حسکانی حنفی گوید: ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد حسنی با اسناد خود از زید بن علی درباره این آیه گفت: این آیه در شأن ما نازل شده است.^۴

مؤلف گوید: بدون اشکال و شبهه به دلیل روایات متواتره منظور از جمله

۱. احکام القرآن، ج ۲، ص ۲۸۰ به بعد.

۲. الاتقان، ج ۲، صص ۲ و ۵۸.

۳. سوره هود، آیه ۱۱۶.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۸۴. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۹۴.

«درباره ما» یعنی درباره اهل بیت علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام نیز بدون شبهه و اشکال جزء ایشان می باشند.

پس اهل بیت علیهم السلام خردمندان کمی هستند که از فساد بر روی زمین نهی کرده و مصداق اکمل آنها می باشند و فاطمه زهرا علیها السلام اولین پیشوا و منادی التزام کامل به روش پیامبر صلی الله علیه و آله پس از وفاتشان هستند.



سورہ یوسف علیہ السلام

شامل یک آیه:

۱. ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾.

﴿ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴾؛

بگو: «این راه من است! من و مرا پیروانم با بینایی، (همه مردم را) به سوی
خدا دعوت می‌کنیم، و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم».^۱

حافظ حاکم حسکانی حنفی از فرات با اسناد خود از ابان بن تغلب نقل کرده که
جعفر بن محمد در تفسیر این آیه فرمود: «به خدا قسم درباره ولایت ما اهل بیت
می‌باشد که آن را مگر گمراه انکار نمی‌کند».^۲

مؤلف گوید: از آنجا که سرور و مولای ما، بانوی زنان فاطمه زهرا (علیها السلام) جزء
اهل بیت می‌باشند این آیه کریمه در حق ایشان به همراه سائر اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد.

۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۸۶. در تفسیر فرات کوفی، ص ۲۰۱ (از منابع مهم شیعه) آورده است: «... قال:
هی [هو] والله ولايتنا أهل البيت لا ينكره أحد إلا ضال ولا ينتقص علياً [عليه السلام] إلا ضال» (... فرمود: به خدا
قسم، آن ولایت ما اهل بیت است که کسی جز گمراه، آن را انکار نمی‌کند و کسی بر علی (علیه السلام) خورده نمی‌گیرد
مگر شخص گمراه).

سورہی (عد

شامل دو آیہ:

۱. ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾.

۲. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾.

﴿ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴾؛

همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.^۱

علامه حنفی محمود آلوسی در تفسیر این آیه کریمه گوید: ابن مردویه از علی رضی الله عنه روایت کند که فرمودند: هنگامی که آیه ﴿ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴾ نازل شد، پیامبر ﷺ فرمودند: آن، کسی است که خدا و رسول او و اهل بیت مرا به راستی نه به دروغ دوست بدارد.^۲

مؤلف گوید: فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت علیهم السلام می‌باشند لذا این آیه کریمه ایشان را نیز شامل می‌شود.

﴿ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا يَ﴾

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، خوشا به حالشان، و سرانجامی نیکو دارند!^۳

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.

۲. روح المعانی، ج ۱۳، ص ۱۳۴؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۵۸؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۵، ص ۱۹۸. از منابع شیعه نگاه شود به: الجعفریات، ص ۲۲۴.

۳. سوره رعد، آیه ۲۹.

علامه‌ی حنفی حافظ سلیمان بلخی قندوزی در کتاب «ینابیع المودة» گوید: ثعلبی از [امام] باقر رضی الله عنه روایت کند که فرمودند: از پیامبر (ص) درباره آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ سؤال شد، فرمودند: آن (طوبی) درختی است در بهشت که ریشه آن در خانه من و شاخه آن در منازل اهل بهشت است. پس به ایشان عرض شد: ای رسول خدا! پیش از این از شما سؤال نمودیم و فرمودید: آن درختی است که ریشه آن در بیت علی و فاطمه و شاخه آن در منازل اهل بهشت است؟

حضرت (ص) فرمودند: فردا مسکن من و علی و فاطمه در مکانی واحد است و آن درختی است که خداوند تبارک و تعالی با دست خود غرس نموده است و از روح خود بر آن دمیده است. زیورها و جامه‌های زرین می‌دهد و شاخه‌های آن از پشت دیوار بهشت دیده می‌شود.^۱

مؤلف گوید: رسول خدا (ص) تصریح دارند که خانه فاطمه زهرا (علیها السلام) و خانه ایشان در بهشت یکی است؛ پس این آیه شریفه در حق ایشان می‌باشد و از آیاتی است که در قرآن کریم درباره فضیلت حضرتش نازل شده است.

۱. ینابیع المودة، ص ۱۳۱؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۹۶. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۷۰؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۰۹.

سورہی ابراہیم ﷺ

شامل سه آیه:

۱-۲. ﴿الَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا... لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾.

۳. ﴿الَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا﴾.

﴿ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ
وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴾؛

(ای رسول ما) آیا ندیدی چگونه خداوند مثالی برای «کلمه طیبه» زد و آن را
به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرد که ریشه آن برقرار باشد، و شاخه‌اش به آسمان
برسد؟! * میوه خود را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد. و خداوند برای
مردم مثلها می‌زند، شاید متذکر شوند و پند گیرند.^۱

حاکم ابوالقاسم حسکانی حنفی گوید: ابو عبدالله شیرازی با اسناد خود از سلام
خثعمی روایت کند که گفت: روزی به حضور ابی جعفر محمد بن علی رسیدم و
گفتم: ای پسر رسول الله! تفسیر این فرمایش الهی: ﴿ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴾
چیست؟ حضرت فرمودند: ای سلام! درخت پاکیزه، محمد و شاخه آن درخت علی
امیرالمؤمنین و میوه آن حسن و حسین و شاخه آن درخت فاطمه و شعبه‌های آن شاخه
(شاخه‌های کوچکتر)، امامان از فرزندان فاطمه؛ و برگ این درخت، شیعیان و دوستانشان
ما اهل بیت هستند، هنگامی که شخصی از شیعیان ما بمیرد برگی از این درخت می‌افتد.
و چون برای دوستان ما مولودی تولد یابد به جای آن برگ، برگی رویده می‌شود.

۱. سوره ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵.

گفتم: ای پسر رسول خدا! معنای این کلام الهی: ﴿تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ چیست؟

فرمودند: یعنی امامان، که در هر حج و عمره‌ای در حلال و حرام به شیعیان خود فتوا می‌دهند.^۱

و حاکم نیشابوری در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» با سند خود از مولی عبدالرحمن بن عوف روایت کند که گفت: از من بگیریید پیش از آنکه حدیث‌ها به چنگال باطل گرفتار آیند. از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: من درختم و فاطمه شاخه آن و علی، لقاح و بارورکننده آن است و حسن و حسین، میوه آن و شیعیان ما، برگ آن درختند؛ ریشه این درخت، در بهشت عدن است و درخت‌های دیگر، در بهشت‌های دیگرند.^۲

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ﴾؛

آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قومشان را به سرای هلاکت کشاندند؟!^۳

به صورت مرسل از مجاهد درباره این فرمایش خدای متعال ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا﴾ روایت شد که گفت: عرب و بنی‌امیه، محمد و اهل بیتش.^۴ مؤلف گوید: مراد از «الَّذِينَ بَدَّلُوا» «کسانی که تبدیل کردند»، عرب جاهلی و بنی‌امیه هستند. و منظور از «نعمت خدا»، محمد و اهل بیت او (علیهم السلام) می‌باشند. و فاطمه زهرا (علیها السلام) جزء اهل بیت می‌باشند؛ بنابراین آیه کریمه از آیاتی به شمار می‌رود که در فضل ایشان وارد شده است.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۳۱۱ و ۳۱۲. از منابع شیعه نگاه شود به: الأمالی (طوسی)، ص ۶۱۰؛ کشف الغمة، ج ۱، ص ۵۱؛ کشف الیقین، ص ۳۲۸.
 ۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۰.
 ۳. سوره ابراهیم، آیه ۲۸.
 ۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۹۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۱۷؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۲۵۰؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۲۹.

سورهی حجر

شامل هفت آیه:

- ۱- ۴. ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ ... بِمُخْرَجِينَ﴾ .
۵- ۶. ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ .
۷. ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ .
-

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ * وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ * لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴾^۱

به یقین، پرهیزگاران در باغها و چشمه‌ساراند * با سلامت و امنیت به آنجا داخل شوید * هر گونه کینه را از سینه آنان برمی‌کنیم در حالی که همه برابرند، و بر تختها رو به روی یکدیگر قرار دارند * هیچ رنجی در آنجا به آنها نمی‌رسد، و هیچ گاه از آن اخراج نمی‌گردند!^۱

احمد بن حنبل در «الفضائل» از عبدالله با اسناد خود از زید بن ابی‌اوفی روایت کند که گفت: در مسجد بر پیامبر ﷺ وارد شدم پس فرمود: من می‌خواهم بین شما عقد اخوت برقرار کنم...؛ تا آنجا که زید [بن ابی‌اوفی] گفت: به علی رضی الله عنه فرمود: قسم به او که مرا به حق مبعوث گردانید، تو و دخترم فاطمه در قصری در بهشت با من هستید و تو، برادر و همراه من هستی. سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴾^۲.

مؤلف گوید: با آنکه آنچه در حدیث آمده تنها یک آیه بود ولی به این دلیل چهار آیه

۱. سوره حجر، آیات ۴۵ تا ۴۸.

۲. الفضائل، ص ۱۰۶. از منابع شیعه نگاه شود به: کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۲۶؛ العمدة، ص ۳۰۷.

را ذکر کردیم که مجموع آنها دارای معنی واحدی هستند پس اگر ﴿وَنَزَعْنَا﴾ درباره صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) نازل شده باشد به معنای نزول همه آنها درباره ایشان می باشد.

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛

پس به پروردگارت سوگند که از همه آنان خواهیم پرسید * از آنچه انجام می دادند.^۱

فقیه شافعی ابن حجر در کتاب صواعق خود از واحدی روایت کند که گفت: این بدان جهت است که خدای تعالی به پیغمبرش (علیه السلام) دستور داد که به مردم بشناساند که در برابر تبلیغ رسالت، از آنها هیچ اجری نمی خواهد مگر دوستی نزدیکانش و معنای آن این است که از آنها سؤال می شود: آیا آنگونه که شایسته مقام آنان بود، آنها را دوست داشته اند همانطور که پیامبر (علیه السلام) به آنها سفارش نمود یا حقشان را ضایع کرده اند و اهمال نمودند؟ بنابر این، مطالبه حق تعالی، در محور دوستی ایشان و شکنجه خدا هم در رابطه با تضییع حقوق آنهاست.^۲

مؤلف گوید: شکی نیست که بانوی زنان فاطمه زهرا (علیها السلام) جزء نزدیکان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشند؛ لذا این آیه از آیاتی است که در فضیلت ایشان نازل شده است.

﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾

پس آنچه را بدان مأموریت داری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب.^۳

۱. سوره حجر، آیات ۹۲ و ۹۳.

۲. الصواعق المحرقة، ص ۸۹. در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۳ با اسناد خود از سفیان از سدی روایت می کند که آن سؤالی که از همگان پرسیده خواهد شد، ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. اشاره: در منابع شیعه همچون المناقب، ج ۲، ص ۱۵۲ و بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۷۱ از وکیع بن سفیان از سدی همانند این حدیث شریف روایت شده است.

۳. سوره حجر، آیه ۹۴.

حاکم ابوالقاسم حسکانی حنفی گوید: عقیل با اسناد خود از سدی درباره این فرمایش الهی: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ روایت کند که گوید: ابوصالح گفت: ابن عباس گفت: خدا به او امر نمود که قرآن را ظاهر سازد و همانطور که قرآن را آشکار نمود فضائل اهل بیتش را نیز ظاهر سازد.^۱

مؤلف گوید: امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام در طلیعه‌ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارند. پس جزء تفسیر آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله بدان امر شده اظهار فضائل علی و فاطمه علیهما السلام می باشد.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۲۵.

اشاره: اگر چه احادیث بسیاری در مصادر فریقین به این معنی اشاره دارند، اما حدیث، با این الفاظ، تنها در شواهد التنزیل ذکر شده است.

سورهی نحل

شامل چهار آیه:

۱. ﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ﴾ .
 - ۲-۳. ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ ... بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ﴾ .
 ۴. ﴿يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا﴾ .
-

﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ﴾.

و نشان دادن راه راست بر عهده خداست.^۱

از فقیه شافعی ابراهیم بن محمد حموینی با اسناد خود از خیثمه جعفری از ابی جعفر باقر علیه السلام روایت شده است که گفت: از ایشان شنیدم که در حدیثی می فرمود: ما چراغ کسی هستیم که از پر تو ما استفاده برد و راهیم برای آنکه از ما پیروی کند.^۲ مؤلف گوید: مراد از کلمه «ما» در اینجا و امثال آن اهل بیت علیهم السلام هستند که در طلیعه ایشان فاطمه زهرا علیها السلام قرار دارند؛ پس حضرتش یکی از تفسیرهای کلمه «راه» است که بر خداوند است که آن را نشان دهد.

﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ * بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ﴾؛

پس اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید * با دلایل روشن و نوشته ها.^۳

محمد بن جریر طبری در تفسیرش به سند خود از جابر از ابی جعفر درباره کلام

۱. سوره نحل، آیه ۹.

۲. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۵۳، ب ۴۸، ح ۵۲۳. در المناقب (از مصادر مهم شیعه) روایت کند: «سَبِيلُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ الْقَصْدُ وَ السَّبِيلُ الْوَاضِحُ» (راه ما اهل بیت راست و راه واضح است).

۳. سوره نحل، آیات ۴۳ و ۴۴.

الهی ﴿ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾ روایت کرد که فرمودند: ما خاندان پیامبر (ع) اهل ذکریم.^۱

و ابن کثیر دمشقی مانند آن را از ایشان در تفسیرش روایت نموده است^۲ و همچنین آلوسی در روح المعانی و دیگران.^۳

علاوه بر آن، چه بسا - و خداوند داناست - وجه تکرار این است که ذکر، در یکی از دو آیه به معنای پیامبر (ع) و در دیگری به معنای قرآن می باشد و اهل بیت اهل پیامبر (ع) و اهل قرآن می باشند آنگونه که حدیث شریف آن، در سوره انبیاء آیه ۷ خواهد آمد. مؤلف گوید: این مطلب در اینجا - سوره نحل - و سوره انبیاء تکرار شده است لذا به تبعیت از قرآن کریم ما نیز آن را تکرار نمودیم.

این بنا بر تکرار ظاهری است و الا دانشمندان علوم قرآن قائلند در قرآن تکراری نیست و این گونه موارد برای وجوه متعدد آن است و آن را «احکام القرآن و تفصیله» می نامند که ما قبلاً در بررسی آیه ۱۶۰ سوره اعراف کلمات برخی دانشمندان این فن را بیان کردیم.

از آنجا که سرور ما فاطمه زهرا (ع) جزء اهل بیت نبوت و معدن رسالت می باشند پس از اهل ذکر نیز هستند لذا این آیه کریمه از جمله آیات قرآن است که به جهت در برداشتن این برهان، در شأن و فضیلت ایشان نازل شده است.

﴿ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ ﴾

نعمت خدا را می شناسند، اما باز هم آن را انکار می کنند و اکثرشان کافرنند.^۴

۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۸. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۲۱۰؛ تفسیر

فرات الکوفی، ص ۲۳۵.

۲. تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۷۰.

۳. روح المعانی، ج ۱۴، ص ۱۳۴.

۴. سوره نحل، آیه ۸۳.

از فقیه شافعی ابراهیم بن محمد حموی با اسناد خود از خیثمه از باقر اهل بیت رضی الله عنه روایت شده که در حدیثی فرمودند: و ما از جمله نعمت‌های خدای عزّ وجل برای خلق هستیم.^۱

مؤلف گوید: از آنجا که مولای ما فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت می‌باشند این آیه شریفه از آیاتی است که در حق ایشان نازل شده است.

۱. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۵۳، ب ۴۸، ح ۵۲۳. از منابع شیعه نگاه شود به: بصائر الدرجات، ص ۶۳.

سورہی اسراء

شامل پنج آیہ :

۱. ﴿ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا ... وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۖ ﴾ .
 ۲. ﴿ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ ۖ ﴾ .
 ۳. ﴿ فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ۖ ﴾ .
 ۴. ﴿ يَتَّبِعُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ ۖ ﴾ .
-

﴿ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا
خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ
بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿

هنگامی که نخستین وعده فرارسد، بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم، تا میان خانه‌ها به جستجو درآیند، و این وعده‌ای است قطعی! * سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم و شما را به وسیله داراییها و فرزندانی یاری می‌کنیم و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می‌دهیم.^۱

از پیشوای عامه ابی جعفر محمد بن جریر به سند خود از زاذان از سلمان روایت شده که گفت: رسول خدا ﷺ به من فرمودند: خداوند تبارک و تعالی نبی و رسولی را مبعوث نفرمود مگر اینکه برای او دوازده نقیب و سرپرست قرار داد. گفتم: ای رسول خدا! این را از یهود و نصاری دانستم. سپس فرمودند: ای سلمان! آیا نقباء مرا می‌شناسی و دوازده نفری که خداوند برای امت من پس از من اختیار نموده است؟

عرض کردم: خدا و پیغمبرش بهتر می‌دانند. فرمودند: ای سلمان! خداوند مرا از نور پاک خود آفرید، مرا خواند پس او را

اطاعت کردم. از نور من علی را آفرید، او را نیز خواند اطاعت کرد، سپس از من و علی فاطمه را خلق کرد، و او را نیز خواند اطاعت کرد، آنگاه از من و علی و فاطمه حسن را آفرید، او را نیز فراخواند، اطاعت نمود. از من و علی و فاطمه و حسن، حسین را آفرید و فراخواند، اطاعت کرد. سپس خدا ما را به پنج اسم خود موسوم کرد: خدا محمود است و من محمد هستم. خدا علی است، و این هم علی است، خدا فاطر است و این هم فاطمه است. خداوند صاحب احسان است، این هم حسن است. خداوند محسن است این نیز حسین است.

از آن پس از ما و نور حسین، بقیه امامان نه گانه را آفرید، و آنها را به پیروی از خود دعوت کرد و آنها نیز پیش از آنکه آسمانی درست شود و زمینی پهن گردد و فرشته و بشری باشد، پذیرفتند و خدا را اطاعت کردند، نوری که او را پاک و منزّه می دانیم، به فرمان او گوش می دهیم و از وی اطاعت می کنیم.

سلمان گفت: عرض کردم: یا رسول خدا! پدر و مادرم فدایت گردند، کسی که اینان را بشناسد چه پاداشی دارد؟

فرمودند: ای سلمان! هر کس عارف به حق آنها باشد و به آنان اقتدا نماید، دوستان آنها را دوست بدارد، و از دشمنان آنان بیزاری جوید، به خدا قسم با ما خواهد بود. هر جا ما وارد شویم، آنها نیز وارد می شوند و هر جا مسکن کنیم آنها نیز ساکن می شوند. عرض کردم: ای رسول خدا! آیا می شود بدون اینکه اسامی و انساب آنها را بدانم، به آنها ایمان داشته باشم؟

فرمودند: نه سلمان.

گفتم: ای رسول خدا! آنها را تا حسین شناختم.

فرمودند: بعد از حسین سید العابدین علی بن حسین، و بعد از او فرزندش محمد بن علی شکافنده علم اولین و آخرین از انبیاء و مرسلین و بعد از او فرزندش جعفر بن محمد لسان صادق خداوند، و بعد از او موسی فرو برنده خشمش در راه خدای عزّ وجلّ، و بعد از او علی بن موسی، راضی به امر خدا، و بعد از او محمد بن علی

برگزیده خلق خداوند، و بعد از او علی بن محمد، راهنمای خلق به سوی خدا و بعد از او حسن بن علی امین سرّ خدا، و بعد از او محمد بن حسن هادی و مهدی ناطق و قائم بر حق خداوند است.

فرمودند: ای سلمان! تو و امثال تو که ولایت آنها را بپذیرد با معرفت آنها را درک می‌کنند (یعنی امام مهدی را در رجعت درک می‌کند).

سلمان گفت: خدا را بسیار شکر کردم. سپس عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من تا زمان آنها خواهم بود؟

فرمودند: ای سلمان این آیه را بخوان: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ۖ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۖ﴾.

سلمان گفت: گریه و شوقم شدت یافت و گفتم: ای رسول خدا! این معنی در زمان شما خواهد بود؟ (یعنی در زمان شما بوده و شما در وقت رجعت حضور دارید؟) فرمودند: به خدایی که محمد را به حق فرستاد، آری. در آن زمان من و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان نه گانه و هر کس که از ما و با ما و در میان ما باشد هستیم. بلکه به خداوند قسم ای سلمان.^۱

مؤلف گوید: این روایت شریف دلالت دارد بر اینکه تأویل دو آیه کریمه درباره رسول خدا و فاطمه و امامان دوازده گانه علیهم‌السلام می‌باشد. زمانی که به اذن خداوند متعال رجعت می‌کنند.

پس این دو آیه از آیاتی هستند که در فضیلت فاطمه زهرا علیها‌السلام نازل شده‌اند. بنابراین آن بانو مصداق تام «عباداً لنا» «بندگان ما» و مثال کامل «لکم» «برای شما» و ما بعد آن می‌باشند.

۱. دلائل الإمامة، ص ۴۴۸ و ۴۴۹؛ الهدایة الکبری، ص ۳۷۵. از منابع شیعه با اندکی اختلاف نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۶.

﴿وَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾

و حق خویشاوندان را به او بپرداز.^۱

از ثعلبی - در تفسیر خود - در تفسیر این آیه نقل شده است: منظور از آن، قرابت رسول خدا (ص) است.

سپس ثعلبی گوید: سُدی از ابی دیلمی روایت کند که گفت: علی بن حسین رضی الله عنه به مردی از اهالی شام فرمود: آیا قرآن خوانده‌ای؟
عرض کرد: بلی.

فرمود: آیا در سوره بنی اسرائیل این آیه را که فرمود: ﴿وَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ خوانده‌ای؟

عرض کرد: آیا شما نزدیکانی هستید که خداوند متعال دستور به پرداخت حقشان نموده؟
فرمود: بلی.^۲

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابوسعید سعدی با اسناد خود از ابی سعید خدری روایت می‌کند که گفت: هنگامی که این آیه شریفه بر پیامبر (ص) فرود آمد، پیامبر دخت ارجمندشان فاطمه را فرا خواندند و به ایشان فدک و عوالی را بخشیدند و فرمودند: این سهم توست که خداوند برای تو و فرزندان تو مقرر نموده است.^۳

یا قوت حموی در معجمش گوید: فدک روستایی به فاصله دو یا سه روز دورتر از مدینه است. زمین آن زراعی و خرّم است. در آن چشمه‌ای جوشان و نخل‌های بسیار وجود دارد.^۴

۱. سوره اسراء، آیه ۲۶.

۲. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۷۶؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۶۱. از منابع شیعه نگاه شود به: العمده، ص ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۲، ح ۳۱.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۰ و ۳۴۱.

اشاره: این روایت را حاکم حسکانی با سندهای دیگری نیز روایت کرده است: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۲. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۲۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۸.

۴. معجم البلدان، ماده «فدک».

﴿وَأِمَّا تُغْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا﴾؛

و هر گاه از آنان روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی، پس با آنان سخنی نرم بگوی.^۱

در کتاب «احقاق الحق» از مناقب کاشی از شیخ ابوبکر بن مؤمن شیرازی با اسناد خود از ابوذر غفاری آمده است:

این آیه درباره علی و فاطمه نازل شده است آنگاه که پادشاه حبشه ده کنیز به پیامبر خدا ﷺ هدیه نمود.^۲

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ﴾؛

کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای به پروردگارشان می‌جویند، کدام یک از آنها نزدیک‌ترند، و به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می‌ترسند.^۳

حافظ حسکانی حنفی گوید: محمد بن عبدالله بن احمد با اسناد خود از عکرمه درباره آیه: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ﴾ روایت کرد: ایشان پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ هستند.^۴

۱. سوره اسراء، آیه ۲۸.

۲. إحقاق الحق، ج ۳، ص ۵۵۰.

۳. سوره اسراء، آیه ۵۷.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۳.

سورہی کھف

شامل دو آیہ:

۱. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾.

۲. ﴿وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَى﴾.

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾؛

و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «آدم را سجده کنید» پس سجده کردند جز ابلیس.^۱

علامه بحرانی از قاضی ابی عمرو عثمان بن احمد - یکی از بزرگان عامه - با سندی که به ابن عباس می‌رسد از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که حضرت فرمودند: هنگامی که خطا آدم را فرا گرفت به اشباحی که در پیرامون عرش نور افشانی می‌کردند نظر افکند، سپس عرض کرد: خدایا! اشباحی می‌بینم که مانند من خلق شده‌اند آنها چیستند؟ فرمود: این نورها اشباح دو تن از فرزندان تو هستند. نام یکی محمد است. پیغمبری را با تو آغاز نموده و با او به پایان می‌رسانم. و دیگری برادر او و پسر برادر پدرش است که اسمش علی می‌باشد. محمد را با او استوار می‌سازم و به دست علی او را یاری می‌دهم. نورهایی که پیرامون آن دو مشاهده کردی، نور ذریه این پیامبر از این برادرش است. این پیامبر دخترش را به ازدواج او در می‌آورد همو که اولین کسی از مخلوقات است که به او ایمان آورده و او را تصدیق می‌کند بانوی زنان و او و ذریه‌اش را از آتش محفوظ می‌دارم. اسباب و انساب در روز قیامت گسسته می‌شوند مگر سبب و نسب او.

۱. سوره کهف، آیه ۵۰.

پس آدم برای سپاسگذاری از خداوند که آن را در ذریه او قرار داد سجده نمود. خداوند هم به عوض آن سجده امر نمود که فرشتگانش بر او سجده کنند.^۱

مؤلف گوید: این حدیث شریف را در تفسیر این آیه کریمه ذکر کردیم بدان سبب که دلالت دارد بر اینکه علت اصلی و ابتدایی برای واقعیت این آیه رسول خدا و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) می باشند پس آیه به ایشان اشاره دارد.

و فاطمه زهرا (علیها السلام) از جمله آن اشباح نورانی پیرامون عرش است بنابراین این آیه کریمه شامل ایشان نیز می شود.

﴿وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا﴾؛

و اما کسی که ایمان آورد و عمل شایسته انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.^۲

از فقیه شافعی ابراهیم بن محمد حموینی با اسناد خود از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه روایت است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: جبرئیل از سوی پروردگار به نزد من آمد و عرضه داشت: خدایت به تو سلام می رساند و می گوید: مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند و به تو و خاندانت ایمان دارند را مژده بهشت بده، پس نزد من پاداشی نیکوتر خواهند داشت.^۳

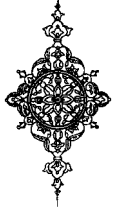
مؤلف گوید: بر اساس این حدیث شریف، منظور از کلمه «آمَنَ» در آیه کریمه، ایمان به پیامبر و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) می باشد و آن از شرائط ایمان به خداوند است پس

۱. غایة المرام، ص ۳۹۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. سوره کهف، آیه ۸۸.

۳. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۰۸ و ۲۶۴. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۷؛ جامع الأخبار، ص ۸۵.

ایمان به او مگر با ایمان به ایشان کامل نمی‌شود و فاطمه زهرا علیها السلام از آن روی که جزء
اهل بیت می‌باشند پس ایمان به حضرتش از شروط ایمان به خداوند می‌باشد.
و مطابقت جمله‌ی حدیث شریف قدسی با آیه کریمه وحدت مقصود در این دو را
نشان می‌دهد.



سورہی مریم ؑ

شامل یک آیه:

۱. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ۝﴾

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴾؛

خدای رحمان، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به زودی برای آنان محبتی قرار می‌دهد.^۱

علامه هیشمی گوید: سلفی از محمد بن حنفیه درباره این فرمایش الهی: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴾ روایت نمود که گفت: هیچ مؤمنی نیست جز اینکه در دل او محبتی به علی و اهل بیت او وجود دارد.^۲

و نیز مانند این را علامه شافعی، شبلینجی در نور الابصار روایت کرده است.^۳ مؤلف گوید: فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت می‌باشند لذا یکی از کسانی که مورد نظر ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴾ در این آیه می‌باشد ایشان هستند. خداوند رحمان برای او و ایشان محبتی در قلب مردان و زنان مؤمن قرار داده است.

۱. سوره مریم، آیه ۹۶.

۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۷۰؛ در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۶۴ آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: ای علی! بگو خدایا! محبت مرا در دل‌های مؤمنان جای ده. خدایا! برای من در نزد خودت عهد و پیمانی قرار ده. خدایا! برای من در نزد خود مودّتی قرار ده. پس خدای متعال این آیه را نازل نمود: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴾ هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای را نمی‌بینی مگر آنکه محبتی از اهل بیت علیهم السلام در قلب او قرار دارد.

۳. نور الابصار، ص ۱۱۲. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۵۱؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۳۱.

سورہی طہ

شامل چہار آیہ:

۱. ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾.
۲. ﴿إِلَّا مَن أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾.
۳. ﴿وَأُمِرَ أَهْلُكَ بِالصَّلَاةِ﴾.
۴. ﴿فَسَتَعْلَمُونَ مَن أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ﴾.

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾؛

و به یقین، من آمرزنده‌ی کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد سپس به راه راست هدایت شود.^۱

زرنندی حنفی محمد بن یوسف در کتاب «نظم در السمطین» از ثابت نبانی روایت کند که در تفسیر و توضیح این آیه گفت: کسی که به ولایت اهل بیت نبی ﷺ گرایش یابد، هدایت می‌شود.^۲

حافظ قندوزی از صاحب مناقب با سند خود از علی ﷺ روایت کند که گفت: به خدا قسم اگر مردی توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد ولی به ولایت و مودت و شناخت فضیلت ما هدایت نشود برایش سودی نخواهد داشت.^۳

و فاطمه زهرا ﷺ از اهل بیت می‌باشد بنابراین ولایت ایشان نیز از شرایط رسیدن به بخشش خداوند متعال است. پس کلمه «اهتدی» در این آیه کریمه در حق و شأن

۱. سوره طه، آیه ۸۲.

۲. نظم در السمطین، ص ۸۶.

اشاره: این روایت در زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۳، ص ۱۷۰ از تفاسیر روایی قرن ششم اهل سنت بدون کلمه «اهل» آمده است. از منابع شیعه نگاه شود به: بصائر الدرجات، ص ۷۸؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۰۹؛ متشابه القرآن، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. ینابیع المودة، ص ۱۱۰.

ایشان و فرزندان ایشان که برترین سلام و صلوات بر ایشان باد! نازل شده است.

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾؛

در آن روز، شفاعت سود نبخشد، جز کسی که رحمان به او اذن داده و به گفتار او راضی است.^۱

فقیه شافعی ابن حجر عسقلانی با اسناد خود از ابی هریره (رضی الله عنه) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت کند که فرمودند: هر که بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ» در روز قیامت، برای او گواهی می‌دهم و از او در پیشگاه خدا، شفاعت می‌کنم.^۲

مؤلف گوید: به مقتضای این حدیث شریف که به صورت متواتر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده است این آیه کریمه منطبق بر پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) ایشان می‌باشد پس اذن شفاعت به کسی داده می‌شود که بر او و ایشان درود فرستد که از جمله آنان بانوی زنان فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌باشند.

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾؛

و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر انجام آن شکیبائی ورز.^۳

فقیه شافعی جلال الدین سیوطی در تفسیر خود «الدر المنثور» گوید: ابن مردویه

۱. سوره طه، آیه ۱۰۹.

۲. فضائل الخمسه از فتح الباری، ج ۲؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵، ص ۲۱۷. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۸۷.

اشاره: در تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۱ (از منابع مهم شیعه) آمده است: ... شفاعت برای او (پیامبر (صلی الله علیه و آله)) و امامان از فرزندان او سپس برای انبیاست.

۳. سوره طه، آیه ۱۳۲.

و ابن عساکر و ابن نجار از ابی سعید خدری روایت نمود: هنگامی که آیه: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ﴾ نازل شد، پیامبر ﷺ به مدت هشت ماه وقت خروج برای نماز صبح در خانه علی می آمد و می فرمود: نماز، خدا شما را رحمت کند! ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^۱ «جز این نیست که خدا می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و مطهرتان گرداند».

مؤلف گوید: این حدیث شریف تصریح دارد بر اینکه: منظور از «أَهْلَكَ» در این آیه کریمه، علی و فاطمه و فرزندان ایشان ﷺ می باشند.

﴿فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾؛

به زودی خواهید دانست چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است!^۲

علامه بحرانی به صورت مرسل از اعمش از ابی صالح از ابن عباس در تفسیر این آیه شریفه ﴿فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ﴾ روایت کند که گفت: به خدا قسم «اصحاب الصراط السوی» محمد و اهل بیت او هستند.^۳

مؤلف گوید: با توجه به روایات متواتر فاطمه زهرا ﷺ، جزء اهل بیت بوده لذا از اصحاب صراط مستقیم در این آیه کریمه می باشند پس آیه در حق ایشان و بقیه اهل بیتشان ﷺ می باشد.

۱. الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۱۳؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کنیر)، ج ۶، ص ۳۶۵؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱ و ۱۳۴. از منابع شیعه نگاه شود به: الأمالی (طوسی)، ص ۲۵۱؛ الأمالی (صدوق)، ص ۵۳۳؛ بشارة المصطفی، ص ۲۳۵؛ تحف العقول، ص ۴۳۶.

۲. سوره طه، آیه ۱۳۵.

۳. غایة المرام، ص ۴۰۵؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۸۴؛ المناقب، ج ۳، ص ۷۳.

در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۹ آمده است: «... عن ابن عباس، قال: أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ هُوَ اللَّهُ مُحَمَّدٌ وَأَهْلُ بَيْتِهِ». (از ابن عباس است که گفت: اصحاب صراط مستقیم به خدا قسم که محمد و اهل بیت او هستند).

سورهی انبیاء ﷻ

شامل چہار آیہ:

۱. ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ .
- ۲-۴. ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ ... هَذَا يَوْمُكُمْ
الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ .

﴿ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾ ؛

اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید.^۱

حافظ حنفی سلیمان قندوزی در کتاب ینابیع المودة با سند خود از جعفر صادق رضی الله عنه روایت کند که فرمود: برای ذکر دو معنا وجود دارد: قرآن و محمد ﷺ و ما به هر دو معنا اهل ذکر هستیم.^۲

مؤلف گوید: «نحن» در اینجا به نص احادیث صحیح و متواتر - مانند هر موردی که یکی از اهل بیت ﷺ ذکر شوند - مجموع اهل بیت یعنی علی و فاطمه و یازده فرزندشان ﷺ می‌باشند.

﴿ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ * لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ * لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴾

بی‌گمان کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است از آن

۱. سوره انبیاء، آیه ۷.

۲. ینابیع المودة، ص ۱۱۹؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۴؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۷۰.

از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۲۱۰؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۱۹.

(آتش) دور نگاهداشته می شوند * صدای آن را نمی شنوند، و در آنچه دلهایشان بخواهد جاودانند * وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی کند و فرشتگان از آنها استقبال می کنند. این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابوالحسن فارسی با اسناد خود از علی کرم الله وجهه روایت می کند که فرمود: رسول خدا ﷺ به من فرمودند: ای علی! این آیهی شریفه دربارهی شما نازل شده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾^۲. همچنین او از ابی بکر سبیعی با اسناد خود از ابی عمر نعمان بن بشیر که از روایان علی می باشد - روایت می کند (علی فرمود: از رسول خدا شنیدم که می فرمود: ای علی! این آیه درباره شما نازل شده است) ﴿لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا﴾^۳. باز همو روایت کند: رسول خدا ﷺ فرمودند: ای علی! آیه ﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ﴾ درباره شما نازل شده است. مردم در موقف قیامت می جویند در حالی که شما در بهشت متنعم هستید.^۴

مؤلف گوید: هرکس در احادیث شریفی که از رسول خدا ﷺ باقی مانده جستجو کند، قطع پیدا می کند که مقصود از ضمیرهای جمع، اهل بیت هستند که از آن جمله بانوی زنان فاطمه زهرا (علیها السلام) است. بنابراین ایشان مصداق تام این آیه های مبارک می باشند.

۱. سوره انبیاء، آیات ۱۰۱-۱۰۳.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۰۰. از منابع شیعه نگاه شود به: تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۲۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۰۱. از منابع شیعه نگاه شود به: كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۲۰؛ كشف اليقين، ص ۳۸۲.

اشاره: آنچه بین پراتر آمده در چاپ شواهد التنزیل موجود نمی باشد. به حسب ظاهر آنچه حذف شده نه از نظر لفظ که از نظر معنا به قرینه روایات دیگر - مطابق آن چیزی است که ما آورده ایم.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸۴. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۷۹؛ الأمالی (صدوق)، ص ۵۶۱؛ بشارة المصطفی، ص ۱۸۰.

سورہی حج

شامل پنج آیہ :

۱. ﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ .
- ۲-۳. ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ... أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾ .
۴. ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ .
۵. ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَهُادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ .

﴿ ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴾؛

این است؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، در حقیقت آن نشانه تقوای دلهاست.^۱

حافظ قندوزی حنفی از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه روایت کند که حضرت در خطبه‌ای فرمودند:

ما شعائر و اصحاب و گنجینه‌ها و ابواب هستیم.^۲

مؤلف گوید: مقصود از کلمه «نحن» در اینجا و غیر آن، اهل بیت هستند کسانی که خداوند متعال آنها را مظهر امر و نهی و قدرتش قرار داد. و از جمله اهل بیت بانوی نمونه فاطمه زهرا (علیها السلام) است. این تأویل از امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) با کلمه شعائر منافات ندارد و اگر چه تفسیر و تأویل یا تنزیل آن درباره حج و شعائر آن می‌باشد، با این حال قرآن دارای ظاهر و باطنی است و باطن آن نیز باطنی دارد تا هفت بطن و هفتاد بطن.

﴿ أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴾ الَّذِينَ

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

۲. ینابیع المودة. از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۶.

أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ؛

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت جهاد داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و خدا بر پیروزی آنان تواناست * همانها که به ناحق از دیارشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز این که می‌گفتند: «پروردگار ما خداست».^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابوالحسین با اسناد خود از زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) درباره این کلام الهی: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا...﴾ تا پایان آیه و ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ...﴾ روایت می‌کند که فرمود: درباره ما نازل شده است.^۲ مؤلف گوید: یعنی درباره ما اهل بیت. و فاطمه زهرا (ع)، از اهل بیت می‌باشد. پس این آیه کریمه شامل ایشان نیز بوده و در فضیلت و مقام آن بانو می‌باشد.

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾؛

همان کسان که اگر در زمین به آنها قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و فرجام همه کارها از آن خداست.^۳

حافظ حسکانی حنفی از فرات بن ابراهیم با اسناد خود از ابی جعفر درباره این

۱. سوره حج، آیات ۳۹ و ۴۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۹۹. از منابع شیعه نگاه شود به: المناقب، ج ۴، ص ۱۷۹. در تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۳۵ گوید: «حدثنا مولانا موسى بن جعفر عن أبيه (ع) في قول الله عز وجل ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾ قال: نزلت فينا خاصة في أمير المؤمنين و ذريته و ما ارتكب من أمر فاطمة (ع). (مولای ما موسی بن جعفر از پدرش (ع) درباره فرمایش خدای عز و جل أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ فرمودند: در خصوص ما نازل شده است. درباره امیرالمؤمنین و ذریه ایشان و آنچه درباره فاطمه (ع) مرتکب شدند).

۳. سوره حج، آیه ۴۱.

فرمایش خدای متعال روایت می‌کند که فرمودند: به خدا قسم این آیه درباره ما نازل شده است.^۱

مؤلف گوید: مانند آیه قبل یعنی درباره ما اهل بیت و سرور بانوان فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت می‌باشند پس در ضمن تفسیر این آیه شریفه می‌باشند و از کسانی هستند که چون خداوند آنان را در زمین قدرت بخشد نماز را بر پا می‌دارند.

﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛

و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، به سوی صراط مستقیم راهبر است.^۲

حافظ حسکانی حنفی گوید: علی بن موسی بن اسحاق با اسناد خود از ابی جعفر برایم حدیث نمود که فرمود: آل محمد، صراطی هستند که خداوند بدان راهبری نمود.^۳
مؤلف گوید: بنابراین فاطمه زهرا علیها السلام که محبوبترین آل محمد در نزد آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌باشند صراط مستقیمی است که خداوند سبحان در قرآن حکیم بدان راهنمایی نموده است.
پس مؤمنان را خداوند متعال به مودّت و ولایت اهل بیت هدایت می‌کند که از آن جمله فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰. همو با اسناد خود از زید بن علی روایت کند که فرمود: چون قائم آل محمد قیام کند می‌فرماید: ای مردم! ما کسانی هستیم که خدای بزرگ در کتابش به شما وعده داده بود: «همان کسانی که چون در زمین به آنها قدرت بخشیم». (شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۲۳). از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرائد الکوفی، ص ۲۷۳.

۲. سوره حج، آیه ۵۴.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۶۱. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۸۴.

سورہی مؤمنون

شامل چہار آیہ:

۱. ﴿وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾.
 ۲. ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كَبُونٌ﴾.
 ۳. ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾.
 ۴. ﴿إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا﴾.
-

﴿وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛

به طور قطع، این تویی که آنان را به راه راست دعوت می‌کنی.^۱

حافظ حنفی سلیمان قندوزی در کتاب ینابیعش از فقیه شافعی حموینی محمد بن ابراهیم با سند خود از علی کرم الله وجهه روایت می‌کند که فرمود: صراط، ولایت ما اهل بیت است.^۲

مؤلف گوید: از آنجا که فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت می‌باشند، پس مراد از صراط در این آیه کریمه‌ی ولایت ایشان و بقیه اهلشان علیهم السلام می‌باشد که پیامبر ایشان را به آن دعوت می‌کند.

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ﴾؛

و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از این راه سخت منحرفند.^۳

۱. سوره مؤمنون، آیه ۷۳.

۲. ینابیع المودة، ص ۱۱۴. همانگونه که در ذیل آیات متعددی اشاره شده است، منظور از «صراط مستقیم» ولایت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌باشد.

در این باره مراجعه شود به شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۶ به اسناد خود از عبد الله بن عباس، ذیل آیه شریفه ﴿وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۲.

۳. سوره مؤمنون، آیه ۷۴.

حافظ حنفی سلیمان قندوزی در کتاب ینابیع المودة گوید: در کتاب المناقب از زید بن موسی الکاظم از پدرش، از پدرانش، از امیرالمؤمنین علی رضی الله عنهم درباره این آیه آمده است که حضرت فرمودند: از ولایت ما اهل بیت.^۱

مؤلف گوید: پس مولای ما فاطمه زهرا (ع) از کسانی می باشند که غیر مؤمنان در آخرت از ایشان و بقیه خانواده شان منحرف می باشند.

﴿ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴾؛

هنگامی که در «صور» دمیده شود، آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از (حال) یکدیگر نمی پرسند.^۲

علامه مناوی در «فیض القدير» با اسناد خود از عمر بن خطاب از رسول خدا (ص) روایت می کند که فرمودند: هر سبب و نسبی در قیامت از هم گسسته می شود مگر سبب و نسب من.^۳

و حاکم حسکانی حنفی گوید: عقیل بن حسین با اسناد خود از عطاء از عبدالله بن عباس به ما خبر داد که گفت: رسول خدا (ص) فرمودند: هر حسب و نسبی در روز قیامت منقطع می شود مگر حسب و نسب من. اگر خواستید آیه ی: ﴿ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴾ را تلاوت کنید.^۴

مؤلف گوید: فاطمه زهرا (ع) بانوی نسب و حسب متصلان به رسول خدا (ص) است؛ بنابراین در صدر استثناء شدگان از این آیه کریمه می باشند.

۱. ینابیع المودة، ص ۱۱۴؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۲۴. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۱۸۴؛

بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۵۲.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۱۰۱.

۳. فضائل الخمسة، ج ۲؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۸، ص ۱۱.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۷. از منابع شیعه نگاه شود به: مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۷؛

بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۱۹.

﴿إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾؛

من (هم) امروز به آنان که صبر کردند، پاداش دادم. آری، آنها پیروز و رستگارند.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: عقیل با اسناد خود از عبدالله بن مسعود درباره این آیه‌ی شریفه: ﴿إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ به ما خبر داد: یعنی امروز بهشت را به آنان پاداش دادم به واسطه صبر علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین در دنیا بر طاعات و گرسنگی و فقر که برای خدا متحمل شدند. «آنها پیروز و رستگارند» و نجات یافتگان از حسابند.^۲

۱. سوره مؤمنون، آیه ۱۱۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۸. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۳.

سورہی نور

شامل پنج آیہ :

۱. ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾.
 - ۲-۴. ﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ ... وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.
 ۳. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾.
-

﴿ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارُ نُورٍ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾؛

خداوند نور آسمانها و زمین است. مِثْل نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی پرفروغ باشد، و آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شیشه‌ای همچون اختری درخشنده، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی (آن چنان روغنش صاف و خالص است که) نزدیک است روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد. نوری است بر فراز نوری. خدا هر کس را خواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خداوند به هر چیزی داناست.^۱

ابوبکر حضرمی در کتابش «رشفة الصادی» با سند خود از ابوالحسن رضی الله عنه روایت می‌کند که حضرت فرمودند:

﴿ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ﴾ مقصود از «مشکات» فاطمه و «مِصباح»

حسن و حسین هستند.

﴿الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ منظور از ستاره‌ی درخشان «کوکب دره» گویا فاطمه است که همچون اختری درخشنده در بین زنان عالمیان است.

﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ منظور ابراهیم (علیه السلام) است.

﴿لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ منظور از عدم شرقی و غربی عدم یهودیت و نصرانیت می‌باشد.

﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ فرمود: منظور از شعله و روشن شدن نور آن است که نزدیک است علم از او جریان یابد.

﴿وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ﴾ از ذریه او امامی پس از امامی دیگر.

﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ یعنی خداوند هر کس را بخواهد به ولایت ما هدایت می‌کند.^۱

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة يخافون يوماً تتقلب في القلوب والأبصار﴾ ليجزيهم الله أحسن ما عملوا ويزيدهم من فضله والله يرزق من يشاء بغير حساب﴾؛

در خانه‌هایی که خدا رخصت داده تا (قدر و منزلت) آنها رفعت یابند و نام او در آنها برده می‌شود. در آن (خانه) ما هر بامداد و شامگاه تسبیح او را می‌گویند * مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد، و از روزی که دلها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود می‌هراسند * تا خدا بهتر از آنچه انجام دادند، به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید، و خدا هر که را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد.^۲

۱. رشفة الصادي، ص ۲۸ و از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۸، ص ۳۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۹.

۲. سوره نور، آیات ۳۶-۳۸.

علامه آلوسی در تفسیر خود از ابن مردویه از انس بن مالک و از بریده نقل کند که گفتند: رسول خدا ﷺ این آیه را تا «الْأَبْصَارُ» تلاوت فرمودند: مردی به پا خاست و عرضه داشت: ای رسول خدا! این خانه‌ها کدامند؟ فرمودند: خانه‌های انبیاء.

در آن هنگام ابوبکر ایستاد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا این خانه (خانه‌ی علی و فاطمه) نیز از آن جمله است؟ فرمودند: بلی از برترین آنهاست.

از تفسیر مجاهد و ابی یوسف، یعقوب بن سفیان از ابن عباس روایت می‌کند که گفت: دحیه‌ی کلبی روز جمعه‌ای از شام همراه با میره (نوعی غذا) باز می‌گشت. در احجار الزیت پایین آمد و بر دُهلّی زد تا آنکه مردم از آمدن او با خبر شوند. عده‌ای از مردم به سمت او شتافتند مگر علی و حسن و حسین و فاطمه و سلمان و ابوذر و مقداد و صهیب، و پیامبر ﷺ را که در آن هنگام بر منبر خطبه می‌خواندند رها کردند. سپس پیامبر ﷺ فرمودند: روز جمعه خداوند به مسجد من نظر افکند و اگر این هشت نفری که در مسجد نشستند نبودند مدینه با اهل آن در آتش قرار می‌گرفت و مانند قوم لوط به عذاب بارش سنگ دچار می‌شدند و درباره آنها این آیه نازل شد: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ﴾^۱.

مؤلف گوید: این آیات سه گانه را با آنکه در حدیث تنها دو آیه وجود دارد ذکر کردیم چرا که آیه سوم تتمه دو آیه قبل می‌باشد و درباره کسانی نازل شده که دو آیه اول درباره آنها نازل گردیده است. ملاحظه فرمایید.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۰۷.

اشاره: در برخی مصادر فرقین تعداد این اشخاص دوازده نفر ذکر شده است. (التفسیر المظهری، ج ۹، ص ۲۹۹؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۵۹).

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ
بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
وعده داد که به طور حتم آنان را در زمین جانشین (خود) خواهد کرد، همان
گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که
برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و بیمشان را به ایمنی
مبدل گرداند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند
ساخت و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.^۱

حافظ حاکم حسکانی حنفی از تفسیر فرات بن ابراهیم با اسناد خود از قاسم بن
عوف روایت کند: از عبدالله بن محمد شنیدم که می‌گفت: آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ برای ما اهل بیت است.^۲

مؤلف گوید: از آن روی که فاطمه زهرا (علیها السلام) از اهل بیت می‌باشند آیه کریمه در شأن و
فضل ایشان است. یعنی خداوند اهل بیت را به خلافت در زمین وعده داد.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۳. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات کوفی، ص ۲۸۹.

سورهی فرقان

شامل چهار آیه:

۱. ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا﴾.
۲-۴. ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا ... حَسَنَتٍ مُسْتَقَرًّا
وَمُقَامًا﴾.
-

﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ۝ ﴾

و اوست کسی که از آب، بشری آفرید آن گاه او را نسب و سبب قرار داد (ونسل او را از این دو طریق گسترش داد)، و پروردگارت همواره تواناست.^۱

عالم حنفی حافظ سلیمان قندوزی از ابی نعیم حافظ و از فقیه شافعی ابن مغازلی روایت می کند، آن دو با سند خود از سعید بن جبیر، از ابن عباس روایت نمودند که گفت: این آیه درباره پنج تن آل عبا نازل شد.

آنگاه ابن عباس گفت: مراد از «ماء» (آب) نور پیامبر ﷺ است که قبل از آفرینش مخلوقات بوده است. سپس خداوند آن را در صلب آدم به ودیعه نهاد و از صلبی به صلب دیگر منتقل نمود تا اینکه به صلب عبدالمطلب رسید و دو قسمت شد بخشی را در صلب عبدالله قرار داد و پیامبر به دنیا آمدند و بخشی را در صلب ابوطالب گذاشت و علی به وجود آمد، سپس عقد ازدواج را تشریع نمود و علی را به ازدواج فاطمه درآورد و حسن و حسین به وجود آمدند.^۲

﴿ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

۱. سوره فرقان، آیه ۵۴.

۲. ینابیع المودة، ص ۱۱۸. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات کوفی، ص ۲۹۲.

لِّلْمُتَّقِينَ إِمَامًا * أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً
وَسَلَاماً * خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَاماً *؛

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان
آن ده که مایه روشنی چشمان باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان!» *
آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده
می شود و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد * در آنجا، جاودانه
خواهند ماند. چه قرارگاه و محل اقامت خوبی! ^۱

حاکم حسکانی حنفی از فرات با اسناد خود از ابی سعید خدری درباره این
فرمایش الهی: ﴿ هَبْ لَنَا ﴾ روایت کند:

پیامبر ﷺ فرمودند: از جبرئیل پرسیدم: ای جبرئیل! ازواج ما چه کسانی هستند؟
جبرئیل گفت: خدیجه.

حضرت فرمودند: منظور از ذریه ما چه کسانی هستند؟
جبرئیل گفت: فاطمه.

سؤال کردم: و نور چشمان کیانند؟
گفت: حسن و حسین.

پیامبر فرمودند: ﴿ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً ﴾ کیست؟
جبرئیل گفت: علی (علیه السلام). ^۲

مؤلف گوید: اگر چه در حدیث تنها به آیه اول اشاره شده است ولی ما به هر سه آیه
اشاره کردیم چرا که آن دو آیه در حکم محمول برای موضوع و خبر برای مبتدا و
نتیجه برای قضیه در قیاس می باشند.

۱. سوره فرقان، آیات ۷۴-۷۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۶. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات کوفی، ص ۲۹۴؛ المناقب، ج ۳،

ص ۳۸۰؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۷.

سورهی شعراء

شامل دو آیه:

۱. ﴿فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ﴾.
۲. ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾.

﴿فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ﴾

پس آنها و همه گمراهان در آن افکنده می‌شوند.^۱

حافظ حنفی حاکم حسکانی گوید: از قاضی ابوالحسین نصیبی با اسناد خود از ابی‌عبدالله جدلی به ما خبر داد که گفت: بر علی بن ابی‌طالب وارد شدم، فرمود: ای اباعبدالله! آیا از حسنه‌ای که هر که آن را انجام دهد به واسطه آن خدا او را وارد بهشت می‌کند و گناهی که اگر مرتکب شود خداوند او را با رو بر آتش افکند و هیچ عملی را با وجود آن قبول نکند، خبر دهم؟

عرض کردم: بلی ای امیرالمؤمنین!

فرمود: آن حسنه دوستی ما، و آن گناه بغض ماست.^۲

مؤلف گوید: ضمیر متکلم مع الغیر «نا» در «حبنا» و «بغضنا» به اهل بیت یعنی: علی و فاطمه و حسن و حسین و یازده فرزند ایشان (علیه السلام) باز می‌گردد و بر آن - همانطور که بارها گفته‌ایم - کتب صحاح حدیث و تفسیر و تاریخ عموم مذاهب مسلمین تصریح دارند.

۱. سوره شعراء، آیه ۹۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۶. در برخی مصادر فریقین، مانند این روایت در ذیل آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ» آمده است. (تفسیر القرآن العظیم) (ابن ابی‌حاتم)، ج ۹، ص ۳۰۲۴؛ أعلام الدین، ص ۴۴۸؛ الأمالی (طوسی)، ص ۴۹۳.

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾؛

و آنها که ستم کردند به زودی می دانند که بازگشتشان به کجاست!^۱

علامه شافعیان شیخ ابراهیم حموی در کتاب «فرائد السمطين» با سند خود روایت می کند: رسول خدا (ﷺ) در حدیثی طولانی فرمودند:

حسن و حسین دو امام امت من پس از پدرشان می باشند و این دو سرور جوانان اهل بهشت هستند. مادرشان بانوی زنان عالمیان و پدرشان آقای اوصیاست. امامان نه گانه از ذریه حسین هستند که نهمین آنها قائم از فرزندان من است. اطاعت از آنها اطاعت من و معصیتشان مخالفت با من است. به خداوند از منکرین فضلشان و از بین برنده حرمتشان پس از خود به خدا شکایت می برم و کافی است که خداوند ولی و یاور عترت من و پیشوایان امت و انتقام گیرنده از منکران حقشان باشد...

سپس پیامبر (ﷺ) این آیه را قرائت فرمودند: ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ

يَنْقَلِبُونَ﴾.^۲

۱. سوره شعراء، آیه ۲۲۷.

۲. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۸۹. از منابع شیعه نگاه شود به: کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰، البرهان، ج ۵، ص ۵۲۰، ج ۵.

سورهی نمل

شامل دو آیه:

۱- ۲. ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا ... هَلْ تُجْزَوْنَ
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.



﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ * وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾.

هر کس نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت، و آنان از وحشت آن روز در امانند! * و آن که بدی به میان آورد، به صورت در آتش سرنگون شوند. آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید، خواهید داشت؟!^۱

علامه میر محمد صالح ترمذی حنفی در کتاب خود «مناقب مرتضوی» گوید: از علی کرم الله وجهه در تفسیر و توضیح این کلام الهی روایت شده که فرمودند: نیکی، دوستی ما اهل بیت و بدی، بغض ما اهل بیت است. کسی که آن را انجام دهد خداوند او را با رو در آتش می افکند.^۲

مؤلف گوید: شکی نیست برای کسی که چیزی ولو اندک از کتب حدیث شریف از صحاح و مسانید بخواند، خواهد دانست که مراد از «اهل بیت» علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین علیهم السلام است.

۱. سوره نمل، آیات ۸۹ و ۹۰.

۲. مناقب مرتضوی، ص ۶۰.

اشاره: در بخش مربوط به سوره مبارکه شعراء به برخی موارد اشاره کردیم.



سورهی قصص

شامل سه آیه :

۱- ۲. ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ... مَا تُكِنُّ

صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ .

۳. ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا﴾ .

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى
عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝

و پروردگار تو هر چه بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند، و آنان اختیاری
ندارند. منزّه است خدا، و از آنچه شریک می‌گردانند برتر است * و پروردگار
تو می‌داند آنچه را که سینه‌هایشان پنهان می‌دارد و آنچه را آشکار می‌سازند! ۱

از محمد بن مؤمن شیرازی - که از مشایخ اهل سنت می‌باشد - در کتاب خود
«المستخرج من التفاسیر الاثنی عشر» درباره تفسیر این فرمایش الهی: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ
مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ آمده است:

به صورت مرفوع از انس بن مالک روایت کند که گفت: از رسول خدا ﷺ درباره
این آیه سوال کردم. حضرت فرمودند: خداوند آدم را از گل، هرگونه که خواست
خلق نمود و برگزید. خداوند متعال من و اهل بیتم را بر همه مخلوقات برگزید و مرا
رسول قرار داد و علی بن ابی طالب را وصی من نمود.

سپس فرمود: ﴿مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ یعنی: برای بندگان اختیار انتخاب قرار ندادم
و لکن هر آنچه را بخواهم برمی‌گزینم پس من و اهل بیتم از میان خلق او امتیاز دار و
برگزیده او هستیم.

سپس فرمود: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ﴾ یعنی تنزیه برای خدا.
 ﴿عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ از شریک‌هایی که کفار مکه برای او قائل می‌شوند.
 سپس خداوند متعال فرمود: ﴿وَرَبُّكَ﴾ یعنی ای محمد!
 ﴿يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ﴾ پروردگار دشمنی و کینه‌ای را که منافقان نسبت به تو و اهل بیت در سینه‌هایشان پنهان می‌دارند، می‌داند.
 ﴿وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ و از محبتی که نسبت به تو و اهل بیت تو آشکار می‌سازند، آگاه است.^۱
 مؤلف گوید: فاطمه زهرا (علیها السلام) از اهل بیت است لذا از کسانی است که خداوند متعال او را برگزیده است. همچنین از آنهاست که منافقان دشمنی او را در دل دارند و دوستی او را آشکار می‌سازند. بنابراین آن حضرت مشمول تنزیل این دو آیه کریمه می‌باشند.

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛

کسی که کار نیکی انجام دهد، برای او پاداشی بهتر از آن خواهد بود و هر کس بدی به میان آورد، مجازات بدکاران جز اعمالشان نخواهد بود.^۲

حاکم حسکانی حنفی گوید: احمد بن عبدالله بن احمد با اسناد خود از ابی جعفر به ما خبر داد که می‌گفت: ابو عبدالله جدلی حضور امیرالمؤمنین رسید و فرمود: ای اباعبدالله! می‌خواهی تو را از رمز و راز کلام الهی: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ﴾ تا آنجا که فرمود: ﴿يَعْمَلُونَ﴾ آگاه کنم؟
 ابو عبدالله گفت: بلی فدایتان شوم.

حضرت فرمود: نیکی، دوستی ما اهل بیت است و بدی، دشمنی و کینه ماست.

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. سوره قصص، آیه ۸۴.

سپس این آیه را قرائت فرمود: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.^۱

مؤلف گوید: دوستی و محبت فاطمه زهرا علیها السلام حسنه‌ای است که خداوند پاداشی برتر از آن می‌دهد و بغض آن بانو سیئه‌ای است که خداوند سبوحان عقوبت آن را نمی‌دهد مگر به چیزی همانند آن.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۴۲۵ و ۴۲۶.

اشاره: در بخش مربوط به سوره مبارکه شعراء به برخی موارد اشاره کردیم.

سورہی عنکبوت

شامل دو آیہ:

۱. ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ﴾ .

۲. ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ .



﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛

و کسانی که به آیات خدا و لقای او کافر شدند، از رحمت من مأیوسند و برای آنها عذاب دردناکی است!^۱

علامه بحرانی از فقیه حنفی موفق بن احمد خوارزمی با اسناد خود از مالک بن انس (پیشوای مذهب مالکیه)، از نافع، از ابن عمر روایت کند که گفت: رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمودند:

«آگاه باشید هر کس با آل محمد دشمنی کند در روز قیامت آنگاه که وارد شود در بین چشمانش نوشته شده است: از رحمت خداوند مأیوس است».

سپس علامه بحرانی در ادامه آورده است: مؤلف این کتاب گوید: اما موفق بن احمد از اهل سنت و حنفی است و مالک بن انس کسی است که فرقه مالکیه یکی از فرقه‌های چهارگانه‌ی اهل سنت به او منتهی می‌شود.

نافع همان ابن الزرق عبد عمر بن خطاب و از خوارج می‌باشد. و ابن عمر عبدالله از سران ناصبیان است. همان کسانی که با علی بن ابی طالب بیعت نکردند. و این



روایت از جمله روایات شگفت انگیزی است که ایشان با آنکه از دشمنان آن حضرت می باشند روایت کرده اند.

مؤلف گوید: نافع بن ازرق: او کسی است که حاکم حسکانی با اسناد خود از ابی هارون عبدی درباره او گفته است: روزی همراه ابن عمر نشسته بودم که نافع بن ازرق وارد شد و گفت: به خدا قسم من دشمن علی هستم. او (یعنی ابن عمر) گفت: خدا دشمن تو باشد. آیا با مردی دشمنی که سابقه ای از سوابق او از دنیا و آنچه در آن است برتر است؟!^۱

ابن عمر: محدث قمی از او روایت می کند که گفت: هنگامی که حجاج (بن یوسف) وارد مکه شد و ابن زبیر را به دار آویخت، عبدالله بن عمر نزد او رفت و گفت: دستت را پیش بیاور تا با تو برای عبدالملک بیعت کنم. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس بمیرد و امام زمان خود را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است».

حجاج پای خود را جلو آورد و گفت: پایم را بگیر، چرا که دستم مشغول است.

ابن عمر گفت: مرا مسخره می کنی؟

حجاج گفت: ای احمق بنی عدی! تو با علی بیعت نکردی و امروز آمده ای و می گویی هر کس بمیرد و امام زمانش را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است، آیا علی امام زمان تو نبود؟ به خدا قسم! برای بیان کلام رسول خدا ﷺ نزد من نیامده ای، بلکه به جهت ترسی که از آن درختی که ابن زبیر بر آن به دار آویخته شده آمده ای؟!^۲

به مقتضای این حدیث شریف - که بزرگان در تفسیر این آیه کریمه ذکر کرده اند - و روایات بسیار دیگر، سرنوشت کسی که با فاطمه زهرا (علیها السلام) دشمنی ورزد یأس از رحمت خداوند متعال است.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۱۴. از منابع شیعه نگاه شود به:

بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۲۰؛ أعلام الدین، ص ۴۶۴؛ مئة منقبة، ص ۱۷۰.

۲. سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۳۶.

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛

کسانی که در راه ما جهاد کردند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایم و خداوند با نیکوکاران است.^۱

حاکم حسکانی حنفی گوید: فرات بن ابراهیم با اسناد خود از ابان بن تغلب از ابی جعفر درباره آیه شریفه ﴿لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ روایت می‌کند که حضرت فرمودند:

این آیه درباره‌ی ما اهل بیت نازل شده است.^۲

مؤلف گوید: و بانوی زنان فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت هستند پس ایشان راهی به سوی خداوند متعالند و بقیه اهل بیت - یعنی پدرشان و همسر و فرزندان‌شان - همگی راه‌هایی به سوی خداوند بزرگ محسوب می‌شوند.

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۴۲. از منابع شیعه نگاه شود به: الاختصاص، ص ۱۲۷؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۲۴؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۳۲۰.

سورہی (۱۰)

شامل یک آیه:

۱. ﴿فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾

﴿ فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ ﴾ ؛

پس حق خویشاوندان را بده!^۱

حاکم حسکانی حنفی گوید: عقیل بن حسین با اسناد خود از ابن عباس به ما خبر داد: وقتی آیه: ﴿ فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ ﴾ نازل شد، رسول خدا ﷺ فاطمه را فراخواندند و سرزمین فدک را به ایشان عطا فرمودند که آن به سبب پیوند خویشاوندی بود.^۲

مؤلف گوید: دسته بزرگی - که به ده‌ها می‌رسند - از احادیث شریفه در عموم کتاب‌های حدیث و تفسیر و تاریخ مذاهب مختلف مسلمانان از پیامبر ﷺ وارد شده است که نزول این آیه کریمه برای بخشیدن فدک به فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان بخششی از سوی رسول خدا ﷺ به فرمان الهی بوده است، که به جهت اختصار تنها یک حدیث از این مجموعه عظیم را بیان کردیم.

دانشمندان مسلمان - در مذاهب مختلف - کتاب‌های ویژه‌ای درباره فدک نوشته‌اند که در آنها به تفصیل از این واقعه تاریخی اصیل و مهم سخن گفته‌اند.

۱. سوره روم، آیه ۳۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۴۳. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۷؛ الطرائف، ج ۱، ص ۲۵۴.

سورهی امزاب

شامل دو آیه:

۱. ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ ﴾ .
۲. ﴿ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾ .

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾؛

خداوند چنین اراده فرموده که آلودگی را از شما اهل بیت دور کند و شما را از هر عیب پاک و پاکیزه سازد.^۱

عموم مفسران و محدثان و مورخان، اجماع بر این دارند که مقصود از «اهل بیت» خمسه طویه یعنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند.

بلاذری گوید: ابوصالح فراء با اسناد خود از انس بن مالک برایم روایت نمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شش ماه برای حضور در نماز صبح از در خانه فاطمه عبور می فرمودند و ندا سر می دادند: ای اهل بیت! وقت نماز است ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾.^۲

فیروزآبادی از طحاوی حنفی در کتاب «مشکل الآثار» با سند خود از ام سلمه آورده است که گفت: این آیه درباره رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده است: ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾.^۳

همچنین ابوداود طیالسی در مسند خود با اسنادش از انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳. فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۲۱۹.

آورده است: ایشان به مدت یک ماه قبل از نماز صبح از در خانه فاطمه عبور می‌کردند، می‌ایستادند و می‌فرمودند: نماز! ای اهل بیت، ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾^۱.

در مسند امام احمد بن حنبل با اسناد خود از امّ سلمه آمده است: رسول خدا (ﷺ) به فاطمه فرمودند: همسر و دو فرزندت را نزد من بیاور. ایشان را آوردند. پیامبر کسائی پاک را بر ایشان انداختند و فرمودند:

«بار پروردگارا! اینان «آل محمد» اند، پس صلوات و برکات را بر آنان بفرست که تو ستوده و بزرگواری»^۲.

در مستدرک الصحيحین - آنگونه که علامه فیروز آبادی ذکر کرده است - با اسناد خود از عامر بن سعد، از سعد بن ابی وقاص آمده است که می‌گفت: او را (یعنی علی بن ابی طالب) دشنام نمی‌دهم تا زمانی که به یاد دارم وحی بر او (یعنی پیامبر) نازل شد، پس حضرت دست علی و دو پسرش و فاطمه را گرفت و در زیر پوشش خود درآورد و فرمود: «خداوندا، اینان اهل بیت من هستند»^۳.

فقیه شافعی جلال الدین بن ابی بکر سیوطی در تفسیر خود با اسنادش از سعد روایت می‌کند که گفت: وحی بر پیغمبر (ﷺ) نازل گردید پس حضرت، علی و فاطمه و دو فرزندش را به زیر پوشش خود درآورد و فرمود: «پروردگارا! اینان خاندان مخصوص من و اهل بیتم هستند»^۴.

علامه فیروز آبادی از هیشمی در کتاب «مجمع الزوائد» از وائل بن اسقع آورده است: به منظور دیدن علی خارج شدم. به من گفته شد: او در نزد رسول خدا (ﷺ) است. پس به سوی ایشان رهسپار شدم. در نیستان رسول خدا آنان را یافتم در حالی که علی و فاطمه

۱. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۰۷.

۳. فضائل الخمسة، ج ۲.

۴. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵، ص ۱۹۹.

و حسن و حسین را در زیر پوشش خود گرفته بود و می‌فرمود: «خداوندا! تو آن کسی هستی که صلوات و رحمت و مغفرت و رضوانت را بر من و بر ایشان قرار دادی».^۱

مفسر معاصر محمد عزه دروزه در تفسیر خود به نام «التفسیر الحدیث» که سوره‌ها را به ترتیب نزول و نه ترتیب معمول نوشته است، گوید: «و از آن جمله است حدیثی که مسلم و ترمذی از امّ سلمه امّ المؤمنین روایت کرده‌اند. در آن آمده است: آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ در خانه‌ی من نازل شد پس پیامبر ﷺ علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواندند و آنان را در حالی که علی پشت سر مبارکش بود، در زیر کساء قرار دادند و فرمودند: خداوندا! اینان اهل بیت من هستند از آنها رجس و پلیدی را دور کرده و پاکشان نما. گفتم: آیا من هم از آنانم؟ فرمودند: نه، تو در جایگاه خود هستی. تو بر خیر خواهی بود».^۲

علامه مراغی - احمد مصطفی استاد شریعت اسلامی و زبان عربی در دانشکده دارالعلوم مصر - در تفسیر خود گوید: «ابن عباس گفت: شاهد بودیم که پیامبر ﷺ نه ماه هر روز پنج مرتبه هنگام هر نماز به در خانه علی بن ابی طالب می‌آمدند و می‌فرمودند: «سلام و رحمت خدا بر شما باد! خداوند فقط می‌خواهد آلودگی را از شما اهل بیت دور کند و شما را به طور ویژه پاک سازد. نماز، خدا شما را رحمت کند»».^۳

شیخ امام خطیب شربینی فقیه شافعی، در تفسیر خود «السراج المنیر» گوید: امّ سلمه رضی الله عنها گفت: در خانه من آیه‌ی ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ نازل گردید. سپس رسول خدا ﷺ به دنبال فاطمه و علی و حسن و حسین فرستادند و فرمودند: اینان اهل بیت من هستند.^۴

۱. فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. التفسیر الحدیث، ج ۸، ص ۲۶۱.

۳. تفسیر المراغی، ج ۲۲، ص ۷.

۴. تفسیر السراج المنیر، ج ۳، ص ۲۴۵.

مانند آن راه یک معنا و یک نتیجه و واقعیتی غیر متناقض - اگر چه در الفاظ متعدد و راویان مختلف و اسناد بسیار باشد - بسیاری از غیر اینان روایت کرده‌اند که تنها نمونه‌ای از آنها را که در تألیفاتشان آورده‌اند ذکر می‌نماییم تا بر جوینده سهل باشد:

- امام فخر رازی در تفسیرش.^۱
- نیشابوری شافعی در تفسیرش.^۲
- مسلم در صحیح.^۳
- امام طبری در تفسیرش.^۴
- بیهقی در سنن.^۵
- احمد بن محمد بن حسین طبری شافعی در کتاب ریاض و ذخائر خود.^۶
- علامه طحاوی حنفی در کتاب مشکل الآثار.^۷
- حاکم در مستدرک.^۸
- مورخ بزرگ ابن اثیر شافعی در «اسد الغابة».^۹
- ابن حجر هیثمی شافعی در مجمع.^{۱۰}
- و بزرگان دیگر.^{۱۱}

-
۱. تفسیر الفخر الرازی، ج ۶، ص ۷۸۳.
 ۲. تفسیر النیشابوری هنگام تفسیر سوره احزاب (حاشیه تفسیر طبری).
 ۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳۱.
 ۴. جامع البیان، ج ۲۲، ص ۵.
 ۵. سنن البیهقی، ج ۲، ص ۱۵۰.
 ۶. الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۸۸؛ ذخائر العقبی، ص ۲۴.
 ۷. مشکل الآثار، ج ۱، ص ۳۳۴.
 ۸. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۱۶.
 ۹. أسد الغایة فی معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۵۲۱.
 ۱۰. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹.
 ۱۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶؛ الأمالی (طوسی)، ص ۵۶۱؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۸۸.

﴿ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾؛

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، شما هم بر او درود بفرستید و به فرمانش آن طور که باید گردن نهید.^۱

علامه واحد نیشابوری در تفسیر این آیه با سند خود از کعب بن عجره روایت می کند که گفت: هنگامی که آیه: ﴿ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ ﴾ نازل گردید به رسول خدا عرض کردیم: خداوند نحوه ی سلام بر شما را به ما آموخت اما نحوه ی درود فرستادن بر شما چگونه است؟

فرمودند این چنین بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».^۲

علامه مراغی نیز آن را همینگونه در تفسیر خود نقل کرده است.^۳

علامه فیروزآبادی از بخاری در کتابش «الأدب المفرد» با سند خود از رسول خدا ﷺ آورده است:

هر کس بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ تَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ» در روز قیامت، به شهادت او گواهی می دهم و از او، شفاعت می کنم.^۴

همچنین از عبدالرؤوف مناوی در کتابش «فیض القدير» است که گفت: طبرانی

۱. سوره احزاب، آیه ۵۶.

۲. اسباب النزول، ص ۲۷۱.

۳. تفسیر المراغی، ج ۲۲، ص ۳۴.

۴. فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۲۱۱.

در کتاب الاوسط از علی به روایتی موقوف^۱ روایت نمود: «هیچ دعائی اجابت نمی شود مگر آنکه، بر «محمد و آل محمد» درود فرستاده شود».^۲

مفسر معاصر محمد عزه دروزه در تفسیر خود گوید: و از آن جمله حدیثی از عبدالله بن مسعود است که گفت: هنگامی که خواستید بر پیامبر درود بفرستید آن را نیکو انجام دهید. به او گفتند: به ما بیاموز. گفت: بگویید... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.^۳

حافظ، امام ابوالقاسم محمد بن احمد بن جزی کلبی غرناطی در تفسیر خود به نام «التسهيل لعلوم التنزيل» در تفسیر این آیه گوید: از پیامبر (ص) روایت شده که فرمودند: این آیه درباره پنج نفر نازل شده است: من، علی، فاطمه، حسن و حسین.^۴

علی متقی هندی در کتاب خود کنز العمال با سندهای متعدد از زید بن خارجه از پیامبر (ص) روایت نموده است که فرمودند: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ».^۵

مؤلف گوید: مولای ما فاطمه زهرا (علیها السلام) از کسانی است که این آیه کریمه درباره ایشان نازل شده است و مؤمنان به درود و سلام بر ایشان امر شده اند.

۱. شهید ثانی قدس سره می فرماید: موقوف، روایتی است که از مصاحب معصوم (علیه السلام) پیغمبر یا امام معصوم نقل می شود و گاهی به آن «اثر» اطلاق می گردد، اگر موقوف علیه، صحابی پیغمبر (ص) باشد. (الدرايه، ص ۴۵).

۲. فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۲۰۶.

۳. التفسير الحديث، ج ۸، ص ۲۸۶.

۴. تفسير الكلبي، ج ۳، ص ۲۹۹.

۵. كنز العمال، ج ۱، ص ۴۳۹. در سعد السعود، ص ۲۰۴ (از منابع شیعه) اینگونه آورده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

سورہی سبأ

شامل یک آیه:

۱. ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا﴾.

﴿ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴾ ؛

و میان آنها و آبادی‌هایی که برکت داده بودیم، آبادی‌های آشکاری قرار دادیم و سفر در میان آنها را به طور متناسب مقرر داشتیم. در اینها، شبان و روزان آسوده خاطر بگردید.^۱

حافظ سلیمان قندوزی حنفی درباره این کلام الهی: ﴿ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴾ از محمد بن صالح همدانی روایت می‌کند: به صاحب الزمان نوشتیم: اهل بیت من مرا به جهت حدیثی که از پدران شما روایت شده آزار می‌دهند همان حدیثی که گوید: خدمتگزاران ما بدترین مخلوقات هستند. حضرت فرمودند: وای بر تو آیا این فرمایش الهی را نمی‌خوانید: ﴿ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً ﴾ پس ما - به خدا قسم - آبادی‌هایی هستیم که خداوند برکت داده است و شما آبادی‌های آشکارید.^۲

۱. سوره سبأ، آیه ۱۸.

۲. ینابیع المودة، ص ۵۱۱. از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۵۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۳.

مؤلف گوید: کلمه «نحن» ظاهر در اهل بیت است همان‌هایی که سرور و مولای ما فاطمه زهرا علیها السلام از ایشان می‌باشد پس حضرت تنزیل آبادی‌هایی است که خداوند برکت داده است.

← اشاره: ظاهراً این روایت به معنی عام خود نیست که شامل عموم خدمتگزاران ائمه طاهرين گردد بلکه این را بدین سبب فرموده‌اند که گاهی در میان شیعیان افرادی پیدا می‌شوند که به واسطه نزدیکی با آن ذوات مقدسه دست به تغییر و تبدیل گفتار آنها زده و نسبت به آنان خیانت می‌ورزند.

سورہی فاطر

شامل چہار آیہ:

۱-۳. ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ... وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُّ﴾.

۴. ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ * وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ * وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ﴾؛

و نابینا و بینا هرگز یکسان نیستند * و نه ظلمتها و روشنائی * و نه سایه‌ی (آرامش بخش) و گرمای آفتاب.^۱

علامه مجلسی رحمه الله در بحار از مالک بن انس با اسناد خود از ابن عباس درباره این فرمایش الهی روایت می‌کند: منظور از «اعمی» ابوجهل است و مراد از «بصیر» امیرالمؤمنین علیه السلام. و مقصود از «ظلمات» ابوجهل است. و منظور از «نور» امیرالمؤمنین علیه السلام. و همچنین مقصود از «ظل» (سایه) امیرالمؤمنین در بهشت است. و «زندگان» علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه و «مردگان» کفار مکه هستند.^۲

۱. سوره فاطر، آیات ۱۹-۲۱.

۲. نهج الایمان، ابن جبر، ص ۵۶۷. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الانوار، ج ۹، ص ۷۵.

اشاره: این روایت در شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۵۴ به گونه‌ای دیگر آمده است: «عن ابن عباس فی قول الله تعالی: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ» قال: أبو جهل بن هشام «وَالْبَصِيرُ» قال: علی بن ابی طالب، ثم قال: «وَلَا الظُّلُمَاتُ» یعنی أبو جهل المظلم قلبه بالشرك «وَلَا النُّورُ» یعنی قلب علی المملوء من النور، ثم قال: «وَلَا الظِّلُّ» یعنی بذلک مستقر علی [فی] الجنة «وَلَا الْحَرُورُ». یعنی [به] مستقر أبی جهل [فی] جهنم، ثم جمعهم فقال: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ» علی و حمزة و جعفر و حسن و حسین و فاطمة و خدیجة «وَلَا الْأَمْوَاتُ» کفار مکه.

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾؛

سپس این کتاب را به پندگان برگزیده‌ی خود به میراث دادیم.^۱

علامه حنفیان حافظ سلیمان قندوزی در کتاب ینابیع المودة با سند خود از جعفر صادق رضی الله عنه روایت نمود که می‌فرموده است: من از ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستم و من به کتاب خدا دانایم می‌باشم. در آن مبدأ خلق و هر آنچه تا روز قیامت موجود می‌شود، خبر آسمان و زمین و بهشت و دوزخ و آنچه رخ داده است، می‌باشد. من آن را می‌دانم آنگونه که گویی به کف دست خود می‌نگرم. خداوند می‌فرماید: در آن بیان هر چیزی می‌باشد.

و می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾. پس ما کسانی هستیم که خداوند با عزت و جلال آنها را برگزیده است و ما این کتاب را که در آن بیان هر چیزی است به ارث برده‌ایم.^۲

مؤلف گوید: فاطمه زهرا (علیها السلام) از آنجا که در ضمن اهل بیت می‌باشند ضمائر متکلم مع الغیر «نحن» و «نا» شامل ایشان نیز می‌شود چرا که مراد از این ضمیرها یعنی: «ما اهل بیت».

۱. سوره فاطر، آیه ۳۲.

۲. ینابیع المودة، ص ۴۷۹. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۶۱؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۷.

سورہی صافات

شامل چہار آیہ:

۱. ﴿وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾.
 - ۲-۳. ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ... بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾.
 ۴. ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾.
-

﴿وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾؛

آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند.^۱

عالم شافعی شهاب الدین ابوبکر حضرمی در کتاب خود «رشفة الصادی من بحر فضائل النبی الهادی» گوید: امام واحدی درباره سخن الهی: ﴿مَسْئُولُونَ﴾ گوید: منظور از آن ولایت علی و اهل بیت است.^۲

مؤلف گوید: پس ولایت سرور زنان، فاطمه زهرا علیها السلام از چیزهایی است که درباره آن سؤال می‌شود و این تنزیل این آیه کریمه است.

﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ * إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾؛

و بی‌گمان، ابراهیم از پیروان او بود * آن‌گاه که با دلی پاک به [پیشگاه] پروردگارش آمد.^۳

در کتاب «الحقایق/الحق» از کتاب اربعین مخطوط اثر حافظ ابومحمد بن ابی فوارس

۱. سوره صافات، آیه ۲۴.

۲. رشفة الصادی، ص ۲۴؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۶۱. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر الإمام العسکری، ص ۴۰۵؛ کشف الغمة، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳. سوره صافات، آیات ۸۳ و ۸۴.

با سند خود از رسول خدا ﷺ آمده است که حضرت فرمودند: هنگامی که خداوند ابراهیم (علیه السلام) را خلق کرد پرده را از مقابل چشمش کنار زد. او در طرف عرش نوری را دید. گفت: الهی و سیدی! این نور چیست؟

فرمود: ای ابراهیم! این نور محمد برگزیده من می باشد.
عرض کرد: الهی و سیدی! نور دیگری در کنار او می بینم.
فرمود: ای ابراهیم! این نور علی یاری رسان دین من است.
عرض کرد: الهی و سیدی! نور سومی را به دنبال آن دو نور می بینم.
فرمود: ای ابراهیم! آن نور فاطمه است که به دنبال پدر و همسرش می آید که به وسیله آن دوستدارانش از آتش جدا شده اند.

عرض کرد: الهی و سیدی! دو نور دیگر می بینم که به دنبال آن سه نور می آیند.
فرمود: ای ابراهیم! این دو حسن و حسین هستند که به دنبال نور پدر و مادر و جدشان می آیند.

عرض کرد: الهی و سیدی! نه نور را می بینم که به این پنج نور پیوستند.
فرمود: ای ابراهیم! اینان امامان از فرزندان ایشان می باشند.
عرض کرد: الهی و سیدی! ایشان به چه چیز شناخته می شوند؟
فرمود: ای ابراهیم! اولین آنها علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن عسکری و مهدی (م ح م د) بن حسن صاحب الزمان هستند.

عرض کرد: الهی و سیدی! نورهایی می بینم که تنها تو می توانی آنان را بشماری.
فرمود: ای ابراهیم! ایشان شیعیان و دوستداران آنها هستند.

عرض کرد: الهی و سیدی! مرا در زمره شیعیان و دوستداران آنان قرار بده!
پس خداوند در قرآن نازل نمود: ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ * إِذْ جَاءَ رَبَّهُ

بِقَلْبٍ سَلِيمٍ *﴾

ابن ابی فوارس گوید: مفضل بن عمر گفت: ابوحنیفه هنگامی که احساس کرد زمان مرگ او فرا رسیده این خبر را روایت کرد.^۱

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾؛

سلام بر آل یاسین.^۲

علامه جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی در «نظم درر السمطین» با اسناد خود از ابن عباس روایت می‌کند که در تفسیر و توضیح این فرمایش الهی گفت: یعنی سلام بر آل محمد ﷺ.^۳

مؤلف گوید: (ال) به کسر همزه با (آل) به مد همزه به یک معنا می‌باشند و (ال) تعریف یا عهد نیست چرا که همزه در آن همزه‌ی وصل است و در این برای قطع بوده و تلفظ می‌شود اگر چه در ضمن کلام درج شده باشد. فاطمه زهرا علیها السلام از آل یاسین می‌باشد لذا این آیه کریمه در حق ایشان و بقیه خانواده ایشان نازل شده است.

۱. إحقاق الحق، ج ۱۳، ص ۵۹ و ۶۰. از منابع شیعه نگاه شود به: مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۸۷؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۸۵.

۲. سوره صافات، آیه ۱۳۰.

۳. نظم درر السمطین، ص ۹۴؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۶۵؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۸۶؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۱۳۵. از منابع شیعه نگاه شود به: الأمالی (صدوق) ص ۴۷۲؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۸۹.

اشاره: در شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۶۹ درباره کلمه یاسین گوید: این لفظی سریانی به معنای انسان و محمد است.

سورہی زمر

شامل دو آیہ:

۱. ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾.

۲. ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ﴾.

﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ
أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴾ ؛

بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان اند؟! تنها
خردمندانند که متذکر می شوند!»^۱

حافظ عبیدالله حسکانی حنفی گوید: ابوبکر حارثی با اسناد خود از جابر از
ابوجعفر در تفسیر و توضیح این فرمایش الهی: ﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ ﴾ به ما
خبر داد که حضرت فرمودند:

مراد از ﴿ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ ﴾ ما اهل بیت هستیم.

و منظور از ﴿ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ دشمنان ما هستند که نادان و جاهل اند.

و مقصود از ﴿ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴾ شیعیان ما هستند.^۲

مؤلف گوید: بانوی زنان فاطمه زهرا (علیها السلام) به کمک روایات مستفیضه - که یکی از آنها
همین روایتی است که ذکر کردیم - از جمله کسانی هستند که مورد نظر خداوند از
عبارت «کسانی که می دانند» می باشند.

۱. سوره زمر، آیه ۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۱۶. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۲۱۲؛ بصائر الدرجات، ص ۱۲۱.

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾؛

پس کیست ستمگرتر از آن کس که بر خدا دروغ ببندد، و راست را چون به سوی او آمد، تکذیب کند؟ آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟^۱

علامه سید هاشم بحرانی در ابتدای کتاب کوچک خود که گفته است: «این کتاب بخشی از مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام است که از کتاب‌های اهل سنت نقل کرده‌ام» گوید: در مناقب احمد بن موسی بن مردویه درباره این کلام الهی از امیرالمؤمنین آمده است که فرمودند: صدق و راستی، ولایت ما اهل بیت است.^۲

مؤلف گوید: پس صدق در این آیه کریمه همان ولایت اهل بیت است که از آن جمله‌اند حوراء انسیه فاطمه زهرا علیها السلام.

۱. سوره زمر، آیه ۳۲.

۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۵؛ نیده عن مناقب امیرالمؤمنین، ص ۱۰۹. از منابع شیعه نگاه شود به: الأمالی (طوسی)، ص ۳۶۴؛ کشف الغمة، ج ۱، ص ۳۹۹.

سورہی غافر (مؤمن)

شامل یک آیه:

۱. ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ...
وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾.

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾.

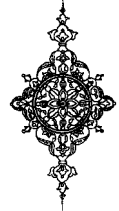
فرشتگانی که حاملان عرش‌اند، و آنها که پیرامون آن (طواف می‌کنند)، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند.^۱

حافظ سلیمان قندوزی حنفی روایت کرد: صاحب مناقب با سند خود از علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت نمود که حضرت فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی فرمودند: ای علی! خدای تبارک و تعالی پیغمبران مرسل خود را بر فرشتگان مقرب برتری داد و مرا بر همه پیغمبران و مرسلین برتر نمود و پس از من برتری از آن تو و امامان بعد از تو است. فرشتگان خادمین ما و خدام دوستان ما هستند. ای علی! «فرشتگانی که عرش را حمل می‌کنند، و آنها که پیرامون آنند، تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند» به ولایت ماست.^۲

۱. سوره غافر، آیه ۷.

۲. ینابیع المودة، ص ۴۸۵. از منابع شیعه نگاه شود به: علل الشرائع، ج ۱، ص ۵؛ عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۶۲؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۴.

مؤلف گوید: فاطمه زهرا علیها السلام از آنجا که جزء اهل بیت علیهم السلام می باشند از کسانی هستند که ملائکه به ولایت او و ولایت بقیه اهل بیت علیهم السلام برای مؤمنان استغفار می کنند و مقصود قرآن از « مؤمنان » کسانی هستند که به او و ایشان ایمان آوردند.



سورہی فصلت

شامل یک آیه:

۱. ﴿وَيَوْمَ يُخْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾.

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾؛

و روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گرد آورده و بازداشت می‌شوند.^۱

علامه فیروز آبادی از کنز العمال از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: برای هر دسته از پسران پدر، خویشاوندی است که پسران پدر (برادران) خود را به او پیوند می‌دهند، جز فرزندان فاطمه که من ولی و خویشاوند آنان هستم. آنها عترت من بوده و از سرشت من آفریده شده‌اند. وای بر کسی که فضیلت آنان را تکذیب کند. کسی که آنان را دوست بدارد، خدا او را دوست می‌دارد و کسی که با ایشان کینه توزی کند، خدا با او کینه توزی می‌کند.^۲

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابویحیی حیکانی با اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری به ما خبر داد که گفت: پیامبر ﷺ خطبه ایراد می‌کردند، شنیدم که می‌فرمودند: «هر که با ما اهل بیت کینه توزی کند خداوند او را در روز قیامت یهودی محشور می‌نماید».

جابر گفت: گفتم: ای رسول خدا! اگر چه نماز بخواند و روزه بگیرد و گمان کند که مسلمان است؟

۱. سوره فصلت، آیه ۱۹.

۲. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۷۸. از منابع شیعه نگاه شود به: بشارة المصطفی، ص ۳۹.

فرمودند: بله اگر چه نماز بخواند و روزه بگیرد و گمان کند که مسلمان است.^۱
 مؤلف گوید: این آیه با برهان و تطبیق در مورد دشمنان اهل بیت علیهم السلام است و فاطمه
 زهرا علیها السلام در طلیعه اهل بیت قرار دارد پس این آیه نیز درباره‌ی دشمنان و مخالفان
 ایشان می‌باشد.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۷۹.

سورهی شوری

شامل سه آیه:

۱. ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾.
 ۲. ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.
 ۳. ﴿وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾.
-

﴿ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ﴾؛

کسی که حاصل کشت آخرت را بخواهد، کشت او را افزایش می‌دهیم.^۱

حافظ سلیمان قندوزی حنفی به نقل از شیخ هاشم بن سلیمان در کتابش «المحججه» درباره این سخن الهی از ابی بصیر، از جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «خداوند دوستی خویشاوندان را به هر کدام از بندگان که بخواهد روزی می‌نماید و آن زراعت آخرت است که پروردگار نصیب هر که دوستی خویشاوندان را بخواهد تمام و کمال می‌دهد».^۲

مؤلف گوید: احادیث مستفیضه در ذیل آیات متعددی که لفظ «قربی» در آنهاست اشاره دارند به اینکه مراد، نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و نزدیکترین آنها سرور زنان، فاطمه زهرا علیها السلام است.

﴿ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ﴾؛

۱. سوره شوری، آیه ۲۰.

۲. ینابیع الموده، ص ۴۲۷. در کافی، ج ۱، ص ۴۳۶ روایت کند که مراد از «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ» معرفت امام امیرالمؤمنین است.

(ای پیامبر) بگو: در ازای انجام رسالتم پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر دوستی خویشاوندان و نزدیکانم.^۱

ابن کثیر در تفسیر خود از ابواسحاق سبیعی روایت می‌کند: از عمر بن شعیب درباره این فرمایش الهی: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ سؤال کردم گفت: منظور خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.^۲

در تفسیر جلالین هنگام تفسیر این آیه آمده است: استثناء منقطع است یعنی: لکن از شما می‌خواهم که خویشان مرا دوست بدارید.^۳

سید قطب در تفسیر خود از این آیه گوید: عبدالملک بن میسره گفت: از طاووس که از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت می‌نمود شنیدم که گفت: از او درباره ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ سؤال کرد. سعید بن جبیر گفت: خویشان آل محمد هستند.^۴

از صحیح بخاری در جزء ششم در تفسیر این آیه با اسناد خود از ابن عباس روایت شده که از او درباره این آیه پرسید، سعید بن جبیر گفت: منظور خویشان آل محمد (صلی الله علیه و آله) است.^۵

او همچنین از مسند احمد بن حنبل با اسناد خود از سعید بن جبیر از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کند: چون این آیه نازل شد، از رسول خدا پرسیدند: ای فرستاده‌ی بزرگوار خدا! خویشان نزدیک شما که مهر ورزیدن و مودتشان بر ما واجب شده است کیانند؟

حضرت در جواب فرمودند: علی و فاطمه و دو پسر آنان.^۶

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲. تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۱۸۴.

۳. تفسیر الجلالین، ص ۴۸۹.

۴. فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۱۵۳.

۵. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۳۷.

۶. غایة المرام، ص ۳۰۶.

همچنین این متن با همین سند را ابراهیم بن معقل نسفی حنفی متوفای ۲۹۵ هـ. ق در تفسیر خود آورده است.^۱

مؤلف گوید: احادیث شریفه در این باب بسیار و متواتر است که به صدها حدیث می‌رسند که در هر کتاب تفسیر و حدیث و تاریخ و مانند آن یافت می‌شوند و هر کس خواهان آن باشد می‌تواند به آنها مراجعه نماید.

حافظ حنفی سلیمان قندوزی در کتاب ینابیع خود با سندش از ابن عباس رضی الله عنه روایت نموده است: بعد از نزول آیه یاد شده به رسول خدا گفتند: ای پیامبر گرامی! اینان که مودتشان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟

در پاسخ فرمودند: علی و فاطمه و دو فرزند آنان.^۲
دانشمند مالکی نورالدین علی بن محمد بن صباغ مکی در کتاب فصول خود نیز مانند آن را روایت کرده است.^۳

عالم شافعی ابراهیم بن محمد حموی جوینی در فرائد خود نیز مانند آن را آورده است.^۴

علامه بحرانی در کتاب کوچک خود با نام «نبذة فی مناقب امیرالمؤمنین من کتب السنة» آن را روایت کرده است.^۵

همچنین علامه حنفیان، خوارزمی در دو کتاب «المقتل» و «المناقب» روایت نموده است.^۶
و بسیاری افراد دیگر.

۱. تفسیر نسفی که در حاشیه تفسیر الخازن آمده است، ج ۴، ص ۹۴.

۲. ینابیع المودة، ص ۳۶۸.

۳. الفصول المهمة، مقدمه.

۴. فرائد السمطين، ج ۱، باب دوم.

۵. نبذة من مناقب امیرالمؤمنین، ص ۲۸.

۶. المقتل، ج ۱، ص ۲۷؛ المناقب، ص ۳۹.

امام حافظ ابوالقاسم کلبی غرناطی در تفسیر خود هنگام بیان این آیه گوید:

«معنی آن این است که: مگر اینکه خویشان نزدیک مرا دوست بدانید و احترام مرا در مورد آنها حفظ کنید و هدف از این مطلب سفارش درباره اهل بیت است».^۱

بسیاری از بزرگان در تفاسیر و کتاب‌های تاریخی و حدیثی خود با تعبیراتی که اگر چه از جهت راوی و الفاظ روایت و ... با هم متفاوتند ولی در معنا و قدر جامعی که آنها را در کنار هم جمع می‌کند متفق و متحد هستند، روایت کرده‌اند.

از آن جمله‌اند:

- ابن حجر هیثمی - دانشمند شافعیان - در کتاب «مجمع الزوائد».^۲
- علامه شبلینجی در «نور الابصار».^۳
- محب الدین طبری در «ذخائر العقبی».^۴
- سیوطی در تفسیر خود «الدر المنثور».^۵
- امام رازی در تفسیرش.^۶
- امام طبری در تفسیرش «جامع البیان».^۷
- متقی هندی در کنز العمال.^۸
- ابونعیم در «حلیة الاولیاء».^۹
- و دیگر بزرگان.^{۱۰}

-
۱. تفسیر الکلبی، ج ۴، ص ۳۵.
 ۲. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۰۳.
 ۳. نور الابصار، ص ۱۰۱.
 ۴. ذخائر العقبی، ص ۲۵.
 ۵. الدر المنثور، تفسیر سوره شوری.
 ۶. تفسیر الفخر الرازی، تفسیر سوره شوری.
 ۷. جامع البیان، ج ۱، ص ۲۰۱.
 ۸. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۸.
 ۹. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۲۰۱.
 ۱۰. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۳۵.

﴿وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾؛

و هر کس نیکی به جای آورد، بر نیکی‌اش می‌افزاییم.^۱

علامه شیخ سلیمان قندوزی گوید: ثعلبی با سند خود از ابن مالک از ابن عباس درباره این کلام الهی: ﴿وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾ روایت می‌کند: دوستی با آل محمد ﷺ.^۲

مؤلف گوید: بنابراین دوستی یگانه دختر رسول خدا ﷺ فاطمه زهرا ﷺ جزء حسنه‌ای است که هر که آن را انجام دهد خداوند متعال بر نیکیش می‌افزاید. پس بانوی زنان ﷺ از جمله تنزیل این آیه کریمه به شمار می‌آیند.

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲. ینابیع المودة، ص ۱۱۸؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۱۲. از منابع شیعه نگاه شود به: تأویل الآیات الظاهرة، ص ۵۳۲؛ العمدة، ص ۵۵؛ المناقب، ج ۳، ص ۱۹۷.

سوره ی زفر

شامل یک آیه:

۱. ﴿ فَلَمَّا أَسْفُونَا اُنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ ﴾.

﴿ فَلَمَّا أَسْفُونَا اُنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ ﴾؛

پس چون ما را به خشم آوردند، از آنان انتقام گرفتیم.^۱

حافظ قندوزی حنفی با سند خود از ابو جعفر باقر رضی الله عنه هنگام بیان این آیه روایت می کند که فرمودند: خداوند که شأنش جلیل و سلطنتش بلند و کبریایش ادامه یابد! عزیزتر و برتر و پاکتر از آن است که خشم بر او عارض گردد؛ لکن ذات اقدسش را در بین ما اهل بیت داخل و خشم بر ما را خشم بر خود حساب نمود. سپس فرمود: ﴿ فَلَمَّا أَسْفُونَا اُنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ ﴾.^۲

مؤلف گوید: این آیه اگر چه درباره آل فرعون می باشد، لکن تأویل آن به ظالمان بر اهل بیت باز می گردد و اهل بیت داناتر به آن چیزی هستند که در خانه شان نازل شده است. پس ظالمان به فاطمه زهرا (علیها السلام) جزء تأویل این آیه کریمه می باشند. کسانی که خداوند را به خشم آوردند و او از آنها انتقام گرفت چرا که آن بانو از اهل بیت می باشند.

۱. سوره زخرف، آیه ۵۵.

۲. ینابیع المودة، ص ۳۵۸. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۱۴۴.

سورهی دفان

شامل هفت آیه:

۱-۷. ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ... ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ * فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ
وَاسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ * كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ * يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ
فَاكِهَةٍ آمِنِينَ * لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ
الْجَحِيمِ * فَضَلًّا مِّن رَّبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾

به راستی پرهیزگاران در جایگاهی امن قرار دارند * در میان بوستانها و
چشمه ها * لباس هایی از حریر نازک و دیبای ستبر می پوشند و در برابر
یکدیگر می نشینند * اینچنین اند بهشتیان و آنها را با « حور العین » همسر
می گردانیم * در آنجا هر میوه ای را بخواهند در اختیارشان قرار می گیرد، و در
نهایت امنیتند * هرگز مرگی جز همان مرگ نخستین نخواهند چشید، و
خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می کند * بخشی است از جانب
پروردگارت. این همان کامیابی بزرگ است.^۱

حافظ حاکم حسکانی حنفی گوید: منصور بن حسین با اسناد خود از انس بن
مالک از پیامبر ﷺ به ما خبر داد که فرمودند:
آل محمد همگی پرهیزکارانند.^۲

۱. سوره دخان، آیات ۵۱-۵۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۱۷.

اشاره: مراجعه شود به سوره مبارکه انفال، ذیل آیه ۳۴.

مؤلف گوید: ممکن است (کل تقی) را به صورت مبتدا و خبر با رفع و تنوین (کُلُّ) و (تقی) قرائت کنیم. که در این صورت معنای آن اینگونه می شود: هر یک از آل محمد پرهیزکار هستند. همچنین احتمال دارد به صورت اضافه به رفع (کُلُّ) بدون تنوین خوانده شود؛ لذا معنای آن اینگونه می شود: هر کسی که تقوای الهی داشته باشد همو آل محمد است. که این به صورت مجاز به معنای فرد اکمل و مصداق اتم است نه مجرد اطلاق.

پس آل محمد علیهم السلام سرکرده‌ی متقیان و پارسایان هستند؛ کسانی که تقوا در مقایسه با دیگران، به طریق اولی بر آنها منطبق می شود و از آنجا که فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت می باشند مصداق اکمل برای تنزیل آیه به نسبت زنان پارسا می باشند.

بله آیه ﴿وَزَوْجَانَهُم بِحُورٍ عِینٍ﴾ به جهت مناسبت حکم و موضوع مخصوص مردان آل محمد علیهم السلام می باشد.

همگی این آیات هفتگانه را از آن روی که مانند مبتدا و خبر، صفت و موصوف یکی و از هم جدا نشدنی بودند با هم ذکر نمودیم.

سورہی جاٹیہ

شامل یک آیه:

۱. ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾.

﴿ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴾؛

آیا کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که زندگی و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند؟!^۱

حافظ عبیدالله حسکانی حنفی گوید: سعید بن ابی‌البلخی با اسناد خود از ضحاک از ابن عباس درباره این آیه شریفه: ﴿ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ ﴾ به ما خبر داد که مراد از آن بنی‌امیه است. و منظور از ﴿ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴾ پیامبر، علی، حمزه، جعفر، حسن، حسین و فاطمه علیهم‌السلام می‌باشند.^۲

۱. سوره جاثیه، آیه ۲۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۰.

اشاره: این روایت در مصادر شیعه به گونه‌ای دیگر آمده است. به عنوان نمونه در تأویل الآیات الظاهرة، ص ۵۵۹؛ البرهان، ج ۷، ص ۱۸۰، ح ۲، آمده است: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ» الْآيَةَ قَالَ إِنَّهَا نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَحَمْزَةَ وَعُبَيْدَةَ بْنِ الْحَارِثِ هُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَفِي ثَلَاثَةٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ: عُثْبَةَ، وَشَيْبَةَ ابْنَيْ رَبِيعَةَ، وَالْوَلِيدَ بْنَ عُثْبَةَ وَهُمْ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ».

سورہی محمد ﷺ

شامل پانزدہ آیہ:

- ۱-۲. ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ... كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾.
۳. ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ﴾.
- ۴-۶. ﴿وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَيَدْخُلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ﴾.
۷. ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا﴾.
۸. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾.
۹. ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ﴾.
۱۰. ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ﴾.
- ۱۱-۱۲. ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ... وَآتَاهُمُ تَقْوَاهُمْ﴾.
۱۳. ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ أَنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ﴾.
۱۴. ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾.
۱۵. ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾.



در برخی روایات شریفه، آیات سوره محمد ﷺ به دو نوع تقسیم شده است: نوع اول درباره اهل بیت ﷺ است که آیات پرهیزکاران و صالحان و آیات بهشت و ثواب و ... است.

و نوع دوم درباره بنی امیه است که آیات فاسقان و کافران و آیات آتش و عذاب و ... می باشد.

ما با توجه به ترتیب بین آیات سوره، ابتدا آیات نازل شده را در محل مناسب خود بر حسب آنچه در چاپ های معروف قرآن که در دست مسلمانان می باشد ذکر می کنیم.

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ * وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ *﴾

کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، (خداوند) اعمال آنان را نابود خواهد کرد * و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد نازل گردید ایمان آوردند و آن خود حق از جانب پروردگارشان است گناهانشان را می آمرزد و حالشان را بهبود می بخشد.^۱



حافظ حسکانی حنفی گوید: ابی العباس بن عقده با اسناد خود از عبدالله بن حزن برای ما روایت کردند که گفت: در مکه از حسین بن علی شنیدم که آیه ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ را یاد کرد و سپس فرمود: درباره ما و بنی امیه نازل شده است.^۱

مؤلف گوید: یعنی آیه اول درباره بنی امیه، و آیه دوم درباره اهل بیت (علیهم السلام) به اعتبار اینکه مصداق اکمل ایمان و عمل صالح هستند، نازل شده است. و فاطمه زهرا (علیها السلام) از اهل بیت می باشند لذا این آیه کریمه از نظر تنزیل شامل ایشان می شود.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ﴾؛

این بدان سبب است که کافران، از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند. این گونه خدا برای مردم مثالهایشان را بیان می کند.^۲

فقیه شافعی عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی گوید: ابن مردویه از علی رضی الله عنه روایت نمود: «در سوره محمد آیه ای درباره ما و آیه ای درباره بنی امیه است».^۳

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۱ و ۱۷۲. در بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۱۶۲ روایت می کند که منظور از راه خدا و کفر ورزیدن به آن، باز داشتن از راه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است: «... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ، قَالَ: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام».

۲. سوره محمد، آیه ۳.

۳. الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۶. امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه شریفه می فرماید: «کافرانی که از باطل پیروی کردند» همان کسانی هستند که از دشمنان رسول خدا و امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) تبعیت نمودند (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۱).

مؤلف گوید: بنی امیه «کافرانی هستند که از باطل پیروی نمودند» و اهل بیت که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز جزء ایشان می باشند همان «مؤمنانی هستند که از حقّی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت کردند».

﴿وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ * سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ * وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَها لَهُمْ﴾؛

و کسانی که در راه خدا کشته شدند، هرگز اعمالشان را از بین نمی برد * بزودی آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می کند * و آنها را در بهشتی که اوصاف آن را برای آنان بازگو کرده وارد می کند.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: حاکم ابو عبدالله حافظ با اسناد خود از علی برای ما روایت نمود که فرمود: در سوره ی محمد آیه ای درباره ما و آیه ای درباره بنی امیه است.^۲
مؤلف گوید: «کسانی که در راه خدا کشته شدند» اهل بیت یعنی علی و فاطمه و فرزندان ایشان، امامان پاک هستند. همان کسانی که شاعر در وصف آنها گفته است:

و ما قضی کریم لهم الا بسم و صارم

چرا که آنها کسانی هستند که یا با شمشیر، یا غیر آن کشته شدند. مانند علی و فاطمه و حسین، و یا با نوشاندن سم، مانند حسن و باقر و صادق علیهم السلام.
در حدیثی شریف از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «هیچ یک از ما نیست مگر اینکه یا مقتول است و یا مسموم می گردد».^۳

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾؛

۱. سوره محمد، آیات ۴-۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

این برای آن است که خداوند سرپرست و مولای کسانی است که ایمان آوردند ولی کافران را سرپرستی نیست.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: عقیل بن حسین با اسناد خود از سعید بن جبیر از ابن عباس درباره این کلام الهی به ما خبر داد که معنای آن این است: خداوند ولی علی و حمزه و جعفر و فاطمه و حسن و حسین و ولی محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد که ایشان را با پیروزی بر دشمنانشان یاری می کند.

﴿وَأَنَّ الْكَافِرِينَ﴾ یعنی ابوسفیان بن حرب و یارانش.

﴿لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ ولی ای ندارند که آنان را از عذاب باز دارد.^۲

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾؛

خداوند کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند وارد باغ هایی از بهشت می کند که نهرها از زیر آن جاری است و کسانی که کافر شده اند، بهره می گیرند و همان گونه که چارپایان می خورند، می خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست.^۳

حافظ عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی حنفی از سیبغی روایت می کند:
از ابی جعفر (علیه السلام) درباره این سوره (سوره محمد) روایت شده است که فرمودند:
آیه ای از آن درباره ما و آیه ای درباره بنی امیه است.^۴

۱. سوره محمد، آیه ۱۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۴. علی بن ابراهیم گوید: یعنی کسانی که بر ولایت مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) ثابت قدم ماندند (بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۵۰).

۳. سوره محمد، آیه ۱۲.

۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۲.

مؤلف گوید: اهل بیت که فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز جزء ایشان است، مصداق اتم فرمایش الهی هستند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ و بنی امیه مصداق واضح: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾.

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾؛

آیا کسی که بر دلیل روشنی از جانب پروردگار خویش است، همانند کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوس های خود را پیروی کرده اند؟!^۱

عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، فقیه شافعی در تفسیر آن گوید:

ابن مردویه از علی رضی الله عنه روایت می کند که حضرت فرمودند: در سوره محمد آیه ای درباره ما و آیه ای درباره بنی امیه است.^۲

مؤلف گوید: پس ﴿مَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ﴾ اهل بیت هستند که از جمله ایشان فاطمه زهرا (علیها السلام) می باشند و منظور از ﴿زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ بنی امیه هستند.

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾؛

← اشاره: در روایت شریف آمده است: خدای بزرگ کسانی را که «به واسطه ولایت علی (علیه السلام)» ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند... (بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۸۸).

۱. سوره محمد، آیه ۱۴.

۲. الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۶.

مَثَلِ بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده: در آن نه‌هایی است از آبی که برنگشته و نه‌هایی از شیری که مزه‌اش دگرگون نگشته و رودهایی از شراب که برای نوشندگان لذتی است و نه‌هایی از غسل مصفاً. و در آنجا از هر گونه میوه برای آنهاست و آمرزشی است از سوی پروردگارشان. آیا اینها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می‌شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می‌کند؟!^۱

حافظ حاکم حسکانی حنفی گوید: ابوسعید معادی با اسناد خود از جعفر بن حسین هاشمی درباره این سوره (یعنی سوره محمد) به ما خبر داد: «آیه فینا و آیه فی بنی امیه».^۲

مؤلف گوید: پس ﴿الْمُتَّقُونَ﴾ کسانی که بشارت بهشت را به آنها داده‌اند، اهل بیت رسول خدا (علیهم السلام) هستند که فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز جزء ایشان می‌باشند. و مراد از ﴿مَنْ هُوَ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ بنی‌امیه هستند.

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًىٰ وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾؛

گروهی از آنان به سخنان گوش فرامی‌دهند، ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند، به دانش یافتگان می‌گویند: «هم اکنون چه گفت؟!» آنها کسانی

۱. سوره محمد، آیه ۱۵.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۲.

اشاره: تفسیر فرات کوفی، ص ۴۱۷: «عن المفضل بن عمر قال سئل سیدی جعفر بن محمد (علیه السلام) عن قول الله [تعالی فی محکم کتابه] «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ» قال هی فی علی و أولاده و شیعتهم هم المتقون و هم أهل الجنة و المغفرة». (از مفضل بن عمر است که گفت: از آقایم جعفر بن محمد (علیه السلام) درباره این فرمایش الهی «مَثَلِ بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده» سؤال شد، فرمودند: آن درباره علی و فرزندان و شیعیانش است. آنها پرهیزکاران و اهل بهشت و مغفرت هستند).

هستند که خداوند بر دل‌هایشان مُهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده‌اند *
و آنان که به هدایت گراییدند آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و
پرهیزگاری‌شان داد.^۱

آلوسی در تفسیر خود آورده است:

ابن مردویه از علی کرم الله وجهه روایت می‌کند:

در سوره‌ی محمد آیه‌ای درباره‌ی ما و آیه‌ای درباره‌ی بنی‌امیه نازل شده است.^۲
مؤلف گوید: پس آنان که به هدایت گرویدند اهل بیت یعنی علی و فاطمه و
فرزندان پاکشان می‌باشند.
و کسانی که خداوند بر قلوبشان مُهر نهاده است، بنی‌امیه هستند.

﴿ فَهَلْ عَسَيْتُمْ أَنْ تُلَئِمْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴾؛

پس آیا امید بستید که چون برگشتید در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی
خود را بگسلید؟^۳

حافظ حسکانی حنفی گوید: منتصر بن نصر بن تمیم واسطی با اسناد خود از ابن
عباس در تفسیر این آیه برای ما روایت نمود:
امر این امت را به دست گرفتند (یعنی بنی‌امیه) پس با گردن‌کشی و گناه رفتار
نمودند و پیوند خویشاوندی پیامبرشان محمد و اهل بیت او را گسستند.^۴
و فاطمه زهرا (علیها السلام) از اهل بیت می‌باشند پس آیه کریمه از جهت ایجابیش در حق
ایشان، و از نظر سلبیش درباره‌ی بنی‌امیه نازل شده است.

۱. سوره محمد، آیات ۱۶ و ۱۷.

۲. روح المعانی، ج ۱۳، ص ۱۹۳.

۳. سوره محمد، آیه ۲۲.

۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۶ و ۱۷۷. از منابع شیعه نگاه شود به: تأویل الآیات الظاهرة، ص ۵۶۸.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ﴾؛

و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و صابران شما را بشناسیم، و اخبار شما را بیازماییم.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: حاکم ابو عبدالله حافظ با اسناد خود از حرث بن حصیره از ابی صادق از ربیعہ بن ناجز از علی برای ما روایت نمود که فرمود: در سوره‌ی محمد آیه‌ای درباره‌ی ما و آیه‌ای درباره‌ی بنی‌امیه وجود دارد.^۲
مؤلف گوید: پس مجاهدان و صابران علی و فاطمه و فرزندان پاکشان هستند لذا ایشان مصداق اتم و فرد اکمل این آیه کریمه می‌باشند.

﴿فَلَا تَهْنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالُكُمْ﴾؛

پس سستی نورزید و به صلح مخوانید در حالی که شما برترید و خدا با شماست و از کارهایتان هرگز نمی‌کاهد.^۳

حافظ حاکم حسکانی حنفی گوید: حسن بن حسن گفت: «اگر خواستی ما و بنی‌امیه را بشناسی - ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾»^۴ (سوره محمد) - را بخوان. در آن آیه‌ای درباره‌ی ما و آیه‌ای درباره‌ی ایشان است تا آخر سوره.^۵

مؤلف گوید: ﴿الْأَعْلَوْنَ﴾ اهل بیت هستند که فاطمه زهرا (علیها السلام) از ایشان می‌باشد. و خداوند با اهل بیت و فاطمه زهرا (علیها السلام) است. و پروردگار از اجر اعمال اهل بیت (علیهم السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) نمی‌کاهد.

۱. سوره محمد، آیه ۳۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۱.

۳. سوره محمد، آیه ۳۵.

۴. این سوره مبارکه با این عبارت - الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا... - آغاز می‌شود؛ لذا مراد این است که سوره محمد را بخوان.

۵. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۷۲.

سورهی فتح

شامل دو آیه:

۱. ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ .
۲. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ .

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾؛

به راستی خداوند از مؤمنان، آن هنگام که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند،
خشنود گشت.^۱

علامه میر محمد صالح کشفی ترمذی به صورت مرسل روایت می کند: از اخطب خوارزم در المناقب از جابر بن عبدالله نقل شده است که گفت: نزول آیه، درباره اهل بیت است و ایشان به آنها از دیگران سزاوارتر می باشند.^۲
مؤلف گوید: یعنی آنها با پیامبر ﷺ بیعت حقیقی نمودند که هیچ تردیدی در آن و مخالفتی بعد آن در کبیر و صغیر نمی باشد. پس ایشان با اولویت مصداق اکمل این بیعت می باشند و از آنجا که فاطمه زهرا (علیها السلام) در طلیعه ای اهل بیت می باشد این آیه کریمه بدون هیچ شبهه ای شامل ایشان می شود.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾؛

۱. سوره فتح، آیه ۱۸.

۲. مناقب مرتضوی، ص ۵۴.

اشاره: از جابر از امام باقر (علیه السلام) است که پرسید: در آیه شریفه «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ» تعداد آنها چقدر بود؟ فرمود: ۱۲۰۰ نفر. عرض کردم: آیا علی هم در بین ایشان بود؟ فرمود: بله، آقا و شریف آنها بود. (تأویل الآیات الظاهرة، ص ۵۷۷).

خدا به کسانی از مردم که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
آمرزش و اجر عظیمی وعده داده است.^۱

حافظ حاکم حسکانی حنفی از تفسیر فرات بن ابراهیم باسند خود از سدی از ابن
عباس درباره این فرمایش الهی: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ تا انتهای آیه، روایت می‌کند
که گفت: درباره آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است.^۲
و فاطمه زهرا علیها السلام که جزء آل محمد صلی الله علیه و آله است، آیه کریمه با تنزیلش منطبق بر
ایشان می‌باشد.

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۳. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر فرات کوفی، ص ۲۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۴.

سورہی ق

شامل یک آیہ:

۱. ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾.

﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾؛

(خداوند فرمان می دهد:) هر کافر سرسختی را در جهنّم افکنید.^۱

ابوالحسین عبدالوهاب بن حسن بن ولید کلابی در کتاب «المسند» معروف به «ابن ابی تبوک» در گذشته در سال ۳۹۶ هـ. ق، با سند خود از شریک بن عبدالله روایت می کند که گفت: نزد اعمش بودم و او بیمار بود. پس ابوحنیفه و ابن شبرمه و ابن ابی لیلی بر او وارد شدند و به او گفتند: ای ابامحمّد! تو در آخرین روز از روزهای دنیا و اولین روز از روزهای آخرت هستی. در فضائل علی بن ابی طالب احادیثی را روایت می نمودی پس از آن به درگاه ایزدی توبه نما!

اعمش گفت: مرا بلند کنید، مرا بلند کنید! پس او را بلند کردند و گفت:

ابوالمتوکل ناجی از ابوسعید خدری برایمان روایت کرد که رسول خدا ﷺ فرمودند: هنگامی که روز قیامت شود، خداوند متعال به من و علی گوید: هر کس که شما را دشمن داشته است به جهنم اندازید و هر کس را که شما را دوست داشته به بهشت وارد کنید! و این است معنای سخن خداوند که می فرماید: ﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾. پس ابوحنیفه به همراهانش گفت: تا چیزی غلیظتر از

۱. سوره ق، آیه ۲۴.

این را نگفته برخیزید.^۱

مانند آن را عالم سنی، صاحب «المناقب الفاخرة فی العترة الطاهرة» - که علامه بحرانی نیز آن را نقل نموده - با سند خود از ابن مسعود روایت کرده است که در آخر آن آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابن مسعود! چون قیامت برپا شود خدای با عزّت و جلال به من و علی می گوید: هر که را می خواهید به آتش وارد کنید و این معنای: ﴿أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ است پس کفار آنهایی هستند که نبوت مرا انکار کنند و معاند آنست که با علی و اهل بیت و شیعیانش دشمنی کند.^۲

مؤلف گوید: از آنجا که فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت علی علیه السلام می باشند دشمنان او و ظالمان بر او کسانی هستند که آیه در حق آنها نازل شده است.

۱. سی و دو حدیث از کتاب المسند، چاپ شده در آخر المناقب ابن مغازلی، ص ۴۲۷؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۶۱. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۷۵.

۲. غایة المرام، ج ۴، ص ۱۶۴؛ مائة منقبة، ص ۴۷.

سورهی ذاریات

شامل دو آیه:

۱- ۲. ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۖ وَبِالْأَسْحَارِ
هُم يَسْتَغْفِرُونَ﴾.

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾؛

کمی از شب را می‌خوابیدند * و در سحرگاهان طلب آمرزش می‌کردند.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابوبکر بن مؤمن با اسناد خود از سعید بن جبیر از عبدالله بن عباس روایت کرد که گفت: فرمایش الهی که می‌فرماید: ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ درباره علی بن ابی‌طالب و حسن و حسین و فاطمه علیهم‌السلام نازل شده است.^۲

مؤلف گوید: چون آیه اول درباره ایشان علیهم‌السلام نازل شده است، بنابراین آیه دوم نیز مربوط به آنهاست چرا که عطف به آیه اول شده است و ضمائر به آن برمی‌گردد و مانند صفت بعد از صفت می‌باشد.

۱. سوره ذاریات، آیات ۱۷ و ۱۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۵.

سوره‌ی طور

شامل هشت آیه:

- ۱-۴. ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ... وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ﴾ .
۵-۸. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ... كَانَتْهُمْ لَوْلُؤٌ مَّكْنُونٌ﴾ .

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ * فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ
عَذَابَ الْجَحِيمِ * كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * مُتَكَبِّرِينَ عَلَى
سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴾؛

پرهیزگاران در باغ‌های بهشت و نعمت‌های فراوان جای دارند * به آنچه
پروردگارشان به آنان داده مسرورند، و پروردگارشان آنها را از عذاب دوزخ
مصون داشته است * بخورید و بیاشامید گواراتان باد! اینها در برابر اعمالی
است که انجام می‌دادید! * بر تخت‌هایی ردیف هم تکیه زده‌اند و «حور
العین» را به همسری آنها درمی‌آوریم!^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: منتصر بن نصر با واسطه‌ای با اسناد خود از مجاهد از
عبدالله بن عباس درباره ﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ ﴾ برای ما روایت نمود: این آیه ویژه‌ی علی و
حمزه و جعفر و فاطمه نازل شده است.

می‌گوید: کسانی که در دنیا از شرک و فواحش و گناهان کبیره پرهیز می‌کنند
﴿ فِي جَنَّاتٍ ﴾ یعنی: در بستانها. ﴿ وَنَعِيمٍ ﴾ یعنی: در جامه‌هایی از آن باغها هستند.
ابن عباس گفت: برای هر کدام از ایشان در بهشت برین، بستانی است در میان

خیمه‌ای از لؤلؤ. در هر خیمه، تختی از طلا و لؤلؤ است. بر روی هر تختی هفتاد فرش گسترده است.^۱

مؤلف گوید: آیات بعدی را از آن روی ذکر کردم که آنها بیان‌کننده صفات اصحاب آیه اول می‌باشند و چون آیه اول درباره اهل بیت (علیهم السلام) باشد بقیه آیه‌ها نیز درباره ایشان می‌باشد.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾ * وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ * تَنَزَّاعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ * وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ﴾؛

کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم و از عملشان چیزی نمی‌کاهیم و هر کس در گرو اعمال خویش است! * و همواره از انواع میوه‌ها و گوشتها، از هر نوع که بخواهند، در اختیارشان می‌گذاریم! * آنها در بهشت جام‌های پر از شراب طهور را که نه بیهوده‌گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می‌گیرند! * و برای آنان نوجوانانی است که بر گردشان همی‌گردند که همچون مرواریدهای درون صدفند.^۲

حافظ حسکانی حنفی روایت کند: محمد بن عبدالله با اسناد خود از ابی مالک از ابن عباس درباره آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ﴾ برای ما روایت کرده گفت: درباره پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است.^۳

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۶. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۴۳۵.

۲. سوره طور، آیات ۲۱-۲۴.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۷. از منابع شیعه نگاه شود به: تأویل الآيات الظاهرة، ص ۵۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۴۱.

او نیز روایت کرد: ابونصر محمد بن مسعود بن محمد با اسناد خود از ابن عمر روایت کرد که گفت: هرگاه برمی شمردم می گفتیم: ابوبکر و عمر و عثمان. مردی به او گفت: ای اباعبدالرحمن! پس علی چه می شود؟

ابن عمر گفت: وای بر تو! علی از اهل بیت است و با آنان مقایسه نمی شود. علی با پیامبر ﷺ در یک درجه هستند. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ﴾ و فاطمه با رسول خدا در یک درجه و علی با آن دو است.^۱

مؤلف گوید: این احادیث مکرر هستند. ما تنها آیه اول را ذکر نمودیم اما همگی یک جمله هستند و چون شأن نزول آیه اول درباره اهل بیت ﷺ می باشد، بقیه آیات نیز درباره ایشان نازل شده است.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.

سورهی قمر

شامل یک آیه:

۱. ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾.

﴿ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴾؛

در قرارگاه صدق، نزد خداوند مالک مقتدر.^۱

در کشف الغمه آمده است: حافظ ابوبکر بن مردویه در کتاب خود «المناقب» از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت نمود که گفت: در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم. برخی از اصحاب به بحث پیرامون بهشت پرداختند. حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: نخستین کسی که به بهشت درآید، علی بن ابی طالب است.

ابو دجانة‌ی انصاری عرض کرد: ای رسول خدا! به ما خبر داده بودید که بهشت بر انبیاء حرام است مگر اینکه شما وارد آن شوید و بر امتها حرام است مگر اینکه ابتدا امت شما وارد آن شود؟ فرمودند: بله، ای ابو دجانة! آیا نمی‌دانی که خداوند پرچمی از نور و عمودی از یاقوت دارد که بر آن نور نوشته شده است: «لا اله الا الله، محمد رسولی آل محمد خیر البریه» (نیست خدایی جز الله، محمد رسول من و بهترین مردم است).

حامل آن پرچم پیش از همه مردم وارد صحرای قیامت می‌شود و با دست مبارک به علی اشاره فرمود.

۱. سوره قمر، آیه ۵۵.

ابو دجانه گوید: با این عمل، آن را به علی تفسیر فرمود. سپس علی عرض کرد: «الحمد لله الذی کرمنّا و شرفنا بک» «سپاس و ثنای فراوان خدای را که ما را به وسیله تو کرامت و شرافت بخشید». آنگاه پیامبر (ص) به علی (ع) فرمودند: ای علی! بر تو بشارت باد! که هیچ بنده‌ای از بندگان خداوند نیست که مودّت تو را پذیرفته باشد، مگر این که خداوند او را در قیامت با ما محشور خواهد نمود. آن گاه این آیه را قرائت فرمودند:

﴿فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾^۱.

مؤلف گوید: ضمائر در فرمایش علی (ع): «الحمد لله الذی کرمنّا و شرفنا بک» تمامی اهل بیت و بانوی ایشان حوراء انسیه، فاطمه زهرا (ع) را شامل می‌شود، پس حضرت معنای دیگر این آیه کریمه به شمار می‌آیند.

۱. کشف الغمة، ص ۹۵؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۶۹. از منابع شیعه نگاه شود به: کشف الیقین، ص ۳۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۶۲؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۳۹۶.

سورهی رحمن

شامل چهار آیه:

۱-۴. ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ... اللَّوْؤُ وَالْمَرْجَانُ﴾.

﴿ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴾^۱؛

دو دریا را [به گونه‌ای] روان کرد [که] با هم برخورد کنند * در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند * پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود.^۱

فقیه شافعی جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی در تفسیر خود گوید: ابن‌مردویه از عباس درباره فرمایش الهی: ﴿ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴾ روایت نمود که گفت: منظور از دو دریا که با یکدیگر برخورد می‌کنند علی و فاطمه است.

﴿ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴾ منظور از برزخ بین آن دو که بر یکدیگر برتری بجویند پیامبر ﷺ است.

﴿ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴾ منظور از لؤلؤ و مرجان که از آن دو دریا بیرون می‌آید، حسن و حسین می‌باشند.^۲

۱. سوره رحمن، آیات ۱۹-۲۲.

۲. الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۴۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۸۵. در منابع شیعه با اندکی اختلاف آمده است: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ قَالَ لَا يَبْغِي هَذَا عَلَى هَذِهِ وَلَا هَذِهِ عَلَى هَذَا «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» قَالَ: الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ» (تأويل الآيات الظاهرة ص ۶۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۹۷ به نقل از جامع الفوائد).

سورهی واقعه

شامل نوزده آیه:

- ۱-۳. ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ... فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ﴾ .
- ۴-۱۵. ﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ... غُرُبًا أَتْرَابًا *
لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ .
- ۱۶-۱۷. ﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ﴾ .
- ۱۸-۱۹. ﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ * فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ
أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ .



﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ﴾؛

و سبقت‌گیرندگان (در ایمان و هجرت) مقدّمند * آنها مقربان خداوند هستند *
در باغ‌های پر نعمت.^۱

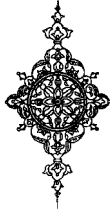
حافظ حسکانی حنفی گوید: ابو عبد الرحمن احمد بن عبد الله بن ابراهيم صوفی با اسناد خود از ضحاک از ابن عباس به ما خبر داد که گفت: از رسول خدا ﷺ تفسیر این کلام الهی را پرسیدم: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ فرمودند: جبرئیل تفسیر آن را برای من چنین بیان کرده است: آنان علی و شیعیان او هستند که پیشگام در رفتن به بهشتند.^۲
مؤلف گوید: از آنجا که اهل بیت (یعنی فاطمه و حسن و حسین و فرزندان حسین)

۱. سوره واقعه، آیات ۱۰-۱۲.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۱۶.

اشاره: در برخی منابع معتبر اهل سنت سبقت‌گیرندگان (در ایمان) سه نفر معرفی شده‌اند: یوشع بن نون در ایمان به موسی، شخصی که در سوره یاسین ذکر شده (حبیب نجار) در ایمان به عیسی و علی علیه السلام در ایمان به پیامبر ﷺ. (الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۵۴؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۸، ص ۶؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۹۱). از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۴؛ المناقب، ج ۴، ص ۲۸۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۹؛ فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۱۸۴.

اشاره: در برخی روایات شیعه امام امیرالمؤمنین و شیعیان ایشان را پیشگامان به بهشت معرفی کرده‌اند. برای نمونه مراجعه شود به: الأمالی (طوسی)، ص ۷۲؛ بشارة المصطفی، ص ۸۸.



در صدر شیعیان علی هستند لذا در صف اول کسانی هستند که این آیه کریمه شامل آنها می شود.

خطیب بغدادی ابوبکر احمد بن علی در کتاب خود «المناقب» از ابن عباس روایت کرد: از رسول خدا (ص) درباره این آیات الهی: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ پرسیدم، فرمودند: جبرئیل به من گفت: مراد از سابقان علی و شیعیان او هستند که در رفتن به بهشت، پیشی گیرند، و به جهت کرامتی که خداوند به آنان نموده مقرّبان درگاه اویند.^۱

مؤلف گوید: از آن روی که اهل بیت در صدر شیعیان علی امیرالمؤمنین و بهترین ایشان هستند لذا این حدیث را نیز در اینجا ذکر کردیم.

﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ * وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ * وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ * إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا * غُرُبًا أَتْرَابًا * لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾؛

و اصحاب یمن (یاران راست)، چه اصحاب یمنی^۱ در سایه درختان «سدر» بی خار* و در سایه درخت «طلح» پر برگ* و سایه ای گسترده* و آبی ریزان* و میوه ای فراوان* نه بریده و نه ممنوع* و همسرانی بالا بلند* ما آنان را پدید آورده ایم پدید آوردنی* و همه را دوشیزه قرار دادیم* زنانی که تنها به همسرشان عشق می ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند* برای اصحاب یمن.^۲

حافظ حسکانی حنفی گوید: عبدالرحمن بن حسن حافظ با اسناد خود از جابر از ابوجعفر باقر برای ما روایت کرد که فرمود: ما و شیعیان ما، اصحاب یمن هستیم.^۳

۱. المناقب، ص ۱۸۷.

۲. سوره واقعه، آیات ۲۷-۳۸.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۹۳؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۷. از منابع شیعه نگاه شود به: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۸؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۹۱.

مؤلف گوید: ضمیر «نحن» به اهل بیت باز می‌گردد و فاطمه زهرا علیها السلام از اهل بیت بوده و در صدر و صف ابتدایی کسانی می‌باشند که این آیات کریمه در حقشان نازل شده است.

﴿ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ ﴾؛

و اما اگر از مقربان باشد * در رُوح و ریحان و بهشت پر نعمت است.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: پدرم با اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما روایت کرد که حضرت فرمودند:

«... آل محمد همان مقربان پیشی گیرنده‌اند».

سپس گفت:

«آنان رسول خدا و علی بن ابی طالب و خدیجه و فرزندان ایشان هستند که با ایمان از آنان پیروی کردند».^۲

مؤلف گوید: از آنجا که فاطمه زهرا علیها السلام از ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه می‌باشد این دو آیه شریفه همچنین در حق ایشان نازل شده است.

﴿ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ * فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴾؛

اما اگر از اصحاب یمین باشد * (به او) ثقه می‌شود؛ پس سلام بر تو از سوی دوستان که از اصحاب یمینند.^۳

حافظ حسکانی حنفی گوید: قاضی ابوبکر حبری با اسناد خود از جابر از

۱. سوره واقعه، آیات ۸۸-۸۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۲۶. از منابع شیعه نگاه شود به: تأویل الآيات الظاهرة، ص ۶۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۲۳.

۳. سوره واقعه، آیات ۹۰-۹۱.

ابوجعفر باقر برای من روایت نمود که درباره‌ی اصحاب یمین در قرآن فرمود: ایشان شیعیان ما اهل بیت هستند.^۱

مؤلف گوید: در اینجا باید به دو نکته اشاره کرد:

اول: اگر شیعه اهل بیت از اصحاب یمین باشند پس اینکه خود اهل بیت برترین کسانی هستند که این دو آیه بر ایشان منطبق می‌باشد، واضح و روشن است. بنابراین دو آیه از آیاتی می‌باشند که در فضیلت ایشان نازل شده است که بانوی ایشان، فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشند.

دوم: حافظ حسکانی این حدیث را در ذیل آیه‌ای دیگر ذکر کرده است ولی از آنجا که تفسیر کلمه «اصحاب یمین» به شمار می‌آید آن را در اینجا یادآور شدیم.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۹۴. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۸، ص ۲۶۰؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۲۸.

سورہی مدید

شامل یک آیه:

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ
كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ
يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان
بیاورید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار
دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و بر شما
بیخشاید و خداوند غفور و رحیم است.^۱

حافظ دولابی احمد بن حماد بن سعد رازی در «الکنی و الالقب» با سند خود از
زید بن علی درباره این کلام الهی ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ
كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ ﴾ گوید:

آن، مودت و دوستی ما اهل بیت است.^۲

مؤلف گوید: فاطمه زهرا علیها السلام بانوی اهل بیت است پس آیه کریمه به دوستیشان
فراخوانده و ولایت و محبت ایشان را امر فرموده است.

۱. سوره حدید، آیه ۲۸.

۲. الکنی و الاسماء، ج ۱، ص ۱۷۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۰۹. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱،
ص ۱۹۴؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۴۶۸.

سورهی مشر

شامل سه آیه:

۱. ﴿ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى ﴾ .
 ۲. ﴿ وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ﴾ .
 ۳. ﴿ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ ﴾ .
-

﴿ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى ﴾؛

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها (فدک و اطراف آن) به رسولش (به عنوان فیه) بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او است.^۱

از ثعلبی در تفسیر خود در تبیین این آیه روایت شده که ابن عباس رضی الله عنه گفت: آن قریضه و نضیر در سه میلی (یک فرسخی) مدینه است و فدک در مدین می باشد. خیبر و روستاهای عرسه و ینبع را خداوند متعال برای رسولش قرار داده است که در آن هر گونه بخواهد حکم می کند. و در آن اختلاف کردند پس مردمی گفتند: بیا و آن را تقسیم کن. خداوند سبحان این آیه را نازل نمود: ﴿ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى ﴾. یعنی خویشان و نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله.^۲

ابوجعفر بن جریر طبری در تفسیر خود روایت می کند: ﴿ وَلِذِي الْقُرْبَى ﴾ یعنی «و لذلّی قرابة رسول الله» (و برای خویشان رسول خدا).^۳

سمهودی در کتاب وفاء الوفاء از مجد وافدی روایت کند که گوید: «مخیریق»

۱. سوره حشر، آیه ۷.

۲. العمده، ص ۵۵ و ۵۶. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۵۳۹؛ تأویل الآیات الظاهرة ص ۶۵۲.

۳. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۸، ص ۲۶.

یکی از دانشمندان یهودی بنی نضیر بود که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد و مال خود را که هفت باغستان بود به رسول خدا داد.

گفت: ابن زباله از محمد بن کعب روایت نمود که صدقات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اموال مخیریق یهودی بود. در روز احد به یهودیان گفت: آیا محمد را یاری نمی کنید؟ به خدا قسم می دانید که یاری او حق است. گفتند: امروز روز شنبه است. گفت: شنبه ای برایتان نباشد و شمشیرش را برداشت و با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفت. آنقدر جنگید که بدن او مجروح گردید. آنگاه که مشرف به مرگ گردید گفت: «اموال من از آن محمد است تا آنطور که می خواهد عمل کند» و او مرد ثروتمندی بود. پس آن، اکثر صدقات پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

اموال او که برای ایشان وصیت نمود عبارت بودند از باغستان های هفتگانه به نام های: دلال، برقه، صاغیه، مثیب، مشربه ی ام ابراهیم، اعواف و حسنی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) همگی را برای فاطمه وقف نمود و خود از آن برای میهمانان و حوائجش برمی داشت و فاطمه زهرا هنگام وفاتش این بستان ها و هر چه مال داشت را برای امیرالمؤمنین وصیت فرمود.^۱

مؤلف گوید: بنابراین فاطمه زهرا (علیها السلام) معنای ذی القربی در این آیه می باشند.

﴿ وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾

و هر چند در خودشان احتیاجی باشد، دیگران را بر خودشان مقدم می دارند و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند.^۲

حافظ حسکانی حنفی گفت: ابو عبدالله شیرازی با سند خود از ابوهریره برای ما

۱. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۵۳. از منابع شیعه نگاه شود به: مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۵۰.

۲. سوره حشر، آیه ۹.

روایت کرد که گفت:

مردی نزد پیامبر ﷺ شرفیاب شد و از گرسنگی خود شکایت کرد. حضرت او را به خانه همسرانشان فرستادند. آنان گفتند: چیزی جز آب در نزد ما نیست.

حضرت ﷺ فرمودند: کیست که امشب این مرد را میهمان کند؟

علی علیه السلام گفت: من، ای رسول خدا!

علی نزد فاطمه آمد و داستان را به او گفت. فاطمه پاسخ داد: جز غذای کودکان چیزی نداریم اما آن را به میهمانان می‌دهیم.

علی فرمود: بچه‌ها را بخوابان و من چراغ را به خاطر میهمان خاموش می‌کنم. فاطمه این کار را انجام داد و میهمان غذا خورد. چون صبح گردید خداوند برایشان این آیه را نازل نمود: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ﴾^۱.

او همچنین روایت می‌کند: عقیل با سند خود از مجاهد از ابن عباس درباره این کلام الهی ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ به ما خبر داد که گفت: این آیه درباره‌ی علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.^۲

﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾؛

هرگز دوزخیان و بهشتیان، یکسان نیستند. اصحاب بهشت، رستگارانند.^۳

علامه بحرانی از ابوالمؤید موفق بن احمد با اسناد خود از جابر روایت کرد: ما

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۴۶.

اشاره: در بسیاری از منابع اهل سنت آن شخص نه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام که مردی از انصار معرفی شده است. به عنوان نمونه مراجعه شود به: أحكام القرآن، ج ۴، ص ۱۷۷۶؛ التحریر و التنویر، ج ۲۸، ص ۸۳؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۸، ص ۱۰۰؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۷۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۴۷.

۳. سوره حشر، آیه ۲۰.

در محضر پیامبر ﷺ بودیم. علی بن ابی طالب رضی الله عنه وارد شد. رسول خدا ﷺ فرمودند: قسم به آن که جانم در دست قدرت اوست این شخص و شیعیان او همان رستگاران روز قیامت هستند.^۱

مؤلف گوید: در صدر کسانی که از علی (علیه السلام) تبعیت نمود و با دشمنان او دشمن گردید و از کسی که حق آن حضرت را غصب نمود براءت جست، سرور اولین و آخرین بانوان جهان فاطمه زهرا (علیها السلام) است. پس آیه از آیاتی است که در شأن و فضیلت ایشان که درود خداوند بر او باد و ذم مخالفان و دشمنانشان نازل شده است.

۱. غایة المرام، ص ۳۲۸؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۰.

اشاره: در منابعی همچون الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹ در ذیل آیه سوره بینه آورده است: «أخرج ابن عساکر عن جابر بن عبد الله قال: كنّا عند النبی ﷺ فأقبل علیّ فقال النبی ﷺ: و الذی نفسی بیده ان هذا و شیعیته لهم الفائزون یوم القیامة و نزلت «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّیَّةِ» فكان أصحاب النبی ﷺ إذا أقبل علیّ قالوا: جاء خیر البریة». (ابن عساکر از جابر بن عبدالله روایت کند که گفت: نزد نبی خدا ﷺ بودیم، علی آمد. پیامبر ﷺ فرمودند: به او که جانم در قبضه قدرت اوست قسم که این شخص و شیعیان او قطعاً از رستگاران روز قیامت هستند و این آیه نازل شد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّیَّةِ». از آن به بعد اصحاب پیامبر ﷺ هر گاه علی می آمد، می گفتند: بهترین مردم آمد).

سورہی جمعہ

شامل یک آیه:

۱. ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا﴾.

﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾؛

هنگامی که (آنها) تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، و خدا بهترین روزی دهندگان است.^۱

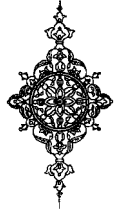
از تفسیر مجاهد و ابویوسف یعقوب بن سفیان روایت شده که ابن عباس درباره این کلام الهی ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا﴾ گفت: در روز جمعه، دحیه ی کلبی از شام به میره آمد و در منطقه ی احجار الزیت فرود آمد. سپس بر طبل نواخت تا مردم را از آمدنش آگاه کند. همه مردم به سوی او رفتند جز علی و حسن و حسین و فاطمه و سلمان و ابوذر و مقداد و صهیب، و پیامبر ﷺ را رها کردند. در حالی که حضرت بر منبر ایستاده و خطبه می خواندند. پس فرمودند: خداوند روز جمعه به مسجدم نظری افکند. پس اگر این هشت نفری که در مسجدم نشستند، نبودند مدینه بر اهلش آتش می افروخت و آنگونه که قوم لوط سنگباران شدند، سنگباران می شدند.^۲

۱. سوره جمعه، آیه ۱۱.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۰۷.

اشاره: قبلا در ذیل آیات ۳۶-۳۸ سوره نور به آن اشاره کردیم.

مؤلف گوید: قسمت اول آیه به روندگان و قسمت دوم به هشت نفری اشاره دارد که نشستند. پس ایشان همان‌هایی هستند که خداوند به جهت جلوسشان به آنها روزی می‌دهد و چون فاطمه زهرا علیها السلام از جمله آن هشت نفر می‌باشد لذا آیه کریمه در شأن و فضیلت ایشان می‌باشد.



سورہی تغابن

شامل یک آیه:

۱. ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾.

﴿ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴾؛

پس به خدا و پیامبر او و (آن) نوری که فرو فرستادیم ایمان آورید، و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.^۱

علامه قیسی گوید:

امام حافظ طبری ابوجعفر محمد بن جریر در کتابش «الولایه» با سند خود از زید بن ارقم روایت می‌کند: وقتی پیامبر ﷺ هنگام بازگشت از حجه الوداع در غدیر خم نزول اجلال فرمود. هنگام ظهر و آفتاب سوزان امر نمود چند تنه درخت جمع کردند، پس بر آن ایستاد و فرمود: نماز جماعت. پس جمع شدیم و حضرت خطبه‌ی بلیغی ایراد فرمود. تا آنجا که فرمود: ای مردم! به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم ایمان آورید! آنگاه اضافه فرمود: نوری را که خدا فرو فرستاده در من است، سپس در علی و پس از او در نسل او تلاؤ خواهد داشت تا به قائم مهدی برسد.^۲

مؤلف گوید: بر حسب این حدیث شریف، این آیه کریمه از آیاتی می‌باشد که بر آن بر فضیلت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام استشهاد می‌شود چرا که آیه کریمه که اطراف آن، پدرشان، شوهرشان و فرزندان‌شان باشند محور و مرکز‌شان ایشان می‌باشند

۱. سوره تغابن، آیه ۸.

۲. ماذا فی التاریخ؟، ج ۳، ص ۱۴۵ و ۱۴۷. از منابع شیعه نگاه شود به: الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۳۰۳.

و عبارت «انزلنا» به اعتبار آن است که از جانب خداوند بوده و خدا برتر از هر چیزی است. پس هر چیزی از جانب او برای مردم است لازم است نازل شود تا به ایشان برسد که نظائر آن در قرآن نیز وجود دارد: خداوند می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ﴾^۱ (آهن را فرو فرستادیم) و یا می فرماید: ﴿وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي﴾^۲ (و بگو پروردگارا مرا فرود آور...) و در جای دیگر فرموده است: ﴿وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا﴾^۳ (فرشتگان نزول یابند) و...

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۲۹.

۳. سوره فرقان، آیه ۲۵.

سورهی تہریم

شامل دو آیه:

۱. ﴿وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ﴾.

۲. ﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾.

﴿وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾؛

و اگر بر ضدّ او دست به دست هم دهید (کاری از پیش نخواهید برد)، خدا
خود سرپرست اوست، و جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان پشتیبان
خواهند بود.^۱

حافظ قندوزی حنفی گوید: اسماء بنت عمیس گفت: چون آیه ﴿وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾ نازل گردید،
پیامبر ﷺ به علی فرمودند: آیا به تو بشارتی ندهم؟ تو با جبرئیل هم ردیف شده‌ای.
سپس این آیه را تلاوت کرده و فرمودند: تو و مؤمنان از اهل بیت، صالحان هستید.^۲
مؤلف گوید: از آنجا که فاطمه زهرا (علیها السلام) برترین اهل بیت علی (علیه السلام) می باشد، آیه
کریمه از آیاتی است که در حق ایشان، شوهرشان و فرزندانشان (علیهم السلام) نازل شده است.

﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

۱. سوره تحریم، آیه ۴.

۲. ینابیع المودة، ص ۹۳؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۴۷. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۳۶،
ص ۲۹؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۷۴.

وَبِإِيمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾

در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند. (این در حالی است که) نورشان پیشاپیش آنان و از سمت راستشان در حرکت است. می‌گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی». ^۱

از ابن شهر آشوب از تفسیر مقاتل از عطا از ابن عباس روایت شده که درباره آیه کریمه ی ﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ﴾ گفت: خدای متعال محمد را عذاب نمی‌کند. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و حمزه و جعفر را عذاب نمی‌کند.

﴿نُورُهُمْ يَسْعَى﴾ صراط از علی و فاطمه به مانند هفتاد برابر دنیا نورانی می‌گردد پس نورشان حرکت می‌کند. ﴿بَيْنَ أَيْدِيهِمْ﴾ و در حرکت است.

﴿وَبِإِيمَانِهِمْ﴾ و آنها او را دنبال می‌کنند. پس اهل بیت محمد اولین گروهی هستند که مانند برق جهنده از صراط عبور می‌کنند و قومی مانند اسب تندرو... و گروهی مانند تیر، و قومی افتان و خیزان، و خدای تعالی آن را برای مؤمنان وسیع می‌گرداند و بر گناهکاران دقیق. خدای بزرگ می‌فرماید: ﴿يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا﴾ تا اینکه با آن از صراط بگذریم.

سپس گفت: پس امیرالمؤمنین در تخت روانی از زمرد سبز عبور می‌کند و همراه ایشان فاطمه است که بر ناقه‌ای از یاقوت قرمز است که پیرامونش هفتاد هزار حوریه مانند برق درخشان می‌باشد. ^۲

۱. سوره تحریم، آیه ۸.

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۷.

سورهی مزمل

شامل یک آیه:

۱. ﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾.

﴿ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۖ ﴾

به طور قطع این اندرزی است، پس هر که بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد.^۱

حافظ و فقیه شافعی ابن حجر هیثمی با سند خود از پیامبر ﷺ روایت کرد که حضرت فرمودند:

من و اهل بیتم درختی در بهشت هستیم که شاخه‌های آن در دنیا است، پس کسی که به ما تمسک جوید: «به سوی پروردگار خود راهی پیش گرفته است».^۲
مؤلف گوید: حضرت زهرا علیها السلام در صدر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارند بنابراین در ضمن تنزیل این آیه کریمه جای می‌گیرند.

و این حدیث شریف که در آن، همان جمله‌ای که قرآن کریم در این آیه شریفه ذکر کرده، ذکر شده است پس گویی به آن اشاره نموده است و جمع بین آیه و حدیث نشان می‌دهد که قرآن و اهل بیت جدایی ناشدنی هستند و هر کجا یکی باشد دیگری نیز هست و جایی که یکی نباشد دیگری نیز نیست که این مطابق با حدیث شریف نبوی و متواتر از ایشان علیهم السلام است.

۱. سوره مزمل، آیه ۱۹.

۲. الصواعق المحرقة، ص ۹۰؛ ذخائر العقبی، ص ۱۶.

اشاره: در منابع شیعه مراد از «تذکره» ولایت معرفی شده است (الکافی، ج ۱، ص ۴۳۴).

سورہی مدّثر

شامل شش آیہ:

۱-۳. ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ... غَيْرُ يَسِيرٍ﴾.

۴-۶. ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ... فِي جَنّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾.

﴿ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿ عَلَى الْكَافِرِينَ
غَيْرُ يَسِيرٍ ﴾ ؛

پس چون در صور دمیده شود * آن روز، روز سختی است * و برای کافران
آسان نیست.^۱

حافظ قندوزی حنفی گوید: از مفصل بن عمر از صادق رضی الله عنه درباره کلام
الهی ﴿ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴾ روایت
شده است که فرمود: آنگاه که برای قائم، اذن قیام داده شود، او به پا می‌خیزد پس آن
روز بر کافران روز سختی است.

صادق علیه السلام فرمود: در قرآن مثال‌هایی زده شده است که ما آن را می‌دانیم و غیر ما آن
را نمی‌داند.^۲

مؤلف گوید: ضمیرهای «نحن» و «نا» اشاره به تمام اهل بیت دارند که در صدر و
محور ایشان فاطمه زهرا علیها السلام قرار دارند. ایشان آن را می‌دانند و غیر ایشان آن را

۱. سوره مدثر، آیات ۸-۱۰.

۲. ینابیع المودة، ص ۱۵۱. از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۰۵.

اشاره: در تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۰۸ آمده است: «فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ»
یعنی بالکافرین المرجئة الذین کفروا بنعمة الله و بولاية علی بن ابی طالب علیه السلام.

نمی‌داند چرا که آنان اهل بیت هستند و غیر ایشان اهل بیت نیستند، و اهل خانه بهتر می‌دانند که چه در خانه می‌گذرد که غیر ایشان آن را نمی‌دانند. پس فاطمه زهرا (علیها السلام) کسی است که این علم اختصاص به حضرتش دارد.

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ۖ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ۖ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾؛

(آری) هر کس در گرو اعمال خویش است * مگر «اصحاب یمین» * در میان باغها از یکدیگر سؤال می‌کنند.^۱

حافظ عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی حنفی گوید: عبدالرحمن بن حسن حافظ با سند خود از ابوجعفر باقر (علیه السلام) درباره این آیه‌ی شریفه: ﴿إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾ به ما خبر داد که فرمودند:

ما و شیعیان ما اصحاب یمین هستیم.^۲

مؤلف گوید: این حدیث را در گذشته نیز ذکر کردیم.

در حدیثی دیگر که هم‌اکنون از اباجعفر روایت نموده، آمده است: ایشان شیعیان ما اهل بیت هستند.^۳

آنطور که بارها گفته‌ایم و اخبار متواتر نیز به آن دلالت دارند، مراد از کلمه «نحن» اهل بیت هستند که صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیها السلام) از ایشان می‌باشند. او و خانواده‌اش معنی «اصحاب یمین» بوده و شیعیانشان نیز با ایشان می‌باشند.

۱. سوره مدثر، آیات ۳۸-۴۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۹۳؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۲۰، ص ۸۷؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۷. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۴۳۴؛ بشارة المصطفی، ص ۱۶۲.

۳. همان.

سورهی دهر (انسان)

شامل سی و یک آیه:

۱ - ۳۱. ﴿ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ ... وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ
عَذَاباً أَلِيماً ﴾ .

﴿ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً ﴾ * إِنَّا خَلَقْنَا
الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً * إِنَّا هَدَيْنَاهُ
السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً * إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالاً
وَسَعِيراً * إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً * عَيْنًا
يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً * يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْماً
كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً * وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا
وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً * إِنَّا
نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْماً غُوباً قَمَطِرِيراً * فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ
وَلَقَاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُوراً * وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيراً * مُتَكَبِّينَ
فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيراً * وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ
ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا * وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ
كَانَتْ قَوَارِيرًا * قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا * وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا
كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا * عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا * وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ
مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثورًا * وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا
وَمُلْكًا كَبِيرًا * عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرَ مِّنْ
فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا * إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ

مَشْكُورًا * إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا * فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا
تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا * وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا * وَمِنَ اللَّيْلِ
فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا * إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ
وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا * نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا
أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا * إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا * وَمَا
تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا * يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي
رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا *؛

آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکرى نبود؟! * (بى شك) ما
انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، تا او را (به تکلیف) بیازماییم و او را شنوا و
بینا قرار دادیم! * ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاسگزار خواهد بود و یا
ناسپاس! * ما برای کافران، زنجیرها و بندها و آتشی فروزان آماده کرده ایم *
به یقین نیکان (در آن جهان) از جامی نوشند که با عطر خوشی آمیخته است *
چشمه‌ای که بندگان (خاص) خدا از آن می‌نوشند، و (از هر جا بخواهند)
جاریش می‌کنند * به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزند آن فراگیرنده
است می‌ترسیدند * و به دوستی، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند * (در
دل گویند) «ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و
سپاسی از شما نمی‌خواهیم * ما از پروردگارمان از روز عبوسی سخت،
هراسناکیم.» * پس خدا آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و
شادمانی به آنان ارزانی داشت * و در برابر صبرشان، بهشت و لباس‌های
حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهد! * در آن بر تختها تکیه زنند. در آنجا نه
آفتابی بینند و نه سرمایی * و در حالی است که سایه درختان بهشتی بر آنها
فرو افتاده و چیدن میوه‌هایش بسیار آسان است! * و در گرداگرد آنها
ظرف‌هایی سیمین و قدح‌هایی بلورین می‌گردانند * ظرف‌های بلورینی از
نقره، که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده‌اند! * و در آنجا از پیمانهای که
آمیزه زنجبیل دارد به آنان می‌نوشانند * از چشمه‌ای در آنجا که «سلسبیل»
نامیده می‌شود * و برگردشان نوجوانانی جاودانی می‌گردند که هرگاه آنها را

ببینی گمان می‌کنی مروارید پراکنده‌اند! * و هنگامی که بدانجا نگری نعمتها و ملک عظیمی را می‌بینی! * جامه‌های ابریشمی سبز و دیبای ستبر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند * این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است! * در حقیقت، ما قرآن را بر تو به تدریج فرو فرستادیم * پس در حکم پروردگارت شکبیا باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن! * و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن * و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی! * آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خود رها می‌کنند! * ماییم که آنان را آفریده و پیوند مفاصل آنها را استوار کرده‌ایم، و چون بخواهیم، به نظایرشان تبدیل می‌کنیم * این پندنامه‌ای است. تا هر که خواهد، راهی به سوی پروردگار خود پیش گیرد * و شما هیچ چیز را نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، خداوند دانا و حکیم بوده و هست! * و هر کس را بخواهد در رحمت خود وارد می‌کند، و برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است!'

علامه آلوسی با اسناد خود از ابن عباس (در شان نزول سوره دهر) روایت می‌کند: روزی حسن و حسین بیمار شدند، جدشان محمد به همراه ابوبکر و عمر به عیادت آنها رفتند. برخی از اصحاب نیز به عیادتشان آمدند. به علی کرم الله وجهه پیشنهاد کردند: ای ابوالحسن! برای شفای فرزندان نذری بنما تا شفا یابند و هر نذری که با تعهد به وفای به آن مقرون نباشد چیزی نیست.

علی (کرم الله وجهه) فرمود: اگر فرزندانم از این مریضی شفا یابند به شکرانه آن سه روز روزه می‌گیرم و فاطمه نیز مانند آن را فرمود و خدمتکارشان فضا نیز گفت: اگر سروران من بهبودی یابند به شکرانه آن برای خدا سه روز روزه می‌گیرم.

آن دو بزرگوار سلامتی خود را بازیافتند و این در حالی بود که از نظر مواد خوراکی، دست خالی بودند. علی کرم الله وجهه به نزد شمعون، یهودی خیبری رفت و سه صاع (معادل ۹ کیلو) جو قرض گرفت و آن جو را آورد. فاطمه (رضی الله تعالی عنها) برخاست و آن جو را آرد کرده و پنج قرص نان جوین به تعداد پنج نفرشان طبخ فرمود و در سفره‌ی افطار نهاد. علی (کرم الله وجهه) نماز مغرب را با پیامبر خواند. سپس به خانه آمد و غذا پیش روی او گذاشته شد. هنگامی که آماده‌ی افطار شدند بینوایی پشت در منزل ایستاد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد! فقیری مسلمانم به من غذا دهید باشد که خداوند از غذاهای بهشتی نصیب شما کند.

علی گفت: به او غذا دهید و خود و خانواده‌اش روز و شب را جز آب چیزی نخوردند و روز بعد را با روزه آغاز کردند.

چون روز دوم شد فاطمه (رضی الله تعالی عنها) مقداری جو برداشت و آرد نمود و پخت و علی (کرم الله وجهه) نماز مغرب را با پیامبر خواند. سپس به خانه آمد و غذا پیش روی او نهادند. یتیمی آمد پشت در منزل ایستاد و صدا کرد: سلام بر شما خاندان محمد! یتیمی از فرزندان مهاجرانم، پدرم در روز عقبه به شهادت رسیده است مرا اطعام کنید خدا شما را از مائده‌های بهشت بخوراند.

علی گفت: به او غذا دهید و خود و خانواده‌اش شب را جز آب چیزی نخوردند و روز بعد را نیز با روزه آغاز کردند.

چون روز سوم شد فاطمه رضی الله تعالی عنها صاع سوم را برداشت و آرد تهیه کرد و نان پخت و علی (کرم الله وجهه) نماز مغرب را با پیامبر به جای آورد و سپس به خانه آمد و غذا پیش رویش گذاشتند. اسیری آمد پشت در منزل ایستاد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد! من اسیر محمد هستم غذایی به من بدهید خدا از مائده‌های بهشتی شما را روزی فرماید.

علی گفت: به او غذا دهید و خود و خانواده‌اش شب را چیزی نخوردند و نیشامیدند جز آب.

روز چهارم - که نذر خود را ادا کرده بودند - علی (کرم الله وجهه) به دست راستش حسن و به دست چپش حسین را گرفت و به سوی پیامبر رفتند در حالی که از شدت گرسنگی مانند جوجگان می‌لرزیدند. پیامبر به آن نگریستند و با حالتی رقت بار گفتند: ای اباالحسن! چه ناگوار است بر من که شما را در این حال ببینم. به خانه دخترم فاطمه برویم. پس همی به سوی او رفتند و ایشان در محراب خود مشغول نماز بود در حالی که از شدت گرسنگی شکم مبارک به پشتش چسبیده و چشمانش در گودی نشسته بود! رسول خدا پس از مشاهده این حال گفتند: وا غوثاه! یا الله! اهل بیت محمد از گرسنگی در حال جان دادنند. پس جبرئیل امین نازل گردید و این آیات را قرائت نمود: ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً﴾ تا انتهای سوره.^۱

قرطبی در تفسیر خود «الجامع لأحكام القرآن» مانند این حدیث را روایت نموده است. بلکه تفصیل آن از آنچه نقاش و ثعلبی و قشیری و دیگرانی که از لیث از مجاهد از ابن عباس نقل کرده‌اند، بیشتر می‌باشد.^۲

نظام الدین نیشابوری در تفسیر خود «غریب القرآن و رغائب الفرقان» گوید: سوره دهر درباره اهل بیت پیامبر ﷺ نازل شده است سپس روایت را ذکر می‌کند تا می‌رسد به آنجا که می‌گوید: و روایت می‌کند که سائل در آن شب‌ها جبرئیل بوده است که به اذن خداوند سبحان برای آزمایش آنها آمده بود.^۳

«خازن» در تفسیرش «لباب التأویل فی معانی التنزیل» در تفسیر این آیات گوید: از ابن عباس روایت شده است که آن درباره علی بن ابی طالب رضی الله تعالی عنه نازل شده است. ایشان برای مقداری جو برای یک یهودی کارکرد سپس جو را برداشت و یک سوم آن را دستاس و آرد و سپس خمیر نمود تا بپزند و بخورند. همینکه آماده

۱. روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۵۷.

۲. الجامع لأحكام القرآن، ج ۲۰، ص ۱۳۱.

۳. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، ص ۴۱۲.

می شود مسکینی سر می رسد و تقاضایی می کند و آنها به او عطا می کنند، سپس ثلث دوم را می پزد. همینکه از آن فارغ می شود یتیمی می آید و درخواستی می کند و به او می دهند. سپس یک سوم باقیمانده را می پزد. وقتی غذا آماده می شود اسیری از مشرکان می آید و درخواست می کند و آنها آن را به او می دهند و خود روز و شبشان را گرسنه به سر آوردند پس این آیه نازل می گردد.^۱

در تفسیر بغوی شافعی به نام «معالم التنزیل» تألیف ابو محمد حسین فراء بغوی از مجاهد و عطاء از ابن عباس روایت شده که سوره ی دهر درباره علی بن ابی طالب نازل شده است و آن بدان سبب است که او در ازای مقداری جو برای شخصی یهودی کار کرد. پس جو را گرفت و یک سوم آن را آرد نمود. مقداری از آن را برداشتند تا بخورند. هنگامی که آماده شد مسکینی در زد و تقاضایی نمود بی درنگ غذا را به او دادند. سپس ثلث دوم را پخت. هنگامی که آماده شد یتیمی درخواست غذا نمود پس به او دادند. آنگاه یک سوم باقی مانده را پخت چون آماده گردید اسیری از مشرکان آمد و درخواست طعام نمود پس به او عطا کردند و روزشان را گرسنه به سر آوردند...^۲

دانشمند حنفیان حافظ قندوزی از بیضاوی و آلوسی در تفاسیرشان و همچنین از غیر آن دو درباره بیماری حسن و حسین و نذر روزه علی و فاطمه روایت می کند:

صبح روز چهارم پس از ادای نذرشان علی به دست راستش حسن و به دست چپش حسین رضی الله عنهم را گرفت و به سوی رسول خدا ﷺ روان گردید و آن دو از شدت گرسنگی مانند جوجکان به خود می لرزیدند. چون پیامبر ﷺ آنها را دید به سوی دخترش فاطمه رضی الله عنها رهسپار گردید و آنها نیز به آنجا رفتند. او در محرابش در حال نماز بود و شکم مبارکش از شدت گرسنگی به پشتش چسبیده بود و چشمانش گود افتاده بود. وقتی رسول خدا ﷺ او را دیدند متأثر شده ندا بر آوردند:

۱. لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۴، ص ۳۷۸.

۲. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۹۱.

واغوثاه! یا الله! اهل بیت محمد از گرسنگی در حال جان دادنند. در همان حال جبرئیل علیه السلام فرود آمد و این سوره را قرائت نمود: ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً﴾ تا پایان سوره.^۱

امام حافظ ابوالقاسم محمد بن احمد بن جزى کلبی غرناطی در تفسیر خود معروف به «التسهيل لعلوم التنزيل» هنگام بیان ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ﴾ گوید: این آیه و آیه بعد آن درباره علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم نازل شده است.^۲

۱. ینابیع المودة، ص ۹۴.

۲. التسهيل لعلوم التنزيل، ج ۴، ص ۳۱۸. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۳۷، باب ۶، که پیرامون نزول سوره مبارکه «هل اتی» می باشد.

سورهی مرسلات

شامل چهار آیه:

۱- ۴. ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ... إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي
الْمُحْسِنِينَ﴾.

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ * وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ * كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴾؛

اهل تقوا در زیر سایه‌ها و بر کنار چشمه‌سارانند * و میوه‌هایی از آنچه مایل باشند! (برایشان فراهم است، به آنان خطاب شود:) * بخورید و بیاشامید گوارا، اینها در برابر اعمالی است که انجام می‌دادید! * ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم!^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: عقیل بن حسین با سند خود از مجاهد از ابن عباس در تنزیل این آیه کریمه به ما خبر داد:
﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ ﴾ پارسایان که از شرک و گناهان کبیره دوری گزیدند، علی و حسن و حسین هستند.

﴿ فِي ظِلَالٍ ﴾ یعنی زیر سایه‌ی درختان و خیمه‌هایی از لؤلؤ.

﴿ وَعُيُونٍ ﴾ یعنی آبی پاک که جریان دارد.

﴿ وَفَوَاكِهَ ﴾ یعنی: میوه‌های گوناگون.

﴿ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴾ یعنی از آنچه آرزو می‌کنند.

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا﴾ یعنی در بهشت، نه مرگی برای شما هست و نه حسابی.

﴿بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ یعنی: از این رو که خدا را در دنیا اطاعت می کردید.

﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ یعنی اهل بیت محمد در بهشت.^۱

مؤلف گوید: این حدیث شریف در ابتدایش به «علی و حسن و حسین» اشاره دارد و معلوم است - بر طبق روایات - که فاطمه (علیها السلام) محور ایشان می باشد و در آخرش به «اهل بیت محمد» اشاره می کند. و بدیهی است که فاطمه زهرا (علیها السلام) بانوی اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد، پس این آیات حاکی از مدح و ثناء ایشان است.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۱۶. از منابع شیعه نگاه شود به: المناقب، ج ۲، ص ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۲۰.

سورہی مطفقین

شامل دو آیہ:

۱-۲. ﴿وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾.

﴿ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴾ ؛

و ترکیبش از «تسنیم» است * همان چشمه‌ای که مقربان از آن می‌نوشند.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: پدرم با سند خود از جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر ﷺ برایم روایت نمود که در تفسیر این آیه: ﴿ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴾ فرمودند: آن نوشیدنی شریف‌ترین نوشیدنی در بهشت است که آل محمد - که همان مقربان هستند - از آن می‌نوشند.^۲

مؤلف گوید: در طلیعه‌ی آل محمد ﷺ، سرور ما، فاطمه زهرا ﷺ قرار دارد که ایشان و خانواده‌شان معنای ﴿ يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴾ در این آیه می‌باشند.

۱. سوره مطففین، آیات ۲۷-۲۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۲۶. از منابع شیعه نگاه شود به: تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۵۳.

سورہی بروج

شامل یک آیه:

۱. ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾.

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾

سوگند به آسمان که دارای برج‌های بسیار است.^۱

حافظ قندوزی حنفی گوید: از اصبع بن نباته از ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: آسمان منم، و برجها، امامان از اهل بیت و عترت من هستند. نخستین آنان علی و آخرشان مهدی است و آنها دوازده نفرند.^۲

مؤلف گوید: در این حدیث شریف اشاره‌ای به فضیلت سیده کبری، فاطمه زهرا علیها السلام است و آن به سبب برخورداری از جایگاهی رفیع در نزد پدر بزرگوارشان و فرزندان‌شان، امامان پاک علیهم السلام می‌باشد. چراکه بنابر روایات بسیار آن بانو مرکز و محور ایشان هستند پس آیه از مواردی است که اشاره به فضل و بزرگی شأن ایشان دارد.

۱. سوره بروج، آیه ۱.

۲. ینابیع المودة، ص ۵۱۵. از منابع شیعه نگاه شود به: الاختصاص، ص ۲۲۳.

سورہی بلد

شامل سه آیه :

۱. ﴿وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ﴾ .

۲. ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ﴾ .

﴿ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴾ ؛

سوگند به پدری و آن کسی را که به وجود آورد.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: اسحاق بن محمد بصری با سند خود از جابر برای ما روایت نمود. از اباجعفر درباره‌ی تفسیر کریمه‌ی: ﴿ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴾ سؤال نمودم، فرمودند: منظور علی و فرزندان او هستند.^۲

مؤلف گوید: از آنجا که فاطمه زهرا علیها السلام کفو و همتای امام علی علیه السلام است و - به نص روایات بسیار - اگر ایشان نبودند علی علیه السلام کفوی نداشت، برخوردار از جایگاهی به مانند مدار برای سنگ آسیا می‌باشند و آیه حاکی از فضل او بوده و همچنین به منزلت ایشان علیه السلام اشاره دارد.

﴿ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴾

ولی او از آن گردنه مهم نگذشت! * و تو نمی‌دانی آن گردنه چیست!^۳

۱. سوره بلد، آیه ۳.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۳۱. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۴؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۷۲.

۳. سوره بلد، آیات ۱۱ و ۱۲.

از محمد بن صباح زعفرانی، از مزنی، از شافعی، از مالک بن حمید، از انس روایت شده: رسول خدا ﷺ درباره این سخن الهی:

﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ فرمودند: بالای صراط عقبه ای سخت است که طول آن سه هزار سال است؛ هزار سال هبوط، و هزار سال خار و خاشاک و عقربها و مارها، و هزار سال صعود. من نخستین کسم که آن عقبه را طی می کند و دومین کسی که آن عقبه را می گذارند، علی بن ابی طالب است. تا آنکه فرمودند: آن را بدون مشقت کسی نمی پیماید مگر محمد و اهل بیت او.^۱

مؤلف گوید: از آن روی که دخت نبی مختار علیه و علیها السلام بانوی اهل بیت اوست در طلیعه کسانی است که این آیه شامل ایشان می شود بلکه در طلیعه کسانی است که این آیه در حق ایشان نازل شده است.

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۶؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۷۳.

اشاره: در شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۳۱ آمده است: از امام باقر از این فرمایش الهی: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» سؤال شد. با دست به سینه شان زدند و فرمودند: ما گردنه ای هستیم که هر که از آن بگذرد نجات یابد.

سورهی شمس

شامل چهار آیه:

۱- ۴. ﴿ وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ... وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا ﴾ .

﴿ وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴾ ؛

به خورشید و تابندگی‌اش سوگند * و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید * سوگند به روز چون (زمین) روشن گرداند * و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: فرات بن ابراهیم با سند خود از ابن عباس گفت: منظور از شمس در آیه‌ی: ﴿ وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ﴾ رسول خدا ﷺ است. و مقصود از قمر در آیه‌ی: ﴿ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴾، علی بن ابی طالب است. و منظور از نهار در ﴿ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ﴾، حسن و حسین هستند. و مقصود از ﴿ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴾ بنی امیه می‌باشند.^۲

مؤلف گوید: هر که روایات شریفه درباره اهل بیت (علیهم‌السلام) را مورد بررسی قرار دهد یقین می‌یابد که این آیات کریمه و آیات دیگری که به فضیلت رسول خدا و علی و حسن و حسین (علیهم‌السلام) اشاره دارند به فضل بانوی زنان، فاطمه زهرا (علیها‌السلام) نیز اشاره کرده‌اند چرا که حضرتش مرکز و محور ایشان می‌باشند.

۱. سوره شمس، آیات ۱-۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۳۳. از منابع شیعه نگاه شود به: الکافی، ج ۸، ص ۵۰؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۴.

سوره‌ی ضحی

شامل یک آیه:

۱. ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾.

﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾؛

و به زودی (در قیامت) پروردگارت آنقدر به تو عطا خواهد کرد، تا خرسند گردی.^۱

علامه حنفیان، حافظ حسکانی با سند خود از جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند: روزی پیامبر ﷺ بر فاطمه وارد شدند و دیدند بر دوش آن بانو لباسی از پوست شتر بود و با دست های خود آسیا را می گرداند. رسول خدا ﷺ همین که فاطمه را در این حال دیدند گریستند و فرمودند: ای دختر گرامی! سختی های دنیا را برای رسیدن به شیرینی های آخرت تحمل کن. آن گاه خداوند این آیه را فرو فرستاد: ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾.^۲

۱. سوره ضحی، آیه ۵.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۴۲؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۱؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۳۷۹. از منابع شیعه نگاه شود به: تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۸۳. اشاره: بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۴۳: عیسی بن مهران با اسناد خود تا زید بن علی علیه السلام درباره آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» فرمود: رضایت رسول خدا ﷺ آن است که خدای متعال اهل بیت و شیعیانش را وارد بهشت نماید.

سورہی انشراح

شامل یک آیه:

۱. ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾.

﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾؛

و نامت را برای تو بلند گردانیدیم.^۱

علامه شیخ اسماعیل حقی بروسوی در تفسیر خود «روح البیان» درباره‌ی این آیه‌ی شریفه: ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ گوید: و خدای متعال به ایشان نسلی اعطا فرمود که در طول دوران باقی باشد. ببین که چقدر از اهل بیت کشته شدند اما هنوز عالم از ایشان سرشار است.^۲

مؤلف گوید: از آنجا که نسل نبی اعظم ﷺ از دخترشان صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) است پس مراد از ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ این است که: به واسطه دخترت فاطمه نام تو را بلند می‌گردانیم.

پس آن بانو مغز تنزیل این آیه کریمه می‌باشند.

۱. سوره انشراح، آیه ۴.

۲. تفسیر روح البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۵.

اشاره: در روایات شیعه آمده است: رفعت نام پیامبر مکرم اسلام، به واسطه دامادشان، امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌باشد (بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۱۶).

سورهی تین

شامل هشت آیه:

۱. ﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ ... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾.

﴿وَالْتِّينَ وَالزَّيْتُونَ﴾ وَطُورِ سَيْنِينَ ﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا
الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ﴾
أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿

قسم به انجیر و زیتون! * و سوگند به طور سینا! * و به این شهر امن (مکه) * که
ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم * آن گاه او را به پایین ترین
مرحله بازگردانیدیم * مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند
که برای آنها پاداشی بی منت است! * پس چه چیز سبب می شود که بعد از این
همه (دلایل روشن) روز جزا را انکار کنی؟! * آیا خداوند بهترین
حکم‌کنندگان نیست؟! *

حافظ حسکانی حنفی گوید: فرات با سند خود از محمد بن فضیل صیرفی روایت
می‌کند که گفت: از موسی بن جعفر تفسیر این آیات الهی را پرسیدم:
﴿وَالْتِّينَ وَالزَّيْتُونَ﴾ فرمودند: مراد از تین (= انجیر) حسین و از زیتون حسن است.
و منظور از ﴿وَطُورِ سَيْنِينَ﴾ امیر مؤمنان.

و مقصود از ﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾، رسول خدا ﷺ است. او راهی است که خداوند

به وسیله او خلق را در راهشان و از آتش، اگر او را اطاعت کنند امنیت بخشیده است.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ آن امیر مؤمنان علی و شیعیان اویند.

﴿فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾^۱.

خطیب بغدادی در تاریخش با سند خود از انس بن مالک روایت می‌کند که گفت: وقتی سوره «والتین» بر رسول خدا (ﷺ) نازل شد، حضرت بسیار شادمان شدند به حدی که شدت شادمانی ایشان را ما نیز حس کردیم. بعدها از ابن عباس درباره تفسیر آن پرسیدیم. او حدیثی طولانی خواند تا رسید به اینجا که مراد از جمله: ﴿فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ﴾ علی بن ابی طالب است.^۲

مؤلف گوید: و فاطمه زهرا (ع)، که محور خانواده مبارک خود یعنی پدر و شوهر و فرزندان‌شان می‌باشند پس این آیات کریمه از مواردی هستند که به فضل ایشان اشاره داشته و حاکی از کرامت آن بانو بر خداوند متعال می‌باشند.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۵۱.

اشاره: این روایت شریف در منابع معتبر شیعی، همچون تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۹ اینگونه آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم والتين والزيتون وطور سينين وهذا البلد الامين. قال: التين رسول الله (ﷺ)، والزيتون أمير المؤمنين (ع)، وطور سينين الحسن والحسين (ع)، و البلد الامين الأئمة (ع) لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم قال: نزلت في زريق، ثم ردذناه أسفل سافلين إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات قال: ذلك أمير المؤمنين (ع)، فلهم أجر غير ممنون أي لا يمن عليهم به ثم قال لنبيه (ﷺ): فما يكذبك بعد بالدين قال: ذلك أمير المؤمنين (ع) [قال بأمير المؤمنين] أليس الله بأحكم الحاكمين».

۲. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۹۷؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۶.

سورهی بیّنہ

شامل دو آیہ:

۱-۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... خَشِيَ رَبَّهُ﴾.

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسِيَ رَبُّهُ ﴾^۱

کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدا) هستند * پاداش آنها نزد پروردگارشان باغ‌های جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است همیشه در آن می‌مانند! خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا خشنودند و این برای کسی است که از پروردگارش بترسد.^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابوفنچویه با سند خود از جابر بن عبدالله انصاری برای ما روایت کرد که گفت: روزی خدمت رسول خدا ﷺ در مسجد مدینه نشسته بودیم، بعضی از اصحاب از بهشت سخن به میان آوردند، پس پیامبر خدا ﷺ فرمودند: برای خدا پرچمی از نور و ستونی از زبرجد است که آنها را دو هزار سال پیش از آفریدن آسمانها آفریده است. بر دامنه آن پرچم نوشته شده است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، آل محمد خیر البریة» (نیست خدای جز الله، محمد رسول خداست، خاندان محمد بهترین مردم هستند) صاحب پرچم امام قوم است، پس علی گفت: ستایش خداوند را که ما را به وسیله تو هدایت کرده و گرامی داشته و شرافت

داده است. پیامبر (ص) به او فرمودند: یا علی! آیا می‌دانی که هر کس ما را دوست بدارد و خود را به محبت ما نسبت دهد، خداوند او را با ما ساکن می‌کند؟ و این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾.^۱

همچنین او از سعید بن ابی سعید بلخی با اسناد خود از ضحاک از ابن عباس درباره این کریمه: ﴿أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ روایت می‌کند که گفت: درباره علی و اهل بیت او نازل شده است.^۲

آلوسی در تفسیرش با سند خود از ابن عباس روایت می‌کند که این آیه در حق علی و اهل بیت او نازل شده است.^۳

مؤلف گوید: روایات این باب بسیار است که به ده‌ها روایت می‌رسند و در کتاب‌های مختلف حدیث، تفسیر و سیره آمده‌اند. ما به روش خود - که تنها اقتباس و نه برشمردن تمام موارد است - تنها سه روایت را آوردیم. هر که بخواهد می‌تواند بقیه موارد را در جایگاه خاص آن بیابد.

و اینکه آیه بعد را نیز آوردیم بدان سبب است که آن دو مانند دو ریشه‌ای هستند که از هم جدا نمی‌شوند و جمله‌ای که جزء جزء نمی‌گردد. از آن روی که فاطمه زهرا (علیها السلام) بانوی اهل بیت است به حق از کسانی هستند که این دو آیه کریمه در شأن آنها نازل شده است.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۴. از منابع شیعه نگاه شود به: الفضائل، ص ۱۲۳؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۲۱؛ کشف الیقین، ص ۳۸۵.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۶. از منابع شیعه نگاه شود به: بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۵۳؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۲.

۳. روح المعانی، ج ۳۰ ذیل تفسیر سوره بینه.

سورہی تکاثر

شامل یک آیه:

۱. ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾.

﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾؛

سپس در آن روز (همه‌ی شما) از نعمت‌هایی که داشته‌اید، پرسیده خواهید شد!^۱

علامه آلوسی گوید:

از جمله روایت عیاشی است که اباعبدالله رضی الله تعالی عنه به ابوحنیفه فرمودند: ای نعمان! در این آیه منظور از «نعیم» به عقیده‌ی تو چیست؟ ابوحنیفه گفت: غذاست و طعام و آب خنک. حضرت فرمودند: اگر خدا بخواهد در روز قیامت تو را در پیشگاهش نگاه دارد و از هر لقمه‌ای که خورده‌ای و هر جرعه‌ای که نوشیده‌ای بپرسد، ایستادنت در محضر او طولانی می‌شود. ابوحنیفه گفت: پس منظور از «نعیم» چیست؟! حضرت فرمودند: «ما اهل بیت هستیم که خدا به بندگان خود انعام کرده است. مردمان به وسیله ما پس از اختلاف به ائتلاف و وحدت رسیدند، و به وسیله ما خدا آنها را به اسلام هدایت نمود و آن نعمتی است که قطع نمی‌گردد و خدای متعال از حق نعیمی که خداوند سبحان به آنها عطا فرموده از آنها سؤال می‌کند و مقصود از نعیم در آن آیه محمد و عترت او (علیهم السلام) هستند».^۲

۱. سوره تکاثر، آیه ۸.

۲. روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۲۶؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۷۶. از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۲۹۸؛ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۸۱۵؛ الأملی (طوسی)، ص ۲۷۲.

مؤلف گوید: کلمه «اهل بیت» به طریق اولویت شامل فاطمه زهرا علیها السلام می باشد و سپس برای فرزندان آن حضرت، امامان پاک علیهم السلام می باشد. پس او و خانواده اش مراد از «نعم» در این آیه کریمه می باشند.



سورهی عصر

شامل یک آیه:

۱. ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، و یکدیگر را به حق، سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند!^۱

حافظ حسکانی حنفی گوید: ابونعیم با سند خود از ابن عباس روایت کند که گفت: خداوند تمامی این صفات را در علی جمع نموده است چرا که فرمود: ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾.

او نخستین کسی از اهل زمین بود که با رسول خدا ﷺ نماز گزارد و خدا را عبادت نمود. «وَتَوَاصَوْا» و رسول خدا به قضاء دینش در غسل دادنشان پس از فوتشان وصیت نمود تا اینکه فرمودند: او را به حفظ حسن و حسین وصیت نمودند و آن است کریمه‌ی: ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾.^۲

مؤلف گوید: این حدیث شریف با اولویت دلالت دارد بر هر کسی که اهل بیت ایشان ﷺ را دوست بدارد پس این از آیاتی است که به ایشان اشاره داشته و به حفظ ایشان و جلب رضایتشان ﷺ امر فرموده است.

۱. سوره عصر، آیه ۳.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۷۴. از منابع شیعه نگاه شود به: وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۲؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۱.

سورہی کوثر

شامل یک آیہ:

۱. ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾.

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾؛

ما به تو چشمه ی جوشان و پر برکت کوثر را عطا کردیم.^۱

مفسران متعددی نزول این سوره را در شأن فاطمه زهراء دختر رسول خدا ﷺ روایت نموده اند که برخی از ایشان عبارتند از:

— بیضاوی در تفسیر خود هنگام تفسیر کلمه «الکوثر» می گوید: و گفته شده است: فرزندان او.^۲

— فخر رازی در تفسیر کبیر خود می گوید: کوثر اولاد او ﷺ هستند چرا که این سوره ی مبارکه در ردّ بداندیشی نازل شده است که او را به جهت نداشتن فرزندان سرزنش نمود. پس معنای آن این است: خداوند به ایشان نسلی ارزانی خواهد داشت که در طول زمان باقی خواهند ماند (آن گاه می افزاید): شما خواننده ی عزیز بنگر که چقدر از اهل بیت کشته شدند و هنوز عالم از ایشان سرشار است و از بنی امیه در دنیا کسی نمانده که به او اعتنا شود.^۳

— شیخ زاده در حاشیه اش بر تفسیر بیضاوی هنگام تفسیر سوره کوثر می گوید:

۱. سوره کوثر، آیه ۱.

۲. أنوار التنزیل و أسرار التأویل، مخطوط، ص ۱۱۵۶. از منابع شیعه نگاه شود به: المناقب، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۳۱۳.

مفسران در تفسیر کوثر اقوال متعددی دارند: برخی می‌گویند مراد از کوثر فرزندان ایشان علیه الصلاة والسلام است که دلیل آن این است که این سوره در ردّ کسی نازل شده است که در حق ایشان علیه الصلاة والسلام گفته است: او ابتر (بی‌دنباله، اجاق‌کور) است و کسی را ندارد که بر جای او بنشیند.^۱

شهاب الدین در حاشیه‌اش بر تفسیر بیضاوی.^۲ عثمان بن حسن مشهور به کوسه زاده در کتابش که به تفسیر بعضی آیات قرآن اختصاص دارد و نام آن «المجالس» می‌باشد.^۳

علامه ابوبکر حنبل در کتاب خود «القول الفصل».^۴

و ...

۱. صحیح شرح العقیلة الطحاویة، ص ۵۶۴.

۲. حاشیه شهاب با نام «عناية القاضي»، ص ۴۰۳.

۳. المجالس، ص ۲۲۲.

۴. القول الفصل، ص ۴۵۷.

کتابشناسی

از آنجا که یکی از مهمترین ارکان کتاب، ارجاع به آثار مهم شیعه و عامه می باشد، آشنایی با این کتاب ها امری لازم است. لذا در این بخش محقق اثر بر آن شده است که از بارزترین مصادر ارجاعی مؤلف محترم گزارشی مختصر ارائه دهد.

الأمالی (شیخ طوسی)

در کتب تراجم بیش از ۳۰ کتاب «امالی» یافت می شود که مشهورترین آنها امالی شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی می باشد.

امالی، کتبی هستند که استاد در مجالس یا زمان های خاصی به صورت شفاهی، یا از روی کتاب خود املاء می کند و شاگردان می نویسند؛ لذا به آنها «المجالس» یا «عرض المجالس» نیز می گویند.^۱

ابوجعفر، محمد بن حسن بن علی طوسی معروف به شیخ الطائفة (۳۸۹ - ۴۶۰ ه. ق)، از ستارگان درخشان فقه، اصول، تفسیر، حدیث، کلام و رجال شیعه در قرن ۴ و ۵ هجری می باشد.

۱. به عنوان نمونه، علامه ی طهرانی در الذریعه، ج ۲، ص ۳۱۵، هنگام معرفی امالی شیخ صدوق گوید: «الأمالی المعروف بالمجالس أو عرض المجالس و هو فی سبعة و تسعين مجلساً، طبع ب طهران سنة ۱۳۰۰».

او از خاندان اهل علم و فضل و شاگرد مبرز شیخ مفید و سید مرتضی اعلی الله مقامهم می باشد که پس از اساتید خود مرجعیت تامه‌ی شیعه را به عهده گرفته است. در بیان شخصیت والای شیخ طوسی - گذشته از همه توانایی های علمی او - همین بس که دو کتاب از چهار کتاب اصلی شیعه یعنی «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار» از آن او می باشد و لذا به گفته برخی «اگر صلوات بر غیر انبیاء روا بود، صلوات بر او پسندیده بود».

برای شیخ طوسی کتاب های دیگری در زمینه های مختلف علمی ذکر شده است که برخی از آنها عبارتند از: النهایه، المبسوط و الخلاف در فقه، عده الاصول و تمهید الاصول در اصول، الرجال و فهرست در تراجم و رجال و التبیان در تفسیر قرآن. از دیگر کتاب های مهم او - که در صدد بیان مختصری از ویژگی های آن هستیم - کتاب شریف «الأمالی» می باشد.

این کتاب مشتمل بر روایاتی می باشد که شیخ در نجف اشرف در ضمن جلساتی برای شاگردان خود املاء کرده است.

تاریخ اولین مجلس به سال ۴۵۵ هجری و آخرین مجلس آن به سال ۴۵۸ هجری برمی گردد. لذا مطالب کتاب در طی ۳ سال املاء شده است.

اثر دارای موضوعات متنوعی در اصول دین و معرفت خدای بزرگ، فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و سیره نبوی، ادعیه مأثوره، اخلاق و ... می باشد.

با آنکه امالی، فاقد ترتیبی موضوعی می باشد و رسیدن به موضع هر مجلس در نگاه اول مشکل می باشد، با این حال روایات اثبات ولایت و فضائل امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) بخش وسیعی از محتوای کتاب را به خود اختصاص داده است.

به نظر می رسد که مؤلف روایات کتاب را از بین مجموعه بزرگی از روایات انتخاب نموده است. سلسله سند هر روایت با دقت تمام ذکر شده است و جز در مواردی معدود، روایات مرسل یا مقطوع مشاهده نمی شود.

کتاب را فرزند دانشمند او شیخ ابوعلی طوسی - که خود از بزرگان شیعه می باشد - روایت

کرده است و این گمان را برای برخی ایجاد می‌کند که بخشی از کتاب از آن او می‌باشد.
تعداد روایات آن ۱۳۵۷ در ۴ مجلس می‌باشد.

مؤلف در مجلس ۱ تا ۹ و مجلس ۴۵ از شیخ مفید، از مجلس ۱۶ تا ۳۲ از مفضل شیبانی، در مجالس ۴، ۱۲، ۴۱ تا ۴۴ از ابن صلت اهوازی، در مجالس ۱۵، ۳۲، ۳۳، ۳۴ و ۳۸ از ابن غضائری، در مجالس ۳۵ تا ۳۸ از حسین بن ابراهیم قزوینی و در مجالس ۳۸ و ۴۲ از ابن شاذان قمی به نقل روایت می‌پردازد.

بحارالأنوار (مجلسی ثانی)

علامه مولی محمد باقر بن مولی محمد تقی بن مقصود علی مجلسی (مجلسی دوم) (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ هجری).

خاندان مجلسی - چه در ناحیه پدران علامه و چه در فرزندان ایشان - یکی از پرافتخارترین خاندان‌های علمی و عملی شیعه در قرون اخیر به شمار می‌آیند. که علاوه بر بهره‌مندی از خرمن علمی و معنوی اساتید مبرز رشته‌های مختلف علوم اسلامی به تربیت شاگردان بزرگی نیز اقدام کردند.

ایشان در نزد پدرشان علامه محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) (متوفای ۱۰۷۰ ه. ق) و مرحوم آقا حسین خوانساری (متوفای ۱۰۹۸ ه. ق) تلمذ نمود.
مشایخ نقل علامه عبارتند از:

- ۱- مولی محمد صالح مازندرانی (م: ۱۰۸۶ ه. ق).
 - ۲- مولی محسن فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ ه. ق).
 - ۳- سید علی خان مدنی صاحب شرح صحیفه سجادیه (ع: ۱۱۲۰ ه. ق).
 - ۴- شیخ حرّ عاملی مؤلف کتاب شریف وسائل الشیعه (م: ۱۱۰۴ ه. ق).
- از حیث مقام علمی، علامه مجلسی از برترین و جامع‌ترین دانشمندان شیعه به شمار می‌آیند که مطالعه آثار ایشان و به خصوص کتاب شریف «بحارالانوار» گویای این مطلب است.

برخی تالیفات دیگر علامه مجلسی قدس سره عبارتند از:

- ۱- مرآة العقول، شرح کافی ثقة الاسلام کلینی .
 - ۲- ملاذ الأخیار، شرح تهذیب شیخ طوسی .
 - ۳- الفرائد الطریفة، شرح صحیفه سجادیة (علیه السلام) .
 - ۴- شرح أربعین حدیث .
 - ۵- حق الیقین، در اعتقادات و به زبان فارسی .
 - ۶- زاد المعاد، در اعمال و ادعیه ماهها و به زبان فارسی .
 - ۷- تحفة الزائر، در زیارات و به زبان فارسی .
 - ۸- عین الحیة، شامل مواعظ و حکم برگرفته از آیات و روایات معصومین (علیهم السلام) و به زبان فارسی .
 - ۹- صراط النجاة .
 - ۱۰- حلیة المتقین، در آداب و مستحبات روزانه و به زبان فارسی .
 - ۱۱- حیاة القلوب، در تاریخ پیامبران و ائمه (علیهم السلام) و به زبان فارسی .
 - ۱۲- مشکاة الأنوار، که مختصر حیات القلوب است و به زبان فارسی .
 - ۱۳- جلاء العیون، در تاریخ و مصائب اهل بیت (علیهم السلام) و به زبان فارسی .
 - ۱۴- توقیعات امام عصر (علیه السلام) .
- و ...

اما کتاب شریف «بحار الأنوار»:

نام کامل کتاب «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)» می باشد. دائره المعارف بزرگ شیعی، شامل مباحث تفسیر قرآن، تاریخ، فقه، کلام و ... که علامه در شرح و تفسیر روایات از منابع مختلف لغت، فقه، تفسیر، کلام، تاریخ، اخلاق و ... استفاده نموده است.

این اثر در واقع به انگیزه احیاء کتب و مصادر مهجور روایی تألیف گردیده است. نوشتن کتاب در سال ۱۰۷۰ هجری آغاز و تا سال ۱۱۰۳ هجری ادامه می یابد. که البته

به ترتیب تألیف نیافته است. بر اساس ترتیب ۲۵ جلدی علامه، در سال ۱۰۷ هـ. ق جلد دوم، سپس جلد پنجم و سپس یازدهم تألیف می‌گردد. جلد دهم در سال ۱۰۷۹ هجری و پس از آن جلد نهم و سپس جلد سوم در سال ۱۰۸۰ هـ. ق به اتمام رسید. آخرین مجلد بحار نیز جلد چهاردهم آن می‌باشد که در سال ۱۱۰۳ هجری تنظیم گردید. بحارالأنوار به کتاب‌های متعددی تقسیم می‌شود که هر موضوع کلی یک کتاب است. هر کتاب نیز دارای ابواب کلی است و زیر مجموعه هر باب کلی باب‌های جزئی قرار دارند.

برخی ابواب و کتب برای اولین بار مطرح شده‌اند که از آن جمله‌اند «کتاب السماء والعالم». علامه در مقدمه بحارالأنوار، نام ۳۷۵ کتاب در موضوعات متنوع را به عنوان مصادر کتابش ذکر می‌کند. از این بین به جهت اشتها رکتب اربعه مطالب بسیاری از آنها نقل نشده است. از سوی دیگر متن برخی کتب مانند طب الرضا (ع)، توحید مفضل، مسائل علی بن جعفر (ع)، فهرست شیخ منتجب الدین و کتاب أهلیلجه به طور کامل ذکر شده است. و از سوی سوم در فهرست منابع، نام کتاب‌هایی مانند «جمل العلم والعمل» و «منتقى الجمان» آمده است که در نهایت از آنها استفاده‌ای نمی‌شود. برخی ترجمه‌های بحارالأنوار از این قرارند: «عین الیقین» از حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی، (متوفای ۱۳۳۲ هجری)؛ «کشف الأسرار» سید اسماعیل موسوی زنجان‌ی؛ «بنادر البحار»، ترجمه و تلخیص بحار اثر سید علی نقی فیض الاسلام متوفای ۱۴۰۶ هجری.

شایسته ذکر است که برخی از این ترجمه‌ها مربوط به یک مجلد یا چند مجلد می‌باشد. اما از مهمترین آثار که پیرامون بحار نوشته شده است کتاب ارزشمند «سفینه البحار» اثر محدث کبیر حاج شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ هـ. ق) می‌باشد.

تأویل الآيات الظاهرة (سید شرف الدین، علی حسینی استرآبادی)

سید شرف الدین، علی حسینی استرآبادی (م اواخر قرن ۱۰ هـ. ق).

سید شرف الدین پیرامون سبب تألیف کتاب در مقدمه گوید: «آیات بسیاری در قرآن مجید در مدح اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) و مذمت دشمنان ایشان آمده و روایات بسیاری در تفسیر این آیات رسیده است. این روایات در کتاب‌های تفسیر به صورت پراکنده آمده است که برای خواننده رسیدن و اطلاع از آنها مشکل است. لذا تصمیم گرفتم این روایات را در یک کتاب جمع کنم تا امر بر کسی که می‌خواهد آنها را بشناسد سهل گردد»^۱. لذا بنای خود را به نقل روایات از راسخان در علم یعنی اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) قرار می‌دهد و جز در مواردی معدود به نقل روایت از طرق عامه (اهل سنت) اقدام نمی‌کند. موضوعات کتاب بر اساس ترتیب آنها در قرآن آمده است لذا از سوره فاتحه آغاز می‌شود و به سوره اخلاص پایان می‌پذیرد.

او ابتدا اسم سوره را ذکر می‌کند سپس آیات مرتبط را با ذکر ارقام آنها و آنگاه روایات اهل بیت (علیهم السلام) را در تأویل آنها می‌آورد. در برخی موارد نیز به توضیح معنای آیه یا روایت می‌پردازد.

مصادری را که مرحوم سید شرف الدین در کتاب خود از آنها استفاده می‌کند عبارتند از:

- ۱- کنز الفوائد علامه‌ی کراچکی
 - ۲- ما نزل من القرآن فی أهل البيت (علیهم السلام)، تألیف ابن حجام
 - ۳- کشف الغمه مرحوم اربلی
 - ۴- کتاب‌های مرحوم علامه حلی
 - ۵- تفسیر محمد بن ماهیار
- برخی کتاب‌هایی که پیرامون اثر نوشته شده است از این قرارند:
- «جامع الفوائد و دافع المعاند»: این کتاب تلخیص تأویل الآیات اثر شیخ علم بن سیف بن منصور نجفی می‌باشد.

۱. تأویل الآیات الظاهرة، ص ۲۰.

- شرح سید روح الامین مختاری بر کتاب .
 - «لوامع التأویل»: ترجمه فارسی تأویل تألیف محمد معصوم بن محمد امین استرآبادی .

تفسیر فرات کوفی (ابراهیم بن فرات کوفی)

ابوالقاسم، ابراهیم بن فرات بن ابراهیم کوفی (زنده در ۳۰۷ ه. ق).
 از بزرگان راویان حدیث در دوران غیبت صغری و از معاصران ثقة الاسلام کلینی می باشد . و به گفته شاگرد خود ابوالقاسم علوی استاد محدثان دوران خود به شمار می آید .
 با توجه به اینکه تنها کتابی که از ایشان به ما رسیده است همین تفسیر می باشد و از سویی کثرت روایات زیدی در آن منجر به این شده است که مؤلف در شمار عالمان زیدیه بوده و برخی همین مسلک عقیدتی مؤلف را دلیل مهجوریت کتاب او بدانند .
 اما از سویی توجه به روایات فراوانی که نویسنده از حسین بن سعید اهوازی، از یاران امام جواد و امام هادی و امام عسگری علیهم السلام، نقل کرده است و با توجه به روایات فراوانی که ابن بابویه، پدر شیخ صدوق و خود شیخ صدوق از فرات نقل کرده اند و مضمون روایاتی که در کتاب های شیخ صدوق از فرات آمده، شیعه دوازده امامی بودن او را نیز مورد تأمل قرار می دهد .

«اگر چه در کتاب های رجالی نامی از فرات بن ابراهیم نیست، اما با توجه به کتاب تفسیر وی و موافقت آن با روایات معتبره ای که به دست ما رسیده است و دقت فراوانی که وی در نقل احادیث داشته برای انسان حسن ظن و اطمینان نسبت به وی ایجاد می شود» .

برخی از مشایخ روایی او عبارتند از: حسین بن سعید اهوازی - ابراهیم بن احمد بن عمر همدانی - ابراهیم بن بنان خثعمی - جعفر بن محمد ازدی - جعفر بن محمد بن هشام - حسین بن حکم خبری و ...

طبق تصحیح موجود از کتاب، تفسیر فرات دارای ۷۷۷ روایت می باشد و با اندکی پریشانی، به ترتیب فعلی سوره ها تنظیم شده است . بعضی از سوره ها مانند: دخان،

تغابن، نوح، مزمل، انفطار، بروج، طارق، اعلی، علق، قارعه، همزه، فیل، قریش، ماعون و مسد در کتاب دیده نمی‌شود.

بیشتر روایات، ناظر به مقام والای اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشند. اگر چه اهتمام بیشتر به پنج تن آل عبا معطوف است اما با توجه به گرایش احتمالی مولف به زیدیه، روایات بعد از امام سجاد (علیه السلام) از حجم کمتری برخوردارند.

به علت مهجوریت پیشگفته، تا قبل از علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار، چندان اعتنایی به این تفسیر نبود. ابوالقاسم حافظ حسکانی، مؤلف کتاب «شواهد التنزیل لقواعد التنزیل» کسی است که فراوان از تفسیر فرات نقل کرده است.

غایة المرام (سید هاشم بحرانی)

سید ابوالمکارم هاشم ابن سید سلیمان موسوی توبلی بحرانی. در روستای کتکان از توابع شهر توبلی بحرین به دنیا آمد. اگر چه تاریخ ولادت او معلوم نمی‌باشد اما با توجه به قرائنی بدست می‌آید که او احتمالاً بین سال‌های ۱۰۳۰ هـ. ق تا ۱۰۴۰ هـ. ق به دنیا آمده است.

ایشان پس از عمری خدمت صادقانه به مکتب پربار اهل بیت (علیهم السلام) در سال ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ هـ. ق در منزل شیخ عبدالله ابن شیخ حسین ابن علی بن کنبار از دنیا رحلت فرمود و در مقبره ماتینی در روستای توبلی به خاک سپرده شد.

شیخ حر عاملی در تتمه‌ی امل الآمل او را کوه علمی معرفی نموده که کسی بر او پیشی نگرفته است. ملا حبیب الله کاشانی فرموده است: او سیدی زاهدی است و در شدت و ریش همین بس که در کتب خود به دنبال فتوا دادن نرفته است.^۱

برخی مشایخ او عبارتند از: شیخ فخر الدین بن علی بن احمد طریحی نجفی و سید عبدالعظیم ابن سید عباس استرآبادی، از شاگردان شیخ بهایی. از خرمن او

بزرگانی خوشه چینی نموده‌اند که اسامی برخی از آنها از قرار زیرند:

- ۱- محمد بن حسن حر عاملی ۲- شیخ محمود بن عبدالسلام معنی ۳- شیخ عبدالله بن علی بن احمد بحرانی ۴- سید محمد بن علی بن سیف الدین عطار بغدادی ۵- شیخ حسن بحرانی و ...

آثار:

- در مقدمه کتاب محقق آن برای مؤلف ۴۷ اثر را ذکر کرده است که برخی از آن تألیفات عبارتند از:
- ۱- احتجاج المخالفین العامة علی إمامة علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام العامة: این کتاب مشتمل بر ۷۵ احتجاج از خود مخالفین بر امامت امام امیر المؤمنین علیه السلام می‌باشد.
 - ۲- الإنصاف فی النص علی الأئمة الاثنی عشر من آل محمد الأشراف: این کتاب مشتمل بر ۳۰۸ حدیث می‌باشد که مؤلف از کتب غریبه نقل کرده است.
 - ۳- إيضاح المسترشدين الراجعين إلى ولاية علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام: در آن ۲۵۳ نفر از مستبصرین را ذکر کرده است.
 - ۴- البرهان فی تفسیر القرآن: تفسیری مشتمل بر روایات اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که به عنوان تحفه‌ای برای سلطان شاه سلیمان صفوی در ۶ مجلد بزرگ تألیف نموده است.
 - ۵- بهجة النظر فی إثبات الوصاية والإمامة للأئمة الاثنی عشر.
 - ۶- تبصرة الولی فیمن رأى القوائم المهدي. فی زمن أبیه علیه السلام وفی أيام الغيبة الصغرى والكبرى.
 - ۷- تبصرة الولی فی النص الجلی علی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب الخليفة والإمام والوصی وولده الأحد عشر أوصیاء النبی.
 - ۸- التحفة البهية فی إثبات الوصية لعلی علیه السلام: آن را در سال ۱۰۹۹ به پایان رساند. این

اثر شامل ۴۵۰ حدیث در اثبات وصیت از طرق خاصه است که ۵۰ حدیث آن از طرق عامه رسیده است.

و ...

اما کتاب شریف غایة المرام

نام کامل کتاب «غایة المرام وحجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص والعام» می باشد که در سال ۱۱۰۰ هـ. ق به رشته تحریر در آمده است.

اثر دارای هفده باب بوده که مؤلف با استفاده از بیش از ۴۰۰ روایت از منابع معتبر شیعه و سنی موضوعات مختلفی همچون:

— اگر خمسه طیبه (علیهم السلام) نبودند خداوند آدم و بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و ... را خلق نمی فرمود.

— اگر اهل بیت (علیهم السلام) نبودند خداوند مخلوقات را خلق نمی کرد.

— ولادت امام علی (علیه السلام) در کعبه مشرفه.

— نسب امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).

— کنیه برداری امام علی (علیه السلام) به ابوتراب.

— اینکه امام علی (علیه السلام)، امیرالمؤمنین و سیدالمسلمین و امام البرره می باشند.

— در اینکه ایشان امیرالمؤمنین و سیدالمسلمین و امام و حجت و خلیفه و وصی می باشند.

— در اینکه رسول خدا و ائمه (علیهم السلام) حجت های خدا بر خلق می باشند.

— نص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر اینکه امام علی (علیه السلام) بعد از ایشان می باشند.

— نص بر اینکه امام علی (علیه السلام) از امامان دوازده گانه می باشند.

— نص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر اینکه امام علی (علیه السلام) خلیفه بعد از ایشان می باشند و خلفاء

بعد آن سرور یازده فرزند ایشان هستند.

— نص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر اینکه امام علی (علیه السلام) و یازده فرزندشان خلفاء و اوصیاء بعد

از رسول الله می باشند.

– نص بر ولایت امام علی علیه السلام در غدیر خم .
را مورد بررسی قرار داده است .

الکافی (شیخ کلینی)

ثقة الاسلام، شیخ المشایخ، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (م ۳۲۹ هـ. ق)
در جلالت شأن کلینی همین بس که ابن اثیر - از علمای بزرگ اهل سنت - با استناد
به روایتی از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله گوید که حضرت فرمودند:
« خداوند در آغاز هر قرن شخصی را برمی انگیزد که دین او را زنده و نامدار
نگه دارد ». آنگاه گوید: احیا کننده‌ی مذهب شیعه در آغاز قرن اول هجری محمد بن
علی امام باقر علیه السلام، در ابتدای قرن دوم علی بن موسی امام رضا علیه السلام و در ابتدای قرن
سوم ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی بوده است.^۱
مرحوم ثقة الاسلام کلینی را خوشه چین محضر اساتیدی همچون: ابوالحسن
محمد بن اسدی کوفی - احمد بن محمد بن عیسی اشعری - احمد بن ادریس قمی -
عبدالله بن جعفر جمیری - احمد بن محمد بن عاصم کوفی - حسن بن فضل بن زید
یمانی - محمد بن حسن صفار - سهل بن زیاد آدمی رازی - محمد بن اسماعیل
نیشابوری - احمد بن مهران و ... می دانند .
دانشمندان تراجم و رجال در زمره آثار او غیر از کافی، کتاب‌هایی همچون «کتاب
رجال»، «کتاب رد بر قرامطه»، «کتاب رسائل ائمه علیهم السلام»، «کتاب تعبیر الرؤیا» و «مجموعه شعر»
نیز ذکر کرده‌اند .

اما کافی شریف:

کافی، مجموعه‌ای از روایات اصول و فروع دین منقول از ائمه علیهم السلام است که مؤلف

۱. حیاة محمد بن یعقوب الکلینی، ص ۲۰۱.

با استفاده از منابع معتبر موجود همچون اصول اربعمائه (اصول چهارصدگانه) به نگارش آن اقدام نموده است. به صورتی که در زبان اصحاب «از اجل کتب شیعه و پرفایده‌ترین آنها» شناخته شده است.^۱

شیخ کلینی در اجابت درخواست برخی برادران خود به انگیزه نگارش کتاب پرداخته می‌نویسد: «اموری را فرمودید که بر شما مشکل گشته و حقایق آنها را نمی‌دانید چرا که روایات مختلفی درباره آنها وارد شده و اختلاف روایات نیز به دلیل اختلاف علل و اسباب است و کسی که بتوانی با او مذاکره و مباحثه نمایی نیز در اختیار نداری و گفته بودی دوست داری کتابی داشته باشی که شامل تمام علوم و معارف دین باشد و دانشجو و دانشمند نیز بتوانند به آن مراجعه نمایند و از آن علم دین را فرا گرفته و به آن عمل نمایند و آن برگرفته از روایات صحیح ائمه (علیهم السلام) و سنت‌های پا برجایی باشد که به آنها عمل می‌شود و واجبات الهی و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وسیله آنها اجرا می‌گردد».^۲

از برخی مشخصه‌های کتاب که به ارزش محتوایی روایات وارده از اهل بیت (علیهم السلام) افزوده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- سند هر روایت تا معصوم (علیه السلام) به صورت کامل ذکر شده است.
 - ۲- روایات به ترتیب اعتبار آورده شده‌اند و روایات اول هر باب از جهت سند و اعتبار از درجه بالاتری برخوردارند.
 - ۳- اثر، شامل مجموعه‌ای غنی از علوم و معارف اسلامی است که از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده و به دست مؤلف رسیده است.
- کافی شامل بیش از ۱۶ هزار روایت است که این مقدار حدیث از تمام روایات صحاح سته بیشتر می‌باشد.

۱. تصحیح الاعتقاد، ص ۲۷: «الكافی و هو من أجلّ كتب الشيعة وأكثرها فائدة».

۲. الكافی، ج ۱، ص ۸.

برخی از کتاب‌هایی که پیرامون کافی در قالب شرح یا تعلیقه، تلخیص، ترجمه یا تحقیق نوشته شده است عبارتند از:

شرح:

- ۱- جامع الأحادیث و الأقوال تألیف شیخ قاسم بن محمد بن جواد بن الوندی متوفی بعد از سال ۱۱۰۰ ه. ق.
- ۲- الدر المنظوم من کلام المعصوم تألیف شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین شهید ثانی، درگذشته ۱۱۰۴ ه. ق.
- ۳- شرح ملا صدرای شیرازی، درگذشت ۱۰۵۰ ه. ق.
- ۴- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول نوشته علامه مجلسی، درگذشته به سال ۱۱۱۰ ه. ق.
- ۵- الوافی نوشته فیض کاشانی متوفای ۱۰۹۱ ه. ق.

حواشی:

- ۱- حاشیه علامه مجلسی.
- ۲- حاشیه ابوالحسن شریف فتونی عاملی متوفای ۱۱۳۸ ه. ق.
- ۳- حاشیه سید میر ابوطالب بن میرزا بیک فندرسکی از بزرگان اوائل قرن دوازدهم ه. ق.
- ۴- حاشیه شیخ زین الدین ابوالحسن علی بن شیخ حسن صاحب معالم.
- ۵- حاشیه شیخ محمد بن حسن بن زین الدین شهید ثانی معروف به شیخ محمد سبط عاملی درگذشت سال ۱۰۳۰ ه. ق.

ترجمه فارسی:

- ۱- تحفة الاولیاء نوشته محمد علی بن حاج محمد حسن اردکانی.

تلخیص:

محمد جعفر بن محمد صفی ناعسی فارسی.

تحقیق:

- ۱- رموز التفاسیر الواقعة فی الکافی والروضة تألیف مولی خلیل بن غازی قزوینی.
- ۲- جامع الرواة، تألیف حاج محمد اردبیلی.
- ۳- الفوائد الکاشفة، تألیف محمد حسین طباطبائی تبریزی.
- ۴- البیان البدیع، تألیف سید حسن صدر.
- ۵- رجال الکافی، سید حسین طباطبائی بروجردی.

وسائل الشیعه (شیخ حرّ عاملی)

محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، معروف به شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ ه.ق).

او از بزرگان محدثان و از خاندان معروف آل حر در منطقه جبل عامل لبنان می باشد. شیخ حر عاملی از نوادگان حر بن یزید ریاحی است.

سید علی خان مدنی، شارح صحیفه سجادیه درباره ی شخصیت والای ایشان می فرماید: «شیخ محمد بن حسن بن علی بن محمد حر شامی عاملی، شخصیتی برجسته و دارای مقام و منزلتی علمی است که سخن، در معرفی آن ناتوان است»^۱.

از جمله اساتید وی عبارتند از: پدرش حسن بن علی (م ۱۰۶۲ ه.ق) - عمویش شیخ محمد بن علی حر (م ۱۰۸۱ ه.ق) - جد مادریش شیخ عبدالسلام بن محمد حر - دایی پدرش شیخ علی بن محمود عاملی - شیخ زین الدین، صاحب معالم و فرزند شهید ثانی - شیخ حسین ظهیری.

برخی از علمای فراوانی که از محضر او خوشه چینی نموده اند از این قرارند: شیخ مصطفی بن عبدالواحد بن سیار حویز - شیخ محمد رضا فرزند شیخ مصطفی - سید

محمد بن محمد باقر حسینی اعرجی مختاری نائینی - مولی محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی - سید محمد بن علی بن محیی الدین موسوی عاملی و ...
از آثار ارزشمندی که از این عالم بزرگ به جای مانده است می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- الجواهر السنية فی الأحادیث القدسیه، این کتاب اولین کتابی است که به رشته تحریر در آورده است و قبل از ایشان نیز کسی چنین کتابی ننوشته است.
- ۲- الصحيفة الثانية من أدعية علی بن الحسین (علیه السلام)، این کتاب شامل مجموعه دعاهایی است که در صحیفه سجادیه مشهور نیامده است.
- ۳- هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) در سه جلد کوچک که منتخبی از کتاب وسائل الشیعة با حذف سند و مکررات است.
- ۴- من لا يحضره الإمام، فهرست وسائل الشیعة و عنوان باب ها و تعداد احادیث هر باب و مضمون احادیث آن می باشد.
- ۵- الفوائد الطوسية، در یک جلد و شامل صد فائده در مباحث گوناگون.
- ۶- إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات شامل بیش از بیست هزار حدیث و هفتاد هزار سند به نقل از ۴۳۹ کتاب از شیعه و سنی با ترتیبی زیبا و تهذیب و پرهیز از تکرار درباره معجزات پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام).
- ۷- أمل الآمل در شناخت علمای جبل عامل.
- ۸- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، رساله ای شامل ۶۰۰ حدیث و ۶۴ آیه قرآن و ادله فراوان و کلماتی از قدما و متأخرین پیرامون رجعت و ...

اما کتاب شریف وسائل الشیعة:

نام کامل کتاب «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة» می باشد.
در جایگاه ویژه کتاب در بین مجامع روایی همین بس که علامه امینی در کتاب ارزشمند الغدیر درباره این کتاب می فرماید:
«در هیچ کتاب رجال و تراجمی نامی از شیخ حر عاملی برده نشده مگر آنکه

جملات مدح و ستایش فراوانی درباره کتاب گران بهایش یعنی وسائل الشیعه آن را فرا گرفته است»^۱.

موضوع این کتاب روایات اهل بیت (علیهم السلام) درباره احکام شرعی در تمام ابواب فقه است. مؤلف در این کتاب حدود ۳۶ هزار روایت را علاوه بر کتب اربعه از بیش از ۱۸۰ کتاب روایی معتبر شیعه آورده است.

مرحوم شیخ حر عاملی در مقدمه کتاب انگیزه خود را از نگارش کتاب این گونه بیان می نماید:

«مدّتها بود که از فکر و قلم خود درخواست می کردم و عزم و همت خود را بر آن می داشتم تا کتابی را به نگارش درآورم که آرزو را برآورده سازد و در علم و عمل سرآمد و شامل احادیث مسائل شرعی و نصوص احکام فرعی باشد.

احادیثی که در کتاب های معتبر و صحیح روایی باشد که علمای بزرگ ما تصریح به صحت و اعتبار آنها کرده اند تا پناهگاهی برای خودم در مسائل شرعی باشد و مرجعی برای هدایت شیعه شود و من هم در ثواب هر کس که از نور آن بهره گیرد و با پرچم مناره های آن هدایت گردد و از تابش خورشید و ماه آن بهره مند شود شریک باشم و چه گنجینه ای بزرگتر از ثوابی که تا روز قیامت ادامه یابد ان شاء الله»^۲.

مؤلف، روایات کتاب را به ترتیب مسائل شرعی مطرح شده در کتاب های فقهی از کتاب طهارت تا کتاب دیات به صورت باب های جداگانه آورده است. وی سعی بر آن داشته تا برای هر مسئله شرعی بابی مستقل اختصاص دهد و این خود موجب گشته تا دسترسی به روایات کتاب بسیار آسان گردد.

وسائل الشیعه دوبار توسط مؤلف مورد بازبینی قرار گرفته است که این حاکی از تلاش ایشان در صحت و اعتبار کتاب می باشد.

۱. الغدير، ج ۱۱، ص ۳۳۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴ و ۵.

تحریر وسائل الشیعة و تحبیر مسائل الشریعة و تعلیقه‌ای بر آن دو کتابی هستند که نویسنده خود موفق شد پیرامون وسائل به رشته تحریر درآورد.

برخی شروح و تعلیقه‌های دیگر کتاب عبارتند از:

۱- شرح وسائل الشیعة نوشته شیخ محمد بن شیخ علی بن شیخ عبدالنبی بن محمد بن سلیمان بن مقابی معاصر با شیخ یوسف بحرانی.

۲- شرح وسائل الشیعة نوشته حاج مولی محمد رضی قزوینی.

۳- مجمع الأحکام، نوشته شیخ محمد بن سلیمان مقابی بحرانی.

۴- شرح وسائل الشیعة، نوشته سید ابومحمد حسن بن علامه هادی آل صدر الدین موسی طاب ثراه.

۵- الإشارات و الدلائل إلى ما تقدم أو تأخر فی الوسائل، نوشته حفید علامه صاحب جواهر شیخ عبدالصاحب.

۶- شرح وسائل الشیعة نوشته آیت الله سید ابوالقاسم خوئی (این کتاب به بیان ما تقدم و ما تأخر و بیان مطالبی که از روایات باب استفاده می‌شود بیش از آنچه شیخ خُر عاملی استفاده کرده پرداخته و روایات دیگری که شیخ خُر به آنها اشاره نکرده است را ذکر نموده است).

۷- مستدرک الوسائل نوشته علامه بزرگ محدث نوری، وی در این کتاب روایات فراوانی را که شیخ خُر عاملی به آنها اشاره نکرده به همان ترتیب کتاب وسائل الشیعة آورده است و با توجه به آن روایات، کتاب دو برابر شده است. پیرامون اسناد روایات آنچه شایسته بیان است اینکه:

— سندها در حد زیادی مختصر شده بدون آنکه در معنای آن خللی ایجاد گردد.

— جمع میان اسناد در جایی که یک روایت از منابع گوناگون و با سندهای متعدد روایت شده می‌باشد.

— در جایی که متن روایت در منابع گوناگون با هم فرق داشته باشد کاملترین آنها را آورده و سپس با ظرافت به نکات اضافی یا اختلافی آنها اشاره دارد.

الدر المنثور (سیوطی)

جلال الدین ابوالفضل عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد بن سابق الدین خضیری سیوطی. او را به جهت انتساب به شهر اسیوط مصر سیوطی نامند. او در کتاب «حسن المحاضره» در شرح حال خود می‌گوید: ولادت من بعد از مغرب شب یکشنبه اول ماه رجب سال ۸۴۹ هـ. ق است. پدر وی در سن پانزده سالگی سیوطی رحلت نمود. او از کودکی به تحصیل علم علاقه داشت و در کمتر از هشت سالگی قرآن را حفظ نمود. شاگرد وی داودی اساتید وی را به پنجاه و یک نفر می‌رساند که بارزترین آنان کمال بن همام است.

برخی اساتید دیگر او عبارتند از:

شهاب شارمساحی، علم الدین بلقینی، فرزند بلقینی، شرف الدین مناوی، تقی الدین سبکی حنفی، محیی الدین کافجی، سیف الدین حنفی. او به منظور علم آموزی مسافرت‌های بسیاری نموده است. که به گفته خود او گستره‌ای از شام و حجاز تا یمن و هند و مغرب و تکرور در آفریقا و... را دربر می‌گرفته است. پیرامون جایگاه علمی خود معتقد است که بجز فقه در علوم دیگر هیچ‌یک از اساتید او به مقام او نرسیده‌اند تا چه رسد به دیگران. استاد ابوالفضل ابراهیم، تألیفات مختلف سیوطی در تفسیر، قرائت حدیث، فقه و ادبیات عرب را تا زمان تحقیق کتاب اتقان به ۳۰۰ اثر رسانده است؛ که از این میان آثاری را که محو نموده و از آنها توبه نموده است را نیز باید افزود.

تفسیر «الدر المنثور فی التفسیر المأثور»

نویسنده خود در دو موضع یکی در مقدمه کتاب و دیگری در پایان کتاب اتقان به معرفی الدر المنثور پرداخته است.

در کتاب اتقان می‌گوید: کتاب مستندی گردآوری کردم که در آن روایات تفسیری پیامبر را آورده‌ام، این روایات بیش از حدود ده هزار روایت می‌شود. و آن را «ترجمان القرآن» نامیدم.^۱

در مقدمه «الدر المنثور» می‌نویسد: وقتی «ترجمان القرآن» را تألیف کردم ... چون احادیث این تفسیر از طرق گوناگون از منابع مهم استخراج شده بود متوجه شدم دانشجویان میل چندانی به مطالعه آن ندارند، از اینرو اسناد آن را حذف و تنها به متن احادیث اکتفا نمودم و احادیث استخراجی را به منابع نسبت دادم و آن را «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور» نامگذاری نمودم.^۲

نکته: اگر چه این تفسیر از تفاسیر معروف در موضوع خود می‌باشد اما از لحاظ قدمت، تفسیرهای دیگری با رویکرد روایی همچون تفسیر طبری بر آن مقدم می‌باشند. لذا شهرت تفسیر سیوطی می‌تواند به جهت دسترسی همگان و مراجعه آسان به آن و از سویی جامعیت و خوش ذوقی مؤلف باشد.

روح المعانی (آلوسی)

ابوالثناء سید محمود شهاب الدین (۱۲۱۷ هـ. ق - ۱۲۷۰ هـ. ق).
او فرزند صلاح الدین ملقب به شهاب آلوسی فقیه، مفسر، ادیب و مفتی بغداد می‌باشد. از کودکی در نزد پدر و جمعی از استادان ادب علم آموزی نمود درس خواند و در ۱۳ سالگی شرحی بر «قطر الندی» نوشت. او از بسیاری از عالمان به نام بغداد اجازه روایت یافت و خود ملقب به «علامه» گردید.
با آنکه او خود شافعی مذهب بود، ولی به جهت اطلاع از فقه مذاهب دیگر، و شاید گرایش به آرای ابوحنیفه، مفتی پیروان مذهب حنفی شد.

۱. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. الدر المنثور، ج ۱، ص ۲.

شهرت آلوسی بیش تر به سبب تفسیر معروف «روح المعانی» است، اما وی بیش از ۲۰ کتاب در زمینه های ادبیات، تراجم، منطق، عرفان، عقاید و تفسیر نیز تألیف نمود که «دقائق التفسیر»، «شرح العینیة فی مدح سیدنا علی (علیه السلام)» و رساله ای در امامت در رد شیعه از آن جمله اند.

تفسیر روح المعانی

نام کامل اثر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی» است. این تفسیر گسترده ترین تفسیر و جامع ترین آن در نوع خود، میان اهل سنت می باشد و خلاصه ای از تفاسیر پیش از خود از تفسیر ابن عطیه گرفته تا تفسیر ابو حیان، کشاف، ابوالسعود، بیضاوی، فخر رازی و دیگران محسوب می گردد. اثر، تفسیری عقلی و اجتهادی که روش بلاغی، بیانی و ادبی را پیش گرفته است می باشد. مؤلف در تفسیر درباره مسائل اصول و فروع، نسبت به مذهب سلف تعصب داشته و آشکارا آن را بیان می دارد، به همین علت در بسیاری از موارد، ادب نگارش را رعایت ننموده، به معتزله و شیعه بسیار می تازد.

شواهد التنزیل (حسکانی)

قاضی ابوالقاسم، عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن محمد بن حسکان قرشی عامری نیشابوری، معروف به ابن حذاء (م حدود ۴۹۰ ه. ق). او در نیشابور و در خانواده ای اهل علم به دنیا آمد. پدر بزرگش احمد بن محمد بن احمد (۳۲۰-۴۲۳ هجری) از روات حدیث بود و از ابواسحاق بزازی و ابو عمرو بن مطر و ابوالحسن ابن بندگان صیرفی روایت نقل کرده است. پدرش عبدالله بن احمد بن محمد (۳۶۳-۴۵۰ هجری) نیز واعظی مشهور بود. در مذهب او اختلاف نظر وجود دارد برخی او را از علمای اهل سنت و پیرو مذهب حنفی دانسته و برخی او را از علمای شیعه می دانند که تقیه می کرده است.

ابن طاووس درباره‌اش گوید: «الحاکم الحسکانی کان مِنْ أَعْيَانِ رِجَالِ الْجُمْهُور»^۱، حاکم حسکانی از شخصیت‌های برجسته علمای اهل تسنن بود. ذهبی در کتاب تذکرة الحفاظ می‌گوید: «و وجدت له مجلساً يدل علی تشييعه و خبرته بالحديث و هو تصحيح خبر ردّ الشمس و ترغيم النواصب الشُّمُس»^۲، کتابی از ایشان یافته‌ام که دلالت بر شیعه بودن ایشان دارد و آن «تصحیح رد الشمس...» است. برخی مشایخ روایت او عبارتند از: ابو عبدالله حاکم نیشابوری، ابوالحسن علوی، عبدالله بن یوسف اصفهانی، ابوالحسن بن عبدان و....

تألیفات

فهرست تصانیف و تألیفات او را صد عنوان ذکر کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- فضائل شهر رجب.
- ۲- خصائص علی بن ابی طالب علیه السلام فی القرآن.
- ۳- تصحیح خبر ردّ الشمس و ترغیم النواصب الشُّمُس.

شواهد التنزیل

نام کامل کتاب «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآيات النازلة فی أهل البيت علیهم السلام» است. و موضوع آن فضایل حضرت علی علیه السلام و اهل بیت آن حضرت می‌باشد. مؤلف در این کتاب به بررسی آیاتی از قرآن که در شأن حضرت علی و ائمه علیهم السلام نازل شده، با توجه به روایات اهل سنت می‌پردازد. با توجه به اینکه نویسندگان از شخصیت‌های برجسته اهل تسنن به شمار می‌آید

۱. الذریعه، ج ۸، ص ۱۹۷.

۲. تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۲۰۰.

کتاب از ارزش خاصی در میان شیعه و سنی برخوردار گشته است. تا آنجا که علامه مجلسی آن را یکی از منابع دائرة المعارف بزرگ خود بحارالانوار قرار داده است. مؤلف انگیزه خود را از نگارش کتاب وقاحت برخی در ادعای نبودن آیه‌ای از قرآن در شأن امام امیرالمؤمنین و اهل بیت (علیهم السلام) بیان می‌دارد. حسانانی در آغاز کتاب در ۶ فصل به سخنان صحابه پیامبر مانند: عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن مسعود، عکرمه، انس، عایشه و بسیاری دیگر پیرامون فضایل حضرت علی (علیه السلام) اشاره می‌کند. سپس به ترتیب آیات قرآن، به آیاتی که در شأن حضرت علی (علیه السلام) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) نازل شده اشاره کرده و روایاتی در آن باره نقل می‌نماید. وی سند روایات را کاملاً آورده ولی به بررسی اسناد روایات نمی‌پردازد.

فرائد السمطين (حموینی)

ابواسحاق ابراهیم بن سعدالدین محمد بن مؤید ابی بکر بن جمال السنة ابی عبدالله محمد بن حمویه بن محمد جوینی حموئی ابن حمویه (۶۴۴ هـ. ق - ۷۲۲ هـ. ق).^۱ یکی از موضوعات مهمی که پیرامون او مطرح است تحقیق پیرامون مذهب اوست. بررسی مذهب جوینی از این لحاظ دارای اهمیت است که وی کتاب معروف خود «فرائد السمطين» را درباره فضایل امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) تألیف کرده است.

یکی از مهمترین روایاتی که در کتاب مطرح می‌شود، روایتی است که در آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ماجرای ظلم به صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و شهادت ایشان را پیش بینی نموده و از وقوع آن پس از ارتحال خود خبر می‌دهند. این حدیث و احادیث بسیار دیگر کتاب موجب گردیده است برخی در مذهب او

۱. الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۱۹۶.

تردید نموده و او را نه از علمای اهل سنت که از عالمان شیعه بدانند.

اما با توجه به شواهد بسیاری که از لابلای کتب تراجم و رجال عامه به دست می‌آید. شافعی بودن او امری است که در آن نمی‌توان تردید نمود. برخی از این شواهد از کتب اهل سنت عبارتند از:

شمس الدین ذهبی که از کبار رجال شناسان اهل سنت و به تعبیر سیوطی «خاتمة الحفاظ» است و در فن خود بسیار ورزیده محسوب می‌شود، به تکریم فراوان وی پرداخته و او را امام و شیخ المشایخ محسوب کرده است. علاوه بر این ذهبی از وی به عنوان شیخ صوفیه یاد کرده است که این نیز دلیل دیگری برای خروج وی از تشیع به شمار می‌رود: «ابراهیم بن محمد المؤید بن عبدالله بن علی بن محمد بن حمویه الامام الكبير المحدث شیخ المشایخ صدرالدین ابوالمجامع الخراسانی الجوینی الصوفی ولد سنة ۶۴۴ و سمع بخراسان و بغداد و الشام و الحجاز و كان ذا اعتناء بهذا الشأن و علی یده اسلم الملك غازان».^۱

عبدالرحیم اسنوی در طبقات الشافعیه که برای شناساندن فقها و محدثین شافعی مذهب نگاشته شده است، با تجلیل فراوان از جوینی یاد کرده است و به عنوان امام در علوم حدیث و فقه از او یاد می‌کند: «صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین محمد بن المؤید المعروف بالحموی نسبة الی مدینة... کان المذكور اماما فی علوم الحدیث و الفقه کثیر الاسفار فی طلب العلم».^۲

در الوافی بالوفیات در ترجمه او آمده است: «صدرالدین الجوینی الشافعی، ابراهیم بن محمد».^۳

و ...

۱. المعجم المختص، ص ۶۵، شماره ۷۳.

۲. طبقات الشافعیة، ج ۱، ص ۲۱۷، رقم ۴۱۲.

۳. الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۹۱.

این بخش برگرفته از مقاله مفصل «پژوهشی در مورد مذهب جوینی» اثر سید محمد حسین یثربی می‌باشد.

نام کامل کتاب «فرائد السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطین والأئمة من ذرّتهم (علیهم السلام)» می باشد و جوینی در سال ۷۱۶ هـ. ق تألیف آن را به پایان رسانده است. روایات کتاب ۵۰۰ روایت در قالب ۱۴۴ باب می باشند. مؤلف در مقدمه، کتابش را به دو سمط تقسیم می کند که هر سمط حاوی ۷۲ باب است. سمط اول در فضائل امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سمط دوم در مناقب بقیه اهل بیت (علیهم السلام) تنظیم شده است. بجز برخی از روایات، بقیه دارای سند می باشند. در علاقه مصنف به شیعیان همین بس که هنگام یادکرد از سید ابن طاووس چندین سطر را به تجلیل از این عالم شیعه اختصاص می دهد. تنها چاپ موجود از این کتاب در دو جلد رحلی و به تحقیق علامه شیخ محمد باقر محمودی است.

الکشف و البیان (ثعلبی)

ابواسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری (م ۴۲۷ هـ. ق). ابن خلکان در وصف او گوید: «در علم تفسیر یگانه روزگار بود و کتابی در این زمینه نوشت که سرآمد همه تفاسیر گشت»^۱. او از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران قاری، روایت نمود و ابوالحسن واحدی نیشابوری در تفسیر شاگرد وی بوده است. ثعلبی را به عنوان «کثیر الحديث» و «کثیر الشیوخ» معرفی کرده اند. ایشان در مقدمه تفسیر الکشف و البیان، انواع تفاسیر نقلی و مورد پسند و ناپسند آنها را بازگو می کند، سپس می گوید: «در کتب پیشین، کتابی جامع و کامل و نیز پیراسته و مورد اعتماد که نیاز مردم را برآورد، نیافتم، بنابر این به درخواست پویندگان راه حقیقت به تحریر این تفسیر پرداختم»^۲.

۱. وفیات الأعیان، ج ۱، ص ۷۹.

۲. الکشف والبیان، ج ۱، ص ۷۴ و ۷۵.

تفسیر او

نام کامل آن «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن» می باشد که آن را «تفسیر ثعلبی» نیز گویند. از تفاسیر مأثور بوده و تمام مجلدات آن در دسترس نمی باشد. برخی نیز به سبب آنکه مباحثی نظری و علمی را در بر دارد آن را از تفاسیر عقلی دانسته اند. ثعلبی در مقدمه تصریح دارد که اثر او «عصاره حدوداً صد کتاب و نقل اقوال شفاهی سیصد تن از مشایخ اوست و در چهارده مقوله سخن گفته است». هنگام تفسیر آیات به صورت گسترده به مسائل نحوی و ادبی پرداخته و مفردات آیات قرآنی را از لحاظ زبانی و مصدر اشتقاق و صرف مورد بررسی قرار می دهد. او در نقل روایات، اسانید آنها را حذف نموده اما در ابتدای کتاب، سند خود را به مشایخ خود که تفسیر را از آنها نقل می کند، ذکر می نماید.

ینابیع المودة (قندوزی)

شیخ سلیمان بن ابراهیم معروف به خواجه کلان بن محمد حسینی قندوزی بلخی (۱۲۲۵ هـ. ق - ۱۲۹۴ هـ. ق).

علوم و آداب را در بلخ آموخت و تحصیل را در بخارا تکمیل نمود. به افغانستان و هند سفر کرد و با مشایخ بزرگی هم صحبت گردید و اجازاتی از اعلام به دست آورد. آنگاه به «قندوز» بازگشت.

از میان تألیفات او تنها سه اثر را می توان نام برد. از این میان تنها ینابیع المودة در اختیار ما می باشد. نام دو اثر دیگر او همان است که خود مؤلف در ینابیع المودة ذکر کرده است: أجمع الفوائد و مشرق الأکوان.

شیخ سلیمان از بزرگان حنفیه در فروع و از بزرگان نقشبندیه در طریقه و روش می باشد. این مطلب از آنچه فرزند و جانشینش شیخ سید عبدالقادر افندی به برخی در ترجمه پدرش نوشته است معلوم می شود.

برخی ادعا کرده‌اند که او از سلاله حسینی می‌باشد.
قندوزی حنفی در قسطنطنیه، روز پنجشنبه، ششم ماه شعبان سال ۱۲۹۴ ه. ق از
دنیا رفت و در مقبره مخصوص خانقاه مرادیه به خاک سپرده شد.

و اما ینابیع الموده:

نام کامل اثر «ینابیع الموده لدوی القربی» می‌باشد.
کتاب دارای یک مقدمه و صد باب می‌باشد. ظاهراً صاحب ینابیع در نظر داشته
است که موسوعه‌ای در مناقب اهل بیت (علیهم السلام) تألیف کند که در نهایت به هدف خود نائل
نیامده است. دلیل این ادعا این است که ینابیع الموده دربردارنده کتب متعددی
همچون موده القربی، مقتل ابی مخنف، اغلب آنچه در ذخائر العقبی آمده، الصواعق
المحرقة، جواهر العقدين، مناقب خوارزمی و ابن مغزلی، فرائد السمطين و تقریباً
تمام آنچه در کنوز الحقائق و الفردوس آمده است می‌باشد.
از ویژگی‌های کتاب می‌توان به این موارد اشاره نمود: - استفاده از مصادر اصلی -
عدم وضوح توزیع احادیث بر ابواب - کثرت تکرار مناسب و غیر مناسب؛ تا جایی که
گاهی یک حدیث از یک مصدر و یک راوی و لفظ واحد در همان باب بعد از دو یا
چند صفحه بعد تکرار می‌گردد.^۱

۱. شایان ذکر است که در تنظیم بخش کتابشناسی در بسیاری از موارد از نرم‌افزارهای «نور» استفاده شده است.

فهرست منابع

١. جصاص، احمد بن علي، أحكام القرآن، تحقيق محمد صادق قمحاوي، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٥ هـ.ق.
٢. ديلمى، حسن بن ابى الحسن، اعلام الدين في صفات المؤمنين، تحقيق مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم، ١٤٠٨ هـ.ق.
٣. حلي، علي بن طاوس، إقبال الأعمال، دارالكتب الإسلامية، تهران، ١٣٦٧ هـ.ش.
٤. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ هـ.ق.
٥. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ هـ.ق.
٦. صدوق، محمد بن علي بن حسين، الأمالي، المكتبة الإسلامية، قم، ١٤٠٤ هـ.ق.
٧. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الأمالي، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ هـ.ق.
٨. طوسي، محمد بن حسن، الأمالي، دارالثقافة للنشر، قم، ١٤١٤ هـ.ق.
٩. ديلمى، حسن بن ابى الحسن، ارشاد القلوب، دار الشريف الرضي للنشر، ١٤١٢ هـ.ق.
١٠. شيباني، علي بن ابى الكرم، اسد الغابة في معرفة الصحابة، انتشارات اسماعيليان، تهران.
١١. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار، مؤسسه الوفاء، بيروت، ١٤٠٤ هـ.ق.
١٢. محمد بن يوسف، اندلسي، البحر المحيط في التفسير، تحقيق صدقي محمد جميل، دارالفكر، بيروت، ١٤٢٠ هـ.ق.

۱۳. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق بخش تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۴. طبری، عماد الدیم، بشارة المصطفی، المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۳ هـ.ق.
۱۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۶. حلی، احمد بن موسی بن طائوس، بناء المقالة الفاطمية، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۷. ذهبی، ابو عبدالله، تذکره الحفاظ، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، مؤسسه التاریخ، بیروت.
۱۹. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دارا لکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۲۲. حسینی، سید شرف الدین، تأویل الآیات الظاهرة، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۳. تفسیر الإمام العسکری علیه السلام، مدرسه الإمام المهدي، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۴. مظہری، محمد ثناء الله، التفسیر المظہری، تحقیق غلام نبی تونسلی، مکتبه رشدیہ، پاکستان، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۲۵. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم محمودی، مؤسسه الطبع و النشر، تهران، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۲۶. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۷. سیوطی، جلال الدین، تفسیر الجلالین، مؤسسه النور للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۲۸. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، المطبعة العلمیة، تهران، ۱۳۸۰ هـ.ق.
۲۹. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۳۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ هـ.ق.

۳۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق اسعد محمد الطیب، مکتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ هـ. ق.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷ هـ. ش.
۳۳. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت.
۳۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۳۵. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۳۶. قشیری نیشابوری، ابن مسلم، الجامع الصحیح، دارالفکر، بیروت.
۳۷. شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، دار الرضی، قم، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۳۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۳۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ هـ. ش.
۴۰. اشعث کوفی، محمد بن محمد، الجعفریات، مکتبه نبوی، تهران.
۴۱. محمد بن عبدالرحیم، صافی، الجدول فی إعراب القرآن، دار الرشید، دمشق، ۱۴۱۸ هـ. ق.
۴۲. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، مؤسسه الإمام المهدي، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۴۳. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۴۴. طبری، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۴۵. طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ۱۳۵۶ هـ. ق.
۴۶. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الي تصانیف الشیعه، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۴۷. مدنی شیرازی، سید علی خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین صلوات الله علیه، تحقیق سید محسن حسینی امینی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۴۸. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۴۹. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق مهدي، دار الكتاب العربي، بیروت، ۱۴۲۲ هـ. ق.

۵۰. حلی، علی بن طاوس، سعد السعود، دار الذخائر، قم.
۵۱. ابوبکر، بیهقی، السنن الکبری، دارالفکر، بیروت.
۵۲. حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، مؤسسه الطبع و النشر، تهران، ۱۴۱۱ ه. ق.
۵۳. ابو حامد، عبدالحمید بن هبه الله بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۵۴. سقاف قرشی، حسن بن علی، صحیح شرح العقیده الطحاویه فی فکر آل البيت، دار الامام النوی، عمان، ۱۴۱۶ ه. ق.
۵۵. نباطی بیاضی، علی بن یونس، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ ه. ق.
۵۶. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه. ق.
۵۷. حلی، علی بن طاوس، الطرائف، خیام، قم، ۱۴۰۰ ه. ق.
۵۸. حلی، ابن البطریق، العمدة، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۰۷ ه. ق.
۵۹. ابن ابی جمهور، احسانی، عوالی اللئالی، دار سید الشهداء، قم، ۱۴۰۵ ه. ق.
۶۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین، علل الشرائع، داوری، قم.
۶۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، عیون أخبار الرضا علیه السلام، دار العالم، ۱۳۷۸ ه. ق.
۶۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ه. ق.
۶۳. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، دار الکتاب العربی، ۱۳۹۷ ه. ق.
۶۴. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق.
۶۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین، فضائل الشیعة، دار الأعلمی، تهران.
۶۶. مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه الأئمة، تحقیق سامی غریبی، مؤسسه دار الحدیث الثقافی، قم، ۱۴۲۲ ه. ق.
۶۷. قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، دار الرضی، قم، ۱۳۶۳ ه. ش.
۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه. ش.
۶۹. عیاشی، محمود بن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ه. ق.

۷۰. محمود، زمخشری، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۷۱. ثعلبی، احمد بن ابراهيم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۷۲. قمي، عباس، الكني و الألقاب، مكتبة الصدر، تهران.
۷۳. رشيد الدين ميبدي، احمد بن ابی سعد، كشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقيق علی اصغر حکمت، انتشارات امير كبير، تهران، ۱۳۷۱ هـ.ش.
۷۴. اربلي، محمد بن عيسي، كشف الغمة في معرفه الأئمة، تعليق سيد هاشم رسولي محلاتي، مكتبة بني هاشمي، تبريز، ۱۳۸۱ هـ.ق.
۷۵. حلي، حسن بن يوسف، كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين عليه السلام السلام، مؤسسه الطبع و النشر، تهران، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۷۶. صدوق، محمد بن علي بن حسين، كمال الدين و تمام النعمة، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۹۵ هـ.ق.
۷۷. بغدادی، علاء الدين علی بن محمد، لباب التاويل في معاني التنزيل، تحقيق تصحيح محمد علی شاهين، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۷۸. هيثمی، علي بن ابی بكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۷۹. شرف الدين، عبدالحسين، المراجعات، تحقيق حسين راضي، بغداد، ۱۳۹۹ هـ.ق.
۸۰. نمازي شاهرودي، علي، مستدرک سفينة البحار، تحقيق و تصحيح حسن بن علي نمازي، مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه، قم.
۸۱. طبري، محمد بن جرير، المسترشد في إمامة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، تحقيق شيخ احمد محمودي، مؤسسه الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۸۲. صدوق، محمد بن علي بن حسين، معاني الأخبار، مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه، قم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۸۳. مازندراني، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مؤسسه العلامة للنشر، قم، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۸۴. قمي، ابن شاذان، مئة منقبة، مدرسة الإمام المهدي، قم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۸۵. ميرزا حسين، نوري، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، گروه تحقيق مؤسسه آل البيت عليه السلام، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۸۶. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، با مقدمه محمد جواد بلاغي، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ هـ.ش.

۸۷. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالرزاق المهدی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق.
۸۸. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، به اشراف یوسف عبدالرحمن مرعشلی، دارالمعرفه، بیروت.
۸۹. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۹ ه. ق.
۹۰. ابن حنبل، احمد، المسند، دار صادر، بیروت.
۹۱. مکی خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، تحقیق مالک محمود، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۱ ه. ق.
۹۲. زرندی حنفی، محمد بن یوسف، نظم در السمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین، مکتبه الامام امیرالمؤمنین العامه، ۱۳۷۷ ه. ق.
۹۳. نویری، شهاب الدین، نهجی الأرب فی فنون الأدب، دار الکتب و الوثائق القومیة، ۱۴۲۳ ه. ق.
۹۴. رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ه. ق.
۹۵. ابن جبر، علی بن یوسف، نهج ایمان، تحقیق سید احمد حسینی، مجتمع امام هادی (علیه السلام)، مشهد، ۱۴۱۸ ه. ق.
۹۶. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و کشف الصدق، دارالهجره، قم، ۱۴۰۷ ه. ق.
۹۷. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، مؤسسه البلاغ، بیروت، ۱۴۱۱ ه. ق.
۹۸. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، دار الاسوه للطباعه و النشر، ۱۴۱۶ ه. ق.
۹۹. حلی، سید علی بن طاوس، الیقین، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۱۳ ه. ق.